چکیده مقالات هشتمین همایش ملی انجمن جمعیت شناسی ایران

تحولات جمعیت، نیروی انسانی و اشتغال در ایران

۵ و ٦ آبان ماه ۱۳۹۵، دانشگاه یزد

چکیده مقالات همایش تحولات جمعیت، نیروی انسانی و اشتغال در ایران، آبان ماه ۱۳۹۵

BOOK OF ABSTRACTS

8th Biannual Conference of the Population Association of Iran

Population Change, Human Resources & Employment in Iran

26-27 October 2016, Yazd University

به نام خدا

هشتمین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران

"تحولات جمعیت، نیروی انسانی و اشتغال در ایران"

چکیده مقاله ها

پنجم و ششم آبان ۱۳۹۵

دانشگاه یزد

سرشناسه	:	همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران (هشتمین:۱۳۹۵:تهران)
عنوان و نام پدیدآور	:	هشتمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران : تحولات جمعیت، نیروی انسانی و اشتغال در ایران پنجم و ششم آبان ۱۳۹۵/ برگزارکنندگان دانشگاه یزد و انجمن جمعیت شناسی ایران، با همکاری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد ... [و دیگران]؛ تدوین و گردآوری محمد ساسانی‌پور. ؛ دبیر همایش محمد میرزایی ؛ دبیران علمی محمدجلال عباسی‌شوازی، عباس عسکری‌ندوشن ؛ دبیر اجرایی ملیحه علی‌مندگاری
مشخصات نشر	:	یزد: دانشگاه یزد، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	[۱۱۵] ص.
فروست	:	سلسله انتشارات دانشگاه یزد.
شابک	:	978-600-8571-11-7:
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
موضوع	:	جمعیت‌شناسی -- ایران -- کنگره‌ها
موضوع	:	Demography -- Iran -- Congresses
موضوع	:	نیروی انسانی-- ایران-- اشتغال
موضوع	:	Manpower-- Employment-- Iran
شناسه افزوده	:	ساسانی‌پور، محمد، ۱۳۶۴ -، گردآورنده
شناسه افزوده	:	میرزایی، محمد، ۱۳۲۲ -، دبیر
شناسه افزوده	:	عباسی شوازی، محمدجلال، ۱۳۴۴ - ، دبیر
شناسه افزوده	:	Abbasi-Shavazi, Mohammad Jalal
شناسه افزوده	:	عسکری ندوشن، عباس، ۱۳۵۶ -، دبیر
شناسه افزوده	:	علی‌مندگاری، ملیحه، ۱۳۵۹ -، دبیر
شناسه افزوده	:	انجمن جمعیت‌شناسی ایران
شناسه افزوده	:	دانشگاه یزد
شناسه افزوده	:	Yazd University
رده بندی کنگره	:	HB۸۵۳ ۱۳۹۵ ۸هـ۹الف/
رده بندی دیویی	:	۶۰۹۵۵/۳۰۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۴۲۰۹۰۱
کد پیگیری	:	٤٤١٩٠٨٦

مرکز انتشارات دانشگاه یزد

یزد، صفائیه، بلوار دانشگاه، صندوق پستی ۷۴۱- ۸۹۱۹۵ تلفن:۹- ۳۸۲۱۱۶۷۰-۰۳۵

دورنگار ۳۸۲۰۰۱۲۶- ۰۳۵

عنوان کتاب: هشتمین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران"تحولات جمعیت، نیروی انسانی و اشتغال در ایران" (چکیده مقاله ها)

تدوین و گردآوری: محمد ساسانی‌پور

دبیرهمایش: دکتر محمد میرزایی

دبیران علمی: محمدجلال عباسی شوازی، دکتر عباس عسکری ندوشن

دبیر اجرایی: ملیحه علی مندگاری

ناشر: انتشارات دانشگاه یزد

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: قم-چاپ هم میهن

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۷-۱۱-۸۵۷۱-۶۰۰-۹۷۸

قیمت پشت جلد: ۴۰۰۰۰ریال

دبیر همایش:

دکتر محمد میرزایی

دبیران علمی:

دکتر محمد جلال عباسی شوازی، دکتر عباس عسکری ندوشن

دبیر اجرایی:

دکتر ملیحه علی مندگاری

برگزارکنندگان:

دانشگاه یزد و انجمن جمعیت شناسی ایران

با همکاری:

دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد
مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
استانداری یزد
مرکز آمار ایران
پژوهشکده آمار
دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
سازمان ثبت احوال کشور
صندوق جمعیت سازمان ملل متحد
پروژه جمعیت و توسعه دانشگاه تهران
سازمان برنامه و بودجه استان یزد
معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری
معاونت امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری
مرکز منطقه‌ای علوم و فناوری
پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد
صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مرکز یزد
اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد
دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان یزد

اعضای کمیته راهبری (بر حسب حروف الفبا)

دکتر حسین افراسیابی، دکتر سیدعلیرضا افشانی، دکتر محمدصالح اولیا، دکتر محمدجلال عباسی‌شوازی، دکتر عباس عسکری‌ندوشن، دکتر محمد میرزایی.

اعضای کمیته علمی (بر حسب حروف الفبا)

دکتر علی‌یار احمدی، دکتر حسین افراسیابی، دکتر سیدعلیرضا افشانی، دکتر حبیب انصاری سامانی، دکتر ابوالقاسم پوررضا، دکتر فاطمه ترابی، دکتر حاتم حسینی، دکتر اکبر زارع شاه‌آبادی، علیرضا زاهدیان، دکتر حبیب‌الله زنجانی، دکتر حسین راغفر، دکتر زهرا رضایی‌قهرودی، دکتر حسن سرایی، دکتر سیدمحمد سیدمیرزایی، دکتر رسول صادقی، دکتر حسن طایی، دکتر محمدجلال عباسی‌شوازی، دکتر عباس عسکری‌ندوشن، دکتر ملیحه علی-مندگاری، دکتر غلامعلی فرجادی، دکتر محمدعلی فیض‌پور، دکتر سیدمحمود قاضی‌طباطبایی، دکتر شهلا کاظمی‌پور، آقای کامبیز کبیری، دکتر احمد کتابی، دکتر مجید کوششی، دکتر حسین محمودیان، دکتر محمود مشفق، دکتر سیدفرخ مصطفوی، دکتر عیسی منصوری، دکتر امیرهوشنگ مهریار، دکتر منصور مهینی‌زاده، دکتر محمد میرزایی، محمدحسین نجاتیان، دکتر حمیدرضا نصیری‌زاده.

اعضای کمیته اجرایی (برحسب حروف الفبا)

مطهره بخشش، اوشا حاتمی، امیرحسین دهقان‌منشادی، محمد ساسانی‌پور، سهیلا سجادی‌راد، مهرناز سلیمان‌لو، سعیده شهبازین، فرزانه شیبانی، مرجان صباغچی، دکتر ملیحه علی‌مندگاری، فرنوش فربد، حسن فلاح‌مدواری، لیلا کاویانی.

پیشگفتار دبیر همایش

در سال‌های اخیر تغییر و تحولات چشمگیری در زمینه نیروی انسانی و اشتغال در ایران اتفاق افتاده است. این تغییر و تحولات از یکسو، متاثر از قرار گرفتن کشور در مرحله پنجره جمعیتی و ورود نسل پرتعداد جمعیت جوان کشور به سنین فعالیت و اشتغال و از سوی دیگر تحت تاثیر ویژگی‌های تحصیلی نیروی انسانی و گرایش فزاینده به استمرار تحصیلات عالی در چند دهه اخیر بوده است. از این رو، مسئله و چالش بیکاری در بین حجم زیادی از نسل جوان، به ویژه افراد دارای تحصیلات عالی، به یکی از مسائل محوری و مهم کشور تبدیل شده است. با عنایت به موارد فوق‌الذکر توجه و پرداختن به ابعاد متنوع مرتبط با نیروی انسانی و اشتغال در سطح ملی، چه از نقطه نظر علمی و تخصصی و چه از نظر اولویت‌های برنامه‌ریزی و سیاستگذاری ضرورت دارد. به همین لحاظ انجمن جمعیت‌شناسی ایران برآن شد تا هشتمین همایش خود را بر موضوع «تحولات جمعیت، نیروی انسانی و اشتغال در ایران» متمرکز نموده و با همکاری دانشگاه یزد آن را برگزار نماید.

برگزاری این همایش فرصت مناسبی را برای بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های علمی موجود کشور در جهت تحلیل ابعاد گوناگون محورهای مرتبط با نیروی کار و چالش پر اهمیت اشتغال و بیکاری در ایران فراهم کرده است. ایجاد بستر مناسب برای ارائه آخرین دستاوردهای علمی و نیز طرح آراء و تبادل ایده‌های متخصصان، مدیران و سیاستگذاران از دیگر اهداف این همایش است. این همایش در ۵ محور به شرح زیر ساماندهی شده است:

۱) ابعاد جمعیت‌شناختی نیروی انسانی و اشتغال

۲) ابعاد اقتصادی و اجتماعی اشتغال

۳) داده‌ها و شاخص‌های نیروی انسانی و اشتغال

۴) آموزش و اشتغال: چالش‌ها و پیامدها

۵) اشتغال زنان

هم‌چنین برگزاری میزگردی با عنوان «سیاست‌های اشتغال و موانع اشتغال‌زائی: ملی و منطقه‌ای» در دستور کار این همایش قرار گرفته است.

علاوه بر دانشگاه یزد که میزبان این همایش است سازمان‌ها و نهادهای متعددی از جمله مؤسسه مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، استانداری یزد، مرکز آمار ایران، پژوهشکده آمار، سازمان ثبت احوال، صندوق جمعیت سازمان ملل، مرکز منطقه‌ای علوم و فناوری، موسسه

عالی آموزش و پژوهش برنامه‌ریزی و مدیریت، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد، سازمان برنامه و بودجه استان یزد، صدا و سیمای مرکز یزد، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام در برگزاری این همایش همراهی مساعدت و همکاری داشته‌اند.

این مجموعه شامل ۸۷ چکیده مقاله است که پس از بررسی کمیته علمی و با توجه به محورهای همایش برای ارائه به صورت سخنرانی و پوستر انتخاب شده‌اند. با توجه به اینکه در این همایش فرصت ارائه بیش از ۲۶ مقاله نخواهد بود سایر مقاله‌ها به صورت پوستر ارائه خواهند شد. فرصت را مغتنم شمرده از همه ارگان‌ها، سازمان‌ها، مراکز علمی و پژوهشی و دانشگاه‌ها و هم‌چنین کلیه افراد دست‌اندکار در برگزاری این همایش که اسامی آنها در صفحات قبل آمده است تقدیر و تشکر می‌نماید. خداوند پشت و پناه همه آنان باشد.

دکتر محمد میرزایی

استاد دانشگاه تهران و

رئیس انجمن جمعیت‌شناسی ایران

فهرست مطالب

الف) مقاله‌های پذیرفته شده در بخش سخنرانی

تحلیل محتوای مقالات همایش تحولات جمعیت، اشتغال و نیروی انسانی به روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی.... ۹

نشست اول: ابعاد جمعیت‌شناختی نیروی انسانی و اشتغال..... ۱۱

جمعیت و اشتغال، ابرچالشهای پیش رو ۱۲

تحلیل تحولات بازار کار، اشتغال و بیکاری در طی سالهای ۹۴-۱۳۸۵ ..... ۱۴

اشتغال و جمعیت در ایران: دیدگاه سیستمی ۱۶

بررسی تعارض کار_خانواده و رابطه آن با باروری زنان شاغل ۱۷

نشست دوم (بخش نخست): ابعاد اقتصادی و اجتماعی اشتغال..... ۱۸

تأثیر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی در سه گروه کشورهای با شاخص توسعه انسانی متفاوت طی سال‌های (۲۰۰۰-۲۰۱۴)..... ۱۹

تحلیل تاثیر توسعه صادرات بر اشتغال ۲۰

بررسی ویژگی برنامه اشتغال عمومی در جهت رفع چالش بیکاری و امکان اجرای آن در ایران..... ۲۱

بررسی تاثیر بازار سرمایه در حق اشتغال زنان با استفاده روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری ۲۳

مشخصه‌های اقتصادی – اجتماعی و شرایط خانوادگی کودکان کار مهاجر در شهر یزد..... ۲۴

نشست دوم (بخش دوم): ابعاد اقتصادی و اجتماعی اشتغال..... ۲۵

مطالعه اثر اشتغال بر سبک زندگی سلامت محور زنان شهر شیراز ۲۶

تفاوت‌های جنسیتی در ساختار اشتغال تحصیل‌کردگان دانشگاهی ایران ۱۳۸۴-۱۳۹۲ ..... ۲۷

آیا در سال‌های آتی عمده بیکاران کشور را فارغ‌التحصیلان جویای کار تشکیل می‌دهند؟ ۲۹

بررسی تأثیر تغییرات ساختاری بر اشتغال و تحرک نیروی کار در اقتصاد ایران ۳۰

تاثیر نوآوری بر نرخ بیکاری کشورهای منتخب دارای فراوانی منابع طبیعی با تاکید بر ایران ۳۲

نشست سوم: داده ها و شاخص های اشتغال..... ۳۳

مدل‌سازی روند میزان بیکاری در ایران و عوامل تاثیرگذار بر آن از طریق برازش مدل آنالیز کواریانس لجستیک ۳۴

بررسی و پیش‌بینی شاخص اشتغال ایجاد شده در فعالیت‌های اصلی بخش صنعت تعاونی‌های کل کشور با استفاده از درخت تصمیم ۳۵

کاربرد نمونه‌گیری پاسخگو محور در نمونه‌گیری از کودکان کار ۳۶
علل اصلی سالهای عمر از دست رفته زودرس جمعیت سنین نیروی‌کار در ایران ۳۷
نشست چهارم: آموزش و اشتغال: چالش‌ها و پیامدها..... ۳۸
اشتغال دانش‌آموختگان: واقعیت‌ها و رویکردها ۳۹
الگوی نهادی همراستایی آموزش و اشتغال کشاورزی در ایران ۴۰
رابطه اندازه جمعیت و تحصیلات با نوآوری ۴۲
نشست پنجم: اشتغال زنان..... ۴۳
اشتغال زنان: چالش‌ها و راهکارها ۴۴
مطالعه جامعه‌شناختی نابرابری جنسیتی در اشتغال و مشارکت اقتصادی ۴۵
آیا اشتغال زنان در ایران عامل محدودکنندهٔ باروری و رشد جمعیت است؟ ۴۶
عوامل موثر بر کار مزدی زنان و تاثیرپذیری آن از سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی در استان‌های ایران (یک تحلیل چندسطحی) ۴۷
ب: مقاله‌های پذیرفته شده در بخش پوستر..... ۴۸
پیامدهای سالمندی جمعیت بر سرمایه انسانی و بازار کار در ایران ۴۹
بررسی وضع فعالیّت و اشتغال استان آذربایجان شرقی با تاکید بر سرشماری ۱۳۹۰ ..... ۵۰
تفاوت‌های جنسی و سنی نیروی کار در ایران: با تاکید بر پیش‌بینی وضعیت اشتغال و بیکاری دو جنس بر اساس سرشماری سال ۱۳۶۵-۱۳۹۰ ..... ۵۱
بررسی تحولات جمعیتی و اشتغال در شهرستان یزد تا افق ۱۴۰۰ با تاکید بر مناطق شهری و روستایی ۵۲
روند گذار شغلی در ایران: آینده‌نگری فرصتهای جدید شغلی با تأکید بر فناوری اطلاعات ۵۳
وضعیّت اشتغال و بیکاری استان لرستان، علل و پیامدهای آن ۵۵
تغییر وضع فعالیت و اشتغال در مقصد و رضایت از مهاجرت ۵۶
تحلیل تحولات جمعیتی نیروی کار کشاورزی نقاط روستایی ایران ۵۷
مطالعه انسان‌شناختی نقش اشتغال در مهاجرت‌های شغلی جدید در یزد و ایران ۵۸
بررسی سیاست‌گذاری‌های بخش آموزش عالی و اشتغال و پیامدهای آن ۵۹
بررسی ویژگی‌های فارغ‌التحصیلان غیرفعال آموزش عالی بر اساس داده‌های آمارگیری نیروی کار طی سال‌های اخیر ۶۱

نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه منابع انسانی ۶۲
بررسی عوامل موثر بر بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ۶۳
مقایسه وضعیت بیکاران دارای تحصیلات عالی در دو استان فارس و تهران (براساس اطلاعات و داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰) ۶۴
توسعه نگرش‌های مرتبط با اشتغال در کتاب‌های درسی ۶۵
بررسی طول مدت بیکاری زنان و ماندگاری آنان در بازارکار ۶۶
چرا زنان کارشان را ترک می‌کنند؟ ۶۷
کار مزدی بیرون از خانه مادر و پیامدهای تربیتی آن برای فرزندان ۶۸
بررسی عوامل مؤثر بر ساعات کار مزدی زنان در مناطق شهری کشور- سال ۸۸-۱۳۸۷ ..... ۶۹
بررسی مشارکت اقتصادی زنان بر اساس داده‌های آمارگیری نیروی کار ۷۰
شناخت و بررسی وضعیت اشتغال زنان سرپرست خانوار با رویکرد آسیب‌شناسی ۷۱
مقایسه زمان بقای مطلوب بی‌فرزندی زنان در آستانه ازدواج برحسب وضع فعالیت ۷۳
هجوم زنان به اشتغال در بخش غیررسمی ۷۴
تحلیل رابطه مهاجرت نیروی کار و پدیده زنانه شدن فقر و اشتغال در ایران وکشورهای منتخب ۷۶
اشتغال زنان، نشاط زناشویی و گرایش به طلاق ۷۸
مهاجرت‌های اقتصادی- تحصیلی زنان و عوامل موثر بر آن در ایران در دوره ۹۰-۱۳۸۵ ..... ۷۹
ارزیابی موانع فقهی_حقوقی اشتغال زنان در حقوق ایران ۸۰
روند تحولات اشتغال زنان و شاخص‌های عمده نیروی کار زنان در ایران طی سال‌های ۹۴-۱۳۸۴ ..... ۸۱
بررسی وضعیت اشتغال و شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی استان لرستان در سال ۱۳۹۴ ..... ۸۳
ازدواج یا اشتغال؟ مطالعه دیدگاه زنان سرپرست خانوار ۸۴
تأثیر اشتغال و تحصیلات زنان بر باروری در ایران ۸۶
شناسایی و تحلیل زمینه‌های پژوهشی حوزه اشتغال زنان در ایران با روش دیدارسازی ۸۷
بررسی مقایسه‌ای عوامل روانی اشتغال بین زنان شاغل و غیرشاغل شهر یزد ۸۸
بررسی عوامل مؤثر بر نگرش جامعه در خصوص دلایل گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی ۸۹
بررسی نیروی کار ایران در نیم قرن اخیر با رویکرد جنسیتی ۹۰

نگرش زنان کُرد شهرستان‌های ایلام و کامیاران نسبت به اشتغال زن در فعّالیت‌های خارج از منزل ۹۱
بررسی موانع اشتغال و پیامدهای بیکاری از دیدگاه جوانان استان خوزستان ۹۲
مرور نظام‌مند مطالعات انجام شده در حوزه جمعیت، نیروی کار و اشتغال در نشریه‌های ملی و بین‌المللی: شکاف‌ها، اولویت‌ها و سیاست‌ها ۹۳
تأثیر سیاست‌های سمت تقاضا بر تقاضای نیروی کار در ایران ۹۴
مطالعه تطبیقی سیاستهای بازار کار در کشورهای منتخب ۹۵
انقلاب صنعتی چهارم و تحولات بازار کار و اشتغال ۹۶
بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات با تأکید بر ثبات سیاسی در ایران ۹۷
بررسی اثر سالخوردگی جمعیت بر رشد اقتصادی در ایران طی دوره ۱۳۹۱-۱۳۶۲ ..... ۹۸
بررسی رابطه کیفیت زندگی با میزان فرسودگی شغلی ۹۹
آسیب‌پذیری کودکان خیابانی در شهر یزد ۱۰۰
اقتصاد سیاسی جمعیت در ایران با تأکید بر مقولهٔ بیکاری ۱۰۱
تأثیر اندازه دولت بر بیکاری: بررسی منحنی آبرامز در استان‌های ایران ۱۰۲
ارزیابی عوامل موثر بر رشد اشتغال در بخش صنعت ایران ۱۰۳
تحولات جمعیتی و روند اصلاح سیاست‌های اجتماعی در ایران ۱۰۴
عوامل موثر بر تصمیم اشتغال زنان متاهل ۱۰۵
کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر مقوله اشتغال و وضعیت اقتصادی آنان: مطالعهی کیفی در شهر شیراز ۱۰۶
اشتغال زنان و باروری: مطالعه موردی شهر شیراز ۱۰۷
بررسی ظرفیتها وتوانمندی‌های اشتغال‌زایی در مناطق روستایی ایران ۱۰۸
جایگاه اشتغال نیروی انسانی در سیاست‌گذاری اقتصادی جمهوری اسلامی ایران (برنامه‌های اول تا پنجم توسعه) ۱۰۹
سرمایه انسانی و بهره‌وری نیروی کار در استان‌های ایران ۱۱۰
چالش‌های ساختاری آموزش عالی و اشتغال در ایران ۱۱۱
بررسی نقش اشتغال زنان در ساختار زندگی خانوادگی: مطالعه تطبیقی زنان شاغل و غیرشاغل در شهر یزد ۱۱۲
مطالعه تطبیقی شاخص‌های اشتغال زنان شهری و روستایی در مقایسه با مردان در شهرستان‌های ایران: تحلیل سطح انبوه از سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ ..... ۱۱۳

رشد جمعیت زنان با تحصیلات عالی و تاثیر بر نرخ بیکاری آن‌ها: ۹۳-۱۳۸۸ ..... ۱۱۴
فارغ‌التحصیلان: اشتغال یا بیکاری، آثار و تبعات کارکردی و روانشناختی آن ۱۱۵
تفهم جامعه‌شناختی تجارب زنان سرپرست خانوار پیرامون انجام وظایف خانوادگی و شغلی و میزان رضایت از آن "پژوهش کیفی پدیدارشناسی" ۱۱۶

الف: مقاله‌های پذیرفته شده در بخش سخنرانی

تحلیل محتوای مقالات همایش تحولات جمعیت، اشتغال و نیروی انسانی به روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی

محمد توکلی زاده راوری[۱] سعیده شهبازین[۲]

چکیده

به دست آوردن یک شمای کلی از محتوای مقالات ارائه شده در همایش‌ها، می تواند در شناخت بهتر از فعالیت‌های علمی صورت گرفته کمک کند. فنون دیداری سازی علم از طریق تحلیل شبکه‌های اجتماعی، امکان نیل به چنین هدفی را میسر می‌سازند. با همین هدف، ۸۳ مقاله پذیرفته شده در همایش " **تحولات جمعیت، نیروی انسانی و اشتغال** " مورد توجه قرار گرفت. اجزای مختلف اطلاعاتی مقالات، شامل عنوان، نویسنده، وابستگی سازمانی نویسندگان، چکیده، کلیدواژه‌ها، وترکیبی از عنوان و چکیده از این مقالات استخراج و به صورت فایل اکسل ذخیره شد. با امکانات نرم افزار راور پریمپ، به طور خودکار اصلاحات موضوعی موجود در عناوین و چکیده‌ها مشخص گردیدند. سپس با کمک همین نرم افزار، اصطلاحات حاصله کنترل و ویرایش شدند. گزارشی از اطلاعات پایه مربوط به موضوعات حاصل از عنوان و چکیده، نویسندگان و وابستگی سازمانی آن‌ها تهیه شد. با کمک راور پریمپ، ماتریس هم رخدادی موضوعات، نویسندگان، سازمان‌ها ایجاد گردید. با توجه به این ماتریس‌ها، از طریق نرم افزار نت دراو، نقشه شبکه روابط بین موضوعات، نویسندگان و سازمان‌ها ترسیم گردید. نتایج توصیفی نشان داد که تعداد اصطلاحات موضوعی به کار رفته در عنوان و چکیده مقالات، تعداد نویسندگان و تعداد سازمان‌ها به ترتیب ۴۶۷، ۱۳۸ و ۴۶ هستند. نتایج نشان داد که شبکه موضوعات، نویسندگان و سازمان‌های ارائه دهنده مقاله به ترتیب از ۶، ۵۸ و ۲۲ پاره یا مولفه تشکیل شده است. تعداد زیاد مولفه‌ها با توجه به تعداد پایین نویسندگان و سازمان‌ها نشان از عدم وجود یک شبکه منسجم علمی در حوزه موضوعی همایش است. نتایج همچنین نشان داد که موضوعات "سطح اشتغال زنان"، "مهاجرت روستایی"، "اشتغال‌زایی" و "بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی" دارای بالاترین مرکزیت بینابینی هستند. به این معنا که احتمالا این موضوعات می‌توانند به عنوان بستر اصلی در مبحث اشتغال کشور مطرح شوند. مرکزیت بینابینی همچنین نشان داد که "دانشگاه یزد"، "دانشگاه تهران" و "مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور" بیشترین نقش پیوند دهندگی بین شبکه

۱. عضو هیات علمی دانشگاه یزد tavakoli@yazd.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه یز د Saeedehshahbazin2@gmail.com

همکاری سازمان‌ها را در نوشتن مقاله برای این همایش دارند. این نشان می‌دهد که این نهادها می‌توانند به عنوان نقاط اصلی درشبکه سازمانی مطالعات اشتغال کشور به شمار آیند. در آخر، شبکه اگوی موضوعات، نویسندگان و سازمان‌های مهم با توجه به مرکزیت تعداد پیوند (رتبه) ترسیم شد تا مشخص گردد که به ترتیب چه موضوعاتی، نویسندگانی و سازمان‌هایی با موضوعات، نویسندگان و سازمان‌های مرکزی در ارتباط مستقیم هستند و میزان این ارتباط به چه اندازه است.

واژگان کلیدی: همایش تحولات جمعیت، اشتغال و نیروی انسانی، تحلیل محتوا، تحلیل شبکه‌های اجتماعی، همکاری.

نشست اول: ابعاد جمعیت‌شناختی نیروی انسانی و اشتغال

جمعیت و اشتغال، ابرچالش‌های پیش رو

حسین راغفر[۱]، احسان سلطانی

چکیده

ایجاد اشتغال بی‌تردید در کانون توجه و تلاش همه جوامع و دولت‌ها قرار دارد، هر چند که طیف سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات اجرایی و به تبع آن سطوح کمی و کیفی موفقیت در آن بسیار متفاوت است. اقتصادهای توسعه یافته رشد اشتغال نیروی کار ماهر و اقتصادهای در حال توسعه رشد اشتغال زنان و جوانان را در دستور کار خود قرار داده‌اند. هر چند که چهاروجهی (۱) اشتغال نیروی کار نخبه، (۲) اشتغال جوانان، (۳) اشتغال زنان و (۴) تامین دوران بازنشستگی در همه کشورها از اهمیت بالایی برخوردار هست، اما در ایران با توجه به تفوق اقتصاد رانتی-نفتی، (۵) اشتغال مولد اولویت خاص خود را دارد. در دو دهه اخیر نسبت اشتغال کل جهان و ایران به ترتیب در حدود ۶۰ و ۴۰ درصد نوسان کرده است. با وجود نسبت اشتغال به مراتب پایین‌تر از کل جهان، نرخ بیکاری ۱۲ درصدی کشور در مقایسه با نرخ ۶ درصدی جهان بالا محسوب می‌شود. از مشخصه‌های مهم اشتغال کشور نرخ مشارکت اقتصادی پایین ۱۷ درصدی زنان در مقایسه با نرخ جهانی ۵۰ درصد است. اشتغال در اقتصادهای توسعه‌یافته با تقاضای روزافزون برای نیروی کار خیلی ماهر توصیف می‌شود. در شرایطی که در حدود یک-سوم از کل نیروی کار کشورهای توسعه یافته را نیروی کار با تحصیلات دانشگاهی تشکیل می‌دهد، این مقدار برای ایران کمتر از ۲۰ درصد می‌باشد و ۶۰ درصد از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها به جمعیت غیرفعال و خانه‌نشین یا بیکار می‌پیوندند. نسبت اشتغال جوانان (۱۵ تا ۲۴ ساله) در جهان ۴۱ درصد و در کشورهای توسعه یافته بین ۳۵ تا ۴۵ درصد است، این نسبت در ایران در حدود ۲۰ درصد با رتبه ۱۶۰ جهانی می‌باشد. نسبت نرخ باروری ایران به منطقه از سال ۱۳۷۰ به تدریج شروع به تنزل کرد، به صورتی که نسبت نرخ باروری ایران به ۶۰ درصد منطقه کاهش یافته است. ایران با میانه جمعیتی ۳۰ ساله نسبت کشورهای دیگر منطقه از جمعیت مسن‌تری برخوردار می‌باشد. در ربع قرن آینده متوسط سنی جمعیت کشور به بیش از ۴۰ سال خواهد رسید. در دهه اخیر تفوق اقتصاد رانتی نفتی زمینه‌ها و انگیزه‌های اشتغال را از بین برده است، به صورتی که اشتغال مولد ثابت و اشتغال نامولد رشد داشته است. در بخش صنعت تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها در صنایع بزرگ رانتی متکی به منابع طبیعی بود، به صورتی که در بیست سال اخیر با وجود رشد ۱۰۰۰ درصدی تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی، تعداد کارکنان آنها فقط

۱. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه الزهرا raghhg@yahoo.com

۳۰ درصد افزایش دارد. توسعه بنگاه‌های بزرگ متکی به رانت می‌باشد و با وجود جذب ۷۰ درصد سرمایه‌ها و منابع، کمتر از یک-چهارم اشتغال صنعت-ساخت را بر عهده دارند. سیاست‌های توسعه-ای، صنعتی، پولی و تجاری کشور به جای پشتیبانی از ایجاد اشتغال، معطوف به توزیع نابرابر رانت در اقتصاد است و تا زمانی که تغییرات ساختاری و بنیادی در رویکردهای کنونی صورت نگیرد، معضل اشتغال کماکان لاینحل باقی خواهد ماند.

تحلیل تحولات بازار کار، اشتغال و بیکاری در طی سالهای ۹۴-۱۳۸۵

غلامعلی فرجادی[۱]

چکیده

تغییرات مؤلفه‌های بازار کار (نرخ مشارکت، اشتغال و بیکاری) در طی دهه گذشته از ویژگی‌های منحصر بفردی در بازار کار کشور برخوردار بوده که کاملاً متفاوت از روندهای بلند مدت آن در طی چهار دهه گذشته بوده است. به طور مختصر به برخی از این ویژگی‌های متمایز اشاره می‌شود. الف- جمعیت فعال: برپایه اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن، جمعیت فعال کشور که در سال ۱۳۸۵ حدود ۲۳/۵ میلیون نفر بوده است در سال ۱۳۹۰ به ۲۴/۱ میلیون نفر رسیده و به بیانی دیگر در طی دوره فوق حدود ۶۴۰ هزار نفر و سالانه ۱۲۰ هزار نفر به جمعیت فعال کشور اضافه شده است. این آمار که به مراتب کمتر از پیش‌بینی‌های قبلی کارشناسان جمعیتی و اقتصادی بوده است، موجب شده است که نرخ مشارکت از حدود ۴۰ درصد در سال ۱۳۸۵به ۳۷ درصد در سال ۱۳۹۰ برسد. این رقم در سال ۱۳۹۲ به ۳۷/۶ درصد و در سال ۹۳ به ۳۸ درصد رسیده است. سوالی که مطرح می‌شود این است که علت رشد ناچیز جمعیت فعال در طی دوره فوق چه بوده است؟ در این مقاله سعی می‌شود دلایل رشد ناچیز جمعیت فعال مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. ب- جمیعیت شاغل: روند تغییرات جمعیت شاغل در طی سالهای ۹۴-۱۳۸۵ را باید در دو دوره متفاوت مورد بررسی قرار داد. دوره اول ۹۰-۱۳۸۵ : در طی سالهای ۹۰-۱۳۸۵ جمعیت شاغل از ۲۰/۴۸۰ میلیون نفر به ۲۰/۵۵۰ میلیون نفر رسید و جمعاً در طی این دوره ۷۰ هزار شغل ایجاد شد. در این دوره اقتصاد کشور به رغم برخورداری از رشد اقتصادی شاهد رشد بسیار پائین اشتغال جدید بوده است و در واقع ما شاهد رشد بدون اشتغال بوده‌ایم. دوره دوم ۹۴-۱۳۹۰: در طی این دوره جمعیت شاغل از ۲۰/۵۵۰ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به حدود ۲۲ میلیون نفر در سال ۱۳۹۴ رسیده است این رشد اشتغال در حالی ایجاد شده است که اقتصاد از نرخ رشد اقتصادی پائینی برخوردار بوده و حتی سالهای اولیه دهه ۹۰ رشد منفی بیش از ۵ درصد داشته است. در واقع این دوره ما شاهد رشد اشتغال بدون رشد اقتصاد بوده‌ایم. اگر چه برخی کارشناسان خطاهای آماری را مهمترین دلیل این تناقض می‌دانند ولی به نظر می‌رسد چرایی رابطه معکوس رشد اقتصادی و رشد اشتغال نیازمند بررسی و تحلیل عمیق‌تری است که در این مقاله تا حدودی بدان پرداخته خواهد شد. ج- بیکاری: بیکاری یکی از مهمترین چالش‌های اقتصاد ایران در شرایط کنونی است. براساس

۱- عضو هیات علمی و معاون آموزشی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

داده‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵ متوسط نرخ بیکاری ۱۱/۳ درصد بوده است که با نوسانهای زیادی طی سالهای ۹۴-۸۵ مواجه شده و از ۱۱/۳ درصد در سال ۸۵ به ۱۳/۵ درصد در سال ۸۹ و ۱۲/۳ درصد در سال ۹۰ و ۱۲ درصد در سال ۹۴ رسیده است. نکته قابل توجه این است که در وضعیت کنونی بازار کار کشور که میزان مشارکت برخلاف پیش‌بینی‌های قبلی از رشد پائین برخوردار بوده است شاخص نرخ بیکاری نمی‌تواند شاخص مناسبی برای ارزیابی وضعیت بازار کار کشور باشد زیرا نرخ بیکاری می‌تواند بدون ایجاد اشتغال و صرفاً با خارج شدن افراد از بازار کار کاهش یابد لذا برای رفع این مشکل باید به جای استفاده از نرخ بیکاری از رشد ایجاد اشتغال استفاده شود. بیکاری کشور در حال حاضر از ویژگی‌های زیر برخوردار است: بیکاری جوانان، بیکاری تحصیلکرده‌ها، بیکاری زنان، بیکاری شهری، بیکاری نابرابر منطقه‌ای. در این مقاله سعی می‌شود ویژگی‌های فوق به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و سیاستهای مناسبی در خصوص کاهش بیکاری پیشنهاد می‌گردد.

اشتغال و جمعیت در ایران: دیدگاه سیستمی

سیده زهرا کلانتری بنادکی[۱]، عادل آذر[۲]، محمد جلال عباسی شوازی[۳]، میثم رجبی نهوجی[۴]

چکیده

ساختار و اندازه جمعیت، نرخ رشد جمعیت و شرایط اقتصادی - اجتماعی روابطی متقابل و درهم تنیده دارند و وضعیت جمعیت یک کشور نقش مهمی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و برنامه-ریزی‌های کلان کشوری ایفا می‌کنند. یکی از راه‌های تاثیرگذاری جمعیت بر اقتصاد، تامین نیروی انسانی ماهر و متخصص به عنوان مهمترین نهاده بخش های اقتصادی است. از دیگر سو، وضعیت اقتصادی و اشتغال در کشور نیز نقش مهمی را در تصمیم گیری های جوانان بویژه در امور ازدواج و فرزندآوری ایفا میکند. در مطالعات بسیاری بطور جداگانه اثر بازار کار و اشتغال بر باروری، و یا تاثیر ساختار سنی جمعیت بر پارامترهای اقتصادی سنجیده شده است. با اینحال، کمتر مطالعه‌ای اثر همزمان این دو عامل، روابط متقابل و بازخورها را در مدلی واحد گنجانده و مورد بررسی قرار داده است. با توجه به شرایط جمعیتی و اقتصادی در ایران انجام این تحقیق ضروری است. در این مقاله سعی می‌شود تا با نگاه سیستمی و کل‌نگر و با استفاده از روش پویایی‌شناسی سیستم ها، روابط متقابل متغیرهای جمعیتی چون ساختار سنی، ازدواج و باروری با متغیرهای اقتصادی چون نسبت شاغل به شغل و امنیت شغلی، درآمد سرانه ملی و رفاه مورد بررسی قرار گیرد. پویایی سیستم این امکان را به محقق می‌دهد تا با درنظرگرفتن تاخیرات زمانی و روابط غیرخطی، نتایجی نزدیک‌تر به عالم واقع تولید کند. شناخت دقیق این روابط به مدیران کمک می‌کند تا بتوانند علل ساختاری رفتار سیستم اقتصادی- اجتماعی را بشناسند و درک بهتری از چالش‌های پیش‌رو داشته باشند. پویایی سیستم امکان شبیه‌سازی اثر سیاست‌گذاری‌ها را بر مولفه‌های مختلف فراهم می‌کند. شناخت حاصل به این روش به برنامه‌ریزان کمک می‌کند در برنامه‌ریزی‌های جامع و سیاست-گذاری‌های کلان کشور جنبه‌های مختلف تصمیمات اتخاذ شده را مدنظر قرار دهند تا حداکثر اثربخشی را در تخصیص منابع کسب کنند.

واژگان کلیدی: جمعیت، ساختار سنی، اشتغال، پویایی سیستم.

---

۱. دانشجوی دکتری مدیریت، دانشگاه تربیت مدرس s.kalantary@modares.ac.ir
۲. استاد دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده مدیریت و اقتصاد azara@modares.ac.ir
۳. استاد دانشگاه تهران، گروه جمعیت شناسی، دانشکده علوم اجتماعی mabbasi@ut.ac.ir
۴. دانشجوی دکتری سیاست گذاری، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت m_rajabih@yahoo.com

بررسی تعارض کار_خانواده و رابطه آن با باروری زنان شاغل
(مورد مطالعه زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر یزد)

حجیه بی بی رازقی نصرآباد[۱]، ملیحه علی مندگاری[۲]

چکیده

در جامعه ایرانی مسئولیت اصلی زنان نقش خانه‌داری و نگهداری از فرزندان است و هنگامی که آنها زمانی را به کار کردن در بیرون از منزل اختصاص می‌دهند، در تطبیق کار با نقش های درون خانه، ممکن است تعارض کار - خانواده ایجاد شود. به منظور کاهش تعارض و حفظ تعادل در کار و خانواده، زنان همواره تلاش می‌کنند مسئولیت‌های خود را تعدیل کنند. یکی از مکانیزمها برای برقراری این تعادل، کاهش تعداد فرزندان می‌باشد. در این مطالعه تلاش می‌شود ضمن بررسی تعارض کار و خانواده، رابطه آن با باروری زنان شاغل در آموزش و پرورش، بررسی گردد. داده‌های این مقاله، حاصل پیمایشی است که در سال ۱۳۹۳ در بین زنان ازدواج کرده شاغل در آموزش و پرورش شهر یزد جمع آوری شده است. نتایج نشان می‌دهد که میانگین نمره تعارض کار و خانواده پاسخگویان ۴۶/۰۷ می‌باشد که در سطح متوسط می‌باشد. نکته قابل توجه تعارض نسبتا بالا در محیط خانواده نسبت به محیط کار است. زنان شاغل معمولا خود را ملزم به انجام هر دو نقش می-کنند. بااین حال به دلیل انتظارات ساختاری و تقسیم کار جنسیتی، برای انجام نقش‌های خانوادگی به وقت و انرژی زیادی نیاز دارند. تحلیل دو متغیره داده‌ها نشان داد که متغیر تعداد فرزندان با تعارض شغلی _ فرزندآوری دارای رابطه منفی می‌باشد، بالاترین میانگین نمره تعارض کار و فرزندآوری نیز متعلق به زنان تک‌فرزند و برابر با ۵۴/۲۲ می‌باشد. اما در تحلیل چندمتغیره متغیرهای طول مدت زناشویی و پست سازمانی شدت تاثیر متغیر تعارض بر باروری را کاهش دادند. این یافته نشان می‌دهد زنان تلاش می‌کنند علی رغم تجربه تعارض در خانواده، نقشهای خانوادگی خود را انجام دهند. با توجه به نقش زنان در تحکیم روابط عاطفی بین اعضای خانواده، افزایش حمایت اجتماعی در خصوص نقشهای خانوادگی، ساعتهای کاری منعطف و کارهای پاره وقت برای زنان می‌تواند در کاهش تعارض کار- خانواده موثر باشد.

واژگان کلیدی: تعارض، کار، خانواده، باروری، زنان شاغل، شهر یزد.

---

۱. استادیار جمعیت‌شناسی، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
hajiieh.razeghi@psri.ac.ir
۲ . استادیار گروه جمعیت شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد m.alimondegari@yazd.ac.ir

نشست دوم (بخش نخست): ابعاد اقتصادی و اجتماعی اشتغال

تأثیر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی در سه گروه کشورهای با شاخص توسعه انسانی متفاوت طی سال‌های (۲۰۱۴-۲۰۰۰)

فاطمه کرم‌پور[۱]، علی دهقانی[۲]،

چکیده

جمعیت هر کشور نقشی مهم و غیرقابل انکار در رشد و توسعه اقتصادی آن ایفا می‌کند. موضوعات جمعیتی با مطرح شدن بحث‌های مربوط به عرضهٔ نیروی کار جایگاه ویژه‌ای را در مباحث اقتصادی به خود اختصاص داده‌اند. اهمیت این متغیر مهم در فرضیه سیکل زندگانی مودیگلیانی و نظریه سرمایه انسانی به خوبی نشان داده شده است. لذا در این تحقیق، به بررسی اثر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی در سه دسته از کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا، کشورهای با توسعه انسانی بالا و کشورهای با توسعه انسانی متوسط، در دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۰ با استفاده از تکنیک داده‌های ترکیبی پرداخته شده است. نتایج حاصل از این مطالعه حاکی از وجود اثر مثبت و معنادار جمعیت ۶۴-۱۵ و اثر منفی و معنادار جمعیت ۱۴-۰ سال بر تولید ناخالص داخلی در هر سه دسته از کشورهای مورد مطالعه دارد، از طرفی جمعیت بالای ۶۵ سال در کشورهای با شاخص توسعه انسانی بسیار بالا و کشورهای با شاخص توسعه انسانی متوسط بر تولید ناخالص داخلی اثر منفی و معنادار دارد درحالی که اثر این گروه جمعیتی بر تولید ناخالص داخلی در کشورهای با توسعه انسانی بالا مثبت است اما از لحاظ آماری معنادار نیست.

واژگان کلیدی: تولید ناخالص داخلی، ساختار سنی جمعیت، شاخص توسعه انسانی.

طبقه بندی JEL : O4,O40,J11.

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی سیستم‌های اقتصادی، دانشگاه صنعتی شاهرود
Fkarampoor89@yahoo.com
۲. دانشیار دانشکده مهندسی صنایع و مدیدیت، دانشگاه صنعتی شاهرود. Dehghani30@gmail.com

تحلیل تاثیر توسعه صادرات بر اشتغال
مطالعه موردی صنایع با فناوری بالا در ایران طی سالهای ۱۳۹۲-۱۳۷۴

علیرضا امینی[۱]، زهرا علیزاده[۲]، حمیده امامی[۳]

چکیده

در سال‌های اخیر نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها با سرعت فزاینده‌ای افزایش یافته است. یکی از راهکارهای کاهش نرخ بیکاری نیروی‌کار متخصص، توسعه صنایع با فناوری بالاست که تخصص‌بر هستند. بنابراین، شناسایی عوامل موثر بر اشتغال در صنایع با فناوری بالا از اهمیت زیادی برخوردار است. در این راستا، مطالعه حاضر به شناسایی نقش توسعه صادرات در افزایش اشتغال در صنایع با فناوری بالا پرداخته است. در این ارتباط، از یک الگوی پویای تقاضای نیروی کار بهره گرفته شده است که سطح اشتغال در دوره جاری تابعی از اشتغال باوقفه، صادرات، فروش داخلی، سرمایه سرانه و سرمایه تحقیق و توسعه است. در این مطالعه برای برآورد الگو از روش GMM استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصل از برآورد الگو، فروش داخلی، صادرات و سرمایه تحقیق و توسعه اثر مثبت و معنادار بر اشتغال دارند درحالی که سرمایه سرانه تاثیر منفی و معناداری بر اشتغال دارد. بنابراین، فرضیه تحقیق مبنی بر اثر مثبت صادرات بر اشتغال تائید گردید.

واژگان کلیدی: صادرات، صنایع با فناوری بالا، اشتغال نیروی‌کار متخصص، شدت تحقیق و توسعه.

طبقه بندی JEL: O32,O14,F16,J23,J24.

۱. استادیار دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی a_r_amini@iauctb.ac.ir
۲. کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز zahraalizade27@yahoo.com
۳. کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه Hamideh_emami@yahoo.com

بررسی ویژگی برنامه اشتغال عمومی در جهت رفع چالش بیکاری و امکان اجرای آن در ایران

مجید حسین پور[۱]، محمد رضا کارگر شورکی[۲]

چکیده

برنامه اشتغال عمومی انجام یکسری فعالیت‌های عام‌المنفعه است که بخش خصوصی راغب به انجام آن نبوده ولیکن با اجرای آن باعث فراهم نمودن زمینه‌های زایش آهنگ رشد تولید و اشتغال و بهبود زندگی شهروندان را به همراه دارد. این برنامه به عنوان یکی از مصادیق سیاست‌های بازار کار بوده که در دوره رکود اقتصادی به عنوان سیاست تضمین اشتغال کامل از سال ۱۹۳۰ مطرح شده و اهدافی از جمله تامین اشتغال موقت، توسعه زیرساختها و کاهش فقر و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیکاری را دنبال می‌نماید. اشتغال عمومی به عنوان یکی از راهکارهای موثر در اشتغال افراد کم درآمد و فاقد مهارت و به عنوان یک چتر حمایتی، نقش موثری در اقتصاد برخی کشورها از جمله کشور هند ایفا نموده و با اثرات دوسویه بر تقاضای کل و عرضه کالا و خدمات، جایگزین مناسبتری از سایر سیاست‌های حمایتی از جمله یارانه‌ها برای اقشار ضعیف می‌باشد. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که اشتغال عمومی فرصت‌های شغلی را به صورت موقت و مستقیم از طریق ایجاد یا حفظ و نگهداری پروژه‌های مربوط به بخش‌های زیرساختی اقتصادی، بهداشتی، اجتماعی، مدیریت زمین و محیط زیست و خدمات عمومی منجمله: حفاظت از منابع آب و خاک، جنگل‌کاری، کاشتن نهال، ساختارهای کنترل سیل، پاکیزه‌سازی و لایروبی بستر رودخانه-ها، راه‌اندازی مراکز نگهداری از کودکان، معلولین و سالمندان، مراکز آموزشی، جمع‌آوری زباله‌ها، پاکسازی و تمیز کردن خیابانها و ... که شدت کاربری آنها بالا بوده فراهم می‌نماید. مسئله تعیین دستمزد به واسطه اختلاف دستمزدهای بازار و حداقل دستمزدی که معمولا در کشورهای مختلف وجود داشته، از اهمیت خاصی در اجرایی شدن برنامه برخوردار است. به‌طوری که نرخ دستمزدها می‌بایست به حدی پایین بوده که از یک طرف باعث جذب سایر شاغلین بخش خصوصی نشود و از طرف دیگر میزان درآمد انتقالی افراد مشمول برنامه در سطحی مقبول قرار گیرد. با توجه به شرایط رکودی حاکم بر ایران و مسئله حاد بیکاری در جامعه و نیز حجم وسیع فعالیت‌های زیربنایی انجام

۱.کارشناس اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

۲. مدیر کل دفتر سیاستگذاری و توسعه اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی karegar@mcls.gov.ir

نشده به ویژه در مناطق محروم کشور، به نظر می‌رسد با فراهم نمودن نظام اجرایی مناسب و تامین مالی مورد نیاز، قابلیت اجرا در برخی پروژه‌های زیرساختی با استفاده از ظرفیت جوامع محلی را داشته و اثر مثبتی بر اشتغال و رفاه تنها در کوتاه مدت را داشته باشد.

واژگان کلیدی: اشتغال عمومی، بیکاری، فرصت‌های شغلی، دستمزد، ایران.

بررسی تاثیر بازار سرمایه در حق اشتغال زنان با استفاده روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری

علی اکبر جعفری ندوشن[۱]، علیرضا رعیتی[۲]، حسام‌الدین جعفری ندوشن[۳]

چکیده

رشد جمعیت زنان تحصیل‌کرده ایران و تغییر الگو و نقش اجتماعی مردان و نیازهای مادی خانواده، ضرورت ارتقاء سطح مشارکت اجتماعی و اقتصادی بانوان بعنوان عناصر فعال و تأثیرگذار اجتماع در بالا بردن درآمد و رفاه خانواده را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. حال آنکه ممکن است اولاً شرایط اشتغال و به‌کارگیری همه این اقشار متقاضی کار وجود نداشته باشد و یا ناایمنی محیط‌های شغلی و آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی پاره‌ای مشاغل، مانع اشتغال و تأثیرگذاری جدی این بخش از جمعیت کشور گردیده است. لذا به‌منظور تأمین شرایطی که از یکسو موجبات حضور فعال و موثر زنان در عرصه اقتصادی و اجتماعی کشور را فراهم کند و از سویی دیگر مانعی بر سر نقش بنیادین آنان در توسعه و تعالی خانواده نگردد، استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و اشتغال غیرحضوری در بازار سرمایه می‌تواند راهکاری اطمینان‌بخش به این چالش محسوب گردد. زنان با حضور در بازار سرمایه و اقدام به خرید و فروش اوراق بهادار و سایر معاملات و تعاملات مالی و همچنین مشاوره و راهنمایی سرمایه‌گذاران که عمدتاً به صورت غیرحضوری و یا نیمه‌وقت صورت می‌گیرد ضمن بهره-مندی از مواهب یک شغل آزاد، با درآمد، موثر و ایمن اجتماعی از فرصت‌های فراغت افزون‌تری هم در پرداختن به امور خانوادگی خود برخوردار خواهند بود. در تحقیق حاضر ابتدا با استفاده از روش توصیفی و اکتشافی با ابزار مصاحبه و پرسشنامه با خبرگان و پیمایش متون به بررسی و تجزیه زوایای مختلف تاثیر بازار سرمایه بر اشتغال زنان پرداخته شده است. سپس ضمن استنباط شاخصه-های تاثیرپذیری- با یاری گرفتن از تکنیک مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (ISM)- بطور دقیق ارتباط و توالی ابعاد و مؤلفه‌های بازار سرمایه در اشتغال زنان بدست آمده و بصورت یکپارچه مورد تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: پس‌انداز، الگوی سرمایه‌گذاری، بازار سرمایه، اشتغال زنان، خانواده، مدل‌سازی ساختاری-تفسیری.

۱.استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه یزد Jafarinadoushan@yazd.ac.ir
۲. استادیارگروه مدیریت، دانشگاه آزاد Alireza_Rayati@yahoo.com
۳. دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی، دانشگاه یزد Hesamadin.jafari@gmail.com

مشخصه‌های اقتصادی – اجتماعی و شرایط خانوادگی کودکان کار مهاجر در شهر یزد

عباس عسکری ندوشن[۱]، حسن فلاح مدواری[۲]، امیرحسین دهقان منشادی[۳]

چکیده

مسأله کودکان خیابانی و کار، یکی از معضلاتی است که اکثر شهرهای مهاجرپذیر در جهان معاصر درگیر آن هستند. پدیده کودکان کار موضوعی است که با گسترش و توسعه شهرها در ارتباط است و با گسترش شهرنشینی، این مسأله نمود بیشتری پیدا می‌کند. در چند دهه اخیر، شهر یزد یکی از کانون‌های جذب مهاجران داخلی و خارجی بوده که بنا به دلایل اقتصادی - اجتماعی و در جستجوی کار و درآمد به این شهر مهاجرت کرده‌اند. با توجه به وضعیت خانوادگی این مهاجرین، یکی از مواردی که در مورد این خانواده‌ها مطرح بوده، اشتغال کودکان است که خانواده‌ها برای تأمین مخارج زندگی، مجبور هستند تا کودکان خود را به کار وادارند. موضوع اشتغال این کودکان کمتر مورد نظر تحقیقات قبلی قرار گرفته است. مطالعه حاضر قصد دارد به بررسی وضعیت کار کودکان در شهر یزد بپردازد. این مطالعه از نوع پیمایش و داده‌ها با استفاده از تکنیک پرسشنامه در اردیبهشت سال ۱۳۹۵ جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه کودکان کار در بین خانواده‌های مهاجرین به شهر یزد است که در سنین زیر ۱۴ سالگی قرار دارند که نمونه‌ای از آن جهت مطالعهٔ حاضر انتخاب شده است. روش نمونه‌گیری این پژوهش، دو مرحله‌ای می‌باشد؛ بدین صورت که در ابتدا مناطقی از شهر یزد انتخاب شده و در هر منطقه نمونه تحقیق مورد مصاحبه قرار گرفتند و اطلاعات لازم از آن‌ها جمع‌آوری گردید. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که اکثر کودکان کار و خیابانی مورد مطالعه پسر، مهاجر غیرایرانی، دارای میزان درآمد پایین و سطح تحصیلات پایین والدین و بیشتر به کار دست فروشی مشغول هستند. در نهایت، نتایج تحقیق نشان داده است که رابطه معناداری بین تحصیلات پدر، درآمد خانوار و ساعت کار کودک با نوع کار کودکان وجود دارد.

واژگان کلیدی: کودکان کار، وضعیت اجتماعی، مهاجرت، زمینه خانوادگی، شهر یزد.

۱. استادیار گروه جمعیت شناسی، دانشگاه یزد aaskarin2@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه یزد hassan67_2012@yahoo.com
۳. کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه یزد ahdehghanm@yahoo.com

نشست دوم (بخش دوم): ابعاد اقتصادی و اجتماعی اشتغال

مطالعه اثر اشتغال بر سبک زندگی سلامت محور زنان شهر شیراز
(بررسی تطبیقی زنان شاغل و غیرشاغل)

زینب کاوه فیروز[۱]، اعظم صارم[۲]

چکیده

بررسی حاضر با هدف مقایسه سبک زندگی سلامت‌محور زنان شاغل و غیرشاغل شهر شیراز انجام شده است. با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه تعداد ۲۷۴ نفر از زنان شاغل و غیرشاغل شهر شیراز مورد بررسی قرار گرفتند. نظریات گیدنز و کاکرهام مبنای تحلیل بوده است. نتایج نشان داد زنان شاغل و غیرشاغل در سبک زندگی سلامت محور به طور کلی با هم تفاوت دارند و در مجموع زنان شاغل از سبک زندگی بهتری نسبت به زنان غیرشاغل برخوردارند. با در نظر گرفتن ده بعد سبک زندگی، در هشت بعد سلامت جسمانی، ورزش و تحرک روزانه، استفاده از رژیم و تغذیه مناسب، پیشگیری از بیمارها، سلامت روان‌شناختی، سلامت معنوی، سلامت اجتماعی، پرهیز از مواد مخدر و الکل از میانگین سبک‌زندگی بهتری نسبت به زنان غیرشاغل و دو بعد رعایت ایمنی در رانندگی و سلامت محیطی تفاوت معنی‌داری با هم ندارند. با درنظر گرفتن تحصیلات، زنان دارای تحصیلات دانشگاهی از سبک سلامت‌محور بهتری برخوردار بوده و زنان با تحصیلات دانشگاهی در ابعاد سلامت جسمانی، ورزش و تحرک روزانه، استفاده از رژیم و تغذیه مناسب، پیشگیری از بیماری‌ها و سلامت معنوی نسبت به زنان با تحصیلات غیردانشگاهی سبک زندگی سلامت‌محور بهتری دارند. در حالیکه در ابعاد سلامت روانی، سلامت اجتماعی، پرهیز از مواد مخدر و الکل، رعایت ایمنی در رانندگی و سلامت محیطی با هم تفاوتی ندارند. زنان جوانتر از سبک زندگی سلامت‌محور بهتری برخوردار بوده و در ابعاد سلامت جسمانی، ورزش و تحرک روزانه، پیشگیری از بیماری‌ها، سلامت اجتماعی و سلامت محیطی از سبک زندگی بهتری برخوردار بودند. در ابعاد استفاده از رژیم و تغذیه مناسب، سلامت روانی، سلامت معنوی، اجتناب از داورها و مواد مخدر و رعایت ایمنی در رانندگی زنان همه گروه‌های سنی از سبک زندگی سلامت محور یکسانی برخوردارند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی سلامت محور، ابعاد سبک زندگی سلامت محور، زنان شاغل، زنان غیرشاغل، میزان تحصیلات، گروههای سنی، شهر شیراز.

---

۱. استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه خوارزمی
۲ . کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی

تفاوت‌های جنسیتی در ساختار اشتغال تحصیل‌کردگان دانشگاهی ایران ۱۳۹۲-۱۳۸۴

محمد شیری[۱]، زهره فلاح محسن خانی [۲]

چکیده

پنجره جمعیتی به عنوان مهمترین موهبت تغییرات جمعیت از سال ۱۳۸۵ در کشور باز شده است. یکی از مهمترین مکانیزم‌هایی که نقش تعیین‌کننده‌ای در بهره‌مندی از پتانسیل پنجره جمعیتی و دستیابی به سود جمعیتی ایفاء می‌کند بهره‌گیری از اشتغال زنان است. نتایج تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که ارتباط تنگاتنگی بین رشد اقتصادی و برابری جنسیتی در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی وجود دارد. بنابراین برابری در دسترسی به امکانات از یک‌سو می‌تواند در تعالی و پیشرفت افرد جامعه موثر باشد و سوی دیگر زمینه را برای رشد و توسعه کشور فراهم خواهد ساخت. برابری در دسترسی امکانات آموزش در کشور پس از انقلاب همواره روندی رو به بهبود داشته است. این امر در برابری نسبی سهم زنان و مردان از تحصیل‌کردگان دانشگاهی به خوبی نمود داشته است. با این وجود، تفاوت‌های جنسیتی در برخورداری از بازار کار در ایران یکی از مهمترین موضوعات است که بایستی با هدف توسعه نقش‌آفرینی زنان در رشد اقتصادی کشور مدنظر قرار گیرد. اهمیت این موضوع با توجه به تفات‌های جنسیتی در ساختار اشتغال تحصیل‌کردگان دانشگاهی به عنوان سرمایه انسانی کارآمد دو چندان می‌گردد. هدف اصلی این مقاله پاسخ به این سئوال اساسی است که الگوی اشتغال تحصیل‌کردگان دانشگاهی در کشور در دهه اخیر چه تغییرات قابل ملاحظه‌ای را تجربه نموده و چه تفاوتی بین زنان و مردان از نظر ساختار اشتغال وجود دارد؟ به منظور نیل به این هدف، از روش تحلیل ثانویه که بر اطلاعات طرح نیروی کار مرکز آمار ایران طی دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ مبتنی است بهره برده شده است. در این مقاله، تغییرات میزان مشارکت اقتصادی، میزان اشتغال، میزان کم‌بهره‌گیری از نیروی کار، الگوی رشته تحصیلی بیکاران، الگوی شغلی شاغلین و تغییرات نیروی کار علاف و آسیب‌پذیر فارغ التحصیل دانشگاهی به تفکیک زن و مرد مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج کلی نشان می‌دهد که زنان در مقایسه با مردان در طول یک دهه اخیر از بازار کار بهره‌مندی کمتری داشته‌اند. نرخ مشارکت اقتصادی زنان تحصیل کرده دانشگاهی همواره پایین‌تر از مردان بوده است. در مقابل نرخ بیکاری زنان تحصیل‌کرده دانشگاهی هموار از مردان بالاتر بوده است. همچنین نتایج حاکی از این است که نیروی کار زنان تحصیل‌کرده دانشگاهی در

۱. دکتری جمعیت شناسی، پژوهشکده آمار mshiri@srtc.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری آمار ، هیأت علمی پژوهشکده آمار zohrehf@yahoo.com

مقایسه با مردان بیشتر در معرض کم‌بهره‌گیری (اشتغال ناقص زمان، افراد غیر فعال دلسرد از دستیابی به شغل، بیکاری با تعریف استاندارد)، پتانسیل آسیب‌پذیری و قرار گرفتن جزو جمعیت علاف قرار داشته‌اند.

واژگان کلیدی: نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ بیکاری، کم‌بهره‌گیری نیروی کار، جمعیت علاف و آسیب‌پذیر.

آیا در سال‌های آتی عمده بیکاران کشور را فارغ‌التحصیلان جویای کار تشکیل می‌دهند؟

سید نعمت‌اله میرفلاح نصیری[۱]، فریده دل‌عظیمی[۲]، هما طاهری پور[۳]

چکیده

عرضه و تقاضای نیروی کار به عنوان دو مولفه اساسی بازار کار مطرح و همواره مورد توجه برنامه-ریزان و سیاستگذاران بوده است. از سوی دیگر سیاست‌های دولت در آموزش عالی با رویکرد تعدد و افزایش ظرفیت دانشگاهها بدون توجه به برآورده‌کردن نیاز بازار کار، کشور را با چالش انباشت فارغ التحصیلان در ورود به بازارکار مواجه کرده که در صورت عدم توجه به این مهم، علاوه بر اتلاف هزینه‌های آموزشی، دولت را با معضل عدم‌تطبیق نیاز بازار کار با مهارت فارغ‌التحصیلان و نیز لزوم فراهم نمودن فرصت‌های شغلی مناسب و درخور آنان مواجه می‌نماید. مقاله حاضر براساس داده‌های نتایج طرح آمارگیری نیروی‌کار طی سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۲ مرکز آمار ایران بوده و با تحلیل و تبیین علمی وضعیت عرضه و تقاضای نیروی‌کار جمعیت فارغ‌التحصیل را مورد مطالعه و سهم آنان از بیکاران کشور در سال‌های آتی را برآورد نموده است. علی‌رغم کاهش جمعیت بیکار کشور در سال‌های مذکور، سهم فارغ التحصیلان بیکار از ۱۵,۷ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۳۵,۴ درصد در سال ۱۳۹۲ رسیده است. یافته‌ها از متوسط رشد سالانه ۹,۴ درصدی عرضه نیروی‌کار جمعیت فارغ-التحصیل طی سال‌های مذکور حکایت دارد. از سوی دیگر با توجه به متوسط رشد سالانه ۵,۱ درصدی تقاضای نیروی‌کار برای جمعیت فارغ التحصیل، می‌توان گفت رشد عرضه نیروی کار فارغ التحصیل در کشور، تقریباً حدود دو برابر تقاضا است، به عبارت دیگر شکاف بین عرضه و تقاضای نیروی‌کار فارغ التحصیل به شدت در حال افزایش می‌باشد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد در صورت تداوم این روند در سال‌های آتی سهم عمده بیکاران کشور را فارغ التحصیلان دانشگاهی به خود اختصاص دهند، به طوریکه بر اساس آمارهای موجود پیش‌بینی می‌شود طی ۱۰ سال آینده، بیش از ۹۰ درصد بیکاران کشور را فارغ التحصیلان جویای‌کار تشکیل دهند.

۱. رئیس مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی nassiriamar@gmail.com
۲. کارشناس طرح‌های فنی و روش‌های آماری، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی delazimi@yahoo.com
۳. رئیس گروه گردآوری و انتشار آمار و اطلاعات، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
Homa.taheripour@gmail.com

واژگان کلیدی: بازار کار، فارغ التحصیل، عرضه و تقاضای نیروی کار، بیکار، متوسط رشد سالانه عرضه و تقاضای نیروی کار.

بررسی تأثیر تغییرات ساختاری بر اشتغال و تحرک نیروی کار در اقتصاد ایران

دکتر منصور مهینی‌زاده[۱] ، بهروز جعفرزاده[۲]

چکیده

بیکاری یکی از نامطلوب‌ترین پدیده‌های اقتصادی اجتماعی است که پیامدهایی منفی و ناگوار در زمینه‌های مختلف به‌دنبال دارد. طی سال‌های اخیر اقتصاد ایران به شکلی بحرانی درگیر این معضل می‌باشد. به‌همین علت، مبارزه با بیکاری و حل مشکل اشتغال در رأس برنامه‌های کشور قرار گرفته است. هدف اصلی مطالعه حاضر عبارت از بررسی تغییرات ساختاری صورت گرفته در اشتغال و نیز بررسی تحرک نیروی کار می‌باشد و منظور از تحرک نیروی کار در این مطالعه، انتقال نیروی کار بین بخش‌های سه‌گانه کشاورزی، صنعت و خدمات اقتصاد ایران است. تغییر ساختاریِ اقتصاد را می‌توان تغییر توازن تولید، تجارت، درآمد و اشتغال بخش‌های مختلف اقتصادی تعریف نمود. در تغیرات ساختاری اقتصاد مهم‌ترین حوزه، حوزهٔ بازار کار و سهم اشتغال بخش‌های عمدهٔ اقتصادی است. در این مطالعه به منظور تحلیل تغییرات ساختاری اشتغال از ضریب تغییر ساختاری و نیز جهت بررسی و تجزیه و تحلیل چگونگی انتقال نیروی کار بین بخش‌های سه‌گانهٔ کشاورزی، صنعت و خدمات از شاخص نسبت کشش محصول به رشد بهره‌وری بخشی (ε/r) استفاده شد که برای محاسبه شاخص‌های مذکور از داده‌های بانک اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی ایران و مرکز آمار ایران استفاده شده است. نتایج نشان داد که ضریب تغییر ساختاری اشتغال برای اقتصاد ایران بسیار کوچک است بدین معنا که افزایش در تغییرات ساختاری اشتغال ناشی از اصلاحات در زمینهٔ اقتصاد خرد، با حادث شدن عوامل دیگر کاهش یافته است. همچنین محاسبه شاخص نسبت کشش محصول به رشد بهره‌وری بخشی به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل تحرک نیروی کار و چگونگی انتقال نیروی‌کار بین بخش‌های سه‌گانهٔ کشاورزی، صنعت و خدمات در ۹ مقطع زمانی مورد بررسی بیانگر این بود که چگونگی انتقال نیروی کار بین بخش‌های سه‌گانه اقتصاد، تقریباً با مباحث نظری تطابق دارد. به‌عبارت دیگر طی دورهٔ مورد بررسی بخش‌های با نسبت کشش محصول به رشد

۱ . استادیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری دانشگاه یزد Mahinizadeh@yazd.ac.ir

۲ . دانشجوی دکتری علوم اقتصادی ، هیأت علمی دانشگاه غیرانتفاعی فرهیختگان کرمان Jafarzadeh.behrooz@gmail.com

بهره‌وری بخشی (ε/r) بزرگتر، توان بالاتری در جذب نیروی کار نسبت به بخش‌های با نسبت (ε/r) کوچکتر در کشور داشته‌اند. تغیرات ساختاری هنگامی می‌تواند یک منبع بالقوه برای رشد اقتصادی باشد که با تغییر توازن بین بخش‌های اقتصادی، به بهره‌وری کامل‌تر و بهتر منابع منجر شود که در حوزهٔ بازار کار به مفهوم کاهش نرخ بیکاری و افزایش اشتغال است. بدین منظور بایستی موانع تغییرات ساختاری مطلوب در اقتصاد ایران شناسایی و سپس اقدام به رفع موانع تغییرپذیری و تسهیل انجام تغییرات ساختاری در راستای افزایش درآمد و رشد و توسعهٔ اقتصادی، به‌ویژه در اقتصاد وابسته به نفت ایران، شود.

واژگان کلیدی: تغییرات ساختاری، سهم اشتغال، بهره‌وری، بخش‌های سه‌گانه اقتصاد، تحرک نیروی کار.

تاثیر نوآوری بر نرخ بیکاری کشورهای منتخب دارای فراوانی منابع طبیعی با تاکید بر ایران

ابوالفضل شاه‌آبادی[۱]، راضیه داوری کیش[۲]، فریبا مهری[۳]

چکیده

کاهش نرخ بیکاری با غلبه بر فقر، کاهش نابرابری و بی‌عدالتی‌ها و ناروایی‌های اجتماعی- اقتصادی یکی از بارزترین اهداف برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران اقتصادی محسوب می‌شود و رسیدن به این مهم، سرآغاز از میان بردن بسیاری از مشکلات اقتصادی است. از اینرو ظهور خلاقیت، ابداعات و نوآوری از کانال پیشرفت فناوری متناسب با کمیابی عوامل تولید و همچنین از کانال افزایش قدرت رقابت‌پذیری عامل اصلی در جهت نیل به اشتغال و رفع بیکاری است. با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش درصدد بررسی تاثیر نوآوری بر نرخ بیکاری کشورهای منتخب موفق و ناموفق دارای فراوانی منابع طبیعی طی دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۷ است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد، نوآوری با فراهم نمودن زمینه گسترش فعالیت کارآفرینان به عنوان بازویی برای بکارگیری ترکیبی از فناوری‌های جدید است که مهم‌ترین عامل جهش و سبقت کشورهای موفق دارای فراوانی منابع طبیعی در دستیابی به رقابت‌پذیری، اشتغال و کاهش نرخ بیکاری است و کشورهای ناموفق با داشتن منابع طبیعی فراوان هنوز نتوانسته‌اند با هدایت و تخصیص بهینه منابع اقدام به تبدیل ثروت‌های تجدیدناپذیر به ثروت‌های تجدیدپذیر، زمینه گسترش اشتغال و رقابت در عرصه اقتصاد بین‌الملل را ایجاب نمایند. لذا تحقق این اهداف نیازمند سیاست‌ها و سازوکارهای حمایتی دولت، هماهنگی سیاست‌های توسعه فنّاوری و نوآوری با سایر حوزه‌ها، به‌ویژه در بخش‌های صنعت و تجارت، تولید و توسعه علم و فنّاوری، توانایی بکارگیری و جذب فنّاوری، منابع انسانی خلاق و متخصص با جذب و نگهداری نخبگان، انگیزه برای یادگیری، تفکر خلاق، سیستمی و راهبردی است.

واژگان کلیدی: نوآوری، نرخ بیکاری، فراوانی منابع طبیعی.

---

۱. دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا همدان ab.shahabadi@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا همدان
۳. کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا همدان

نشست سوم: داده ها و شاخص های اشتغال

مدل‌سازی روند میزان بیکاری در ایران و عوامل تاثیرگذار بر آن از طریق برازش مدل آنالیز کواریانس لجستیک

روح اله حیدری کبریتی[۱]

چکیده

عطف به اهمیت رفع معضل بیکاری به عنوان یکی از اولویت‌های برنامه‌ریزان اقتصادی جامعه، مقاله حاضر به پژوهش در زمینه روند میزان بیکاری در ایران پرداخته است. در حقیقت تأثیر فاکتورهای جنسیت، میزان تحصیلات و محل سکونت بر میزان بیکاری در حضور عنصر زمان مورد مطالعه قرار گرفته است. جهت برازش مدل تحقیق از الگوی آنالیز کواریانس لجستیک بهره گرفته شده است. همچنین با استفاده از شیوه برازش مدل‌های آشیانه‌ای، برازنده‌ترین مدل به‌دست می‌آید. عامل زمان نیز به عنوان یک متغیر مداخله‌گر وارد مدل شده و اثر آن می‌بایست از مدل حذف می‌گردید. مدل بهینه نهایی، گویای معناداری تمامی عوامل اصلی موجود در مدل بر میزان بیکاری در ایران بوده است. علاوه بر اثرهای اصلی متغیرهای موجود در مدل، کلیه اثرهای متقابل نیز در مدل نهایی موجود و معنادار نمایش داده می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت افزایش سطح تحصیلات یکی از عوامل تشدیدکننده میزان بیکاری در جامعه بوده است. همچنین اثر مثبت محل سکونت بر میزان بیکاری یکی از علل رشد مهاجرت به سمت شهرنشینی و تراکم جمعیت در شهرها در دهه ۸۰ می‌باشد. اختلاف معنادار میزان بیکاری در دو سطح فاکتور جنسیت نشان از پایبندی اکثر افراد جامعه به الگوی زندگی اسلامی دارد و از نقش‌آفرینی بیشتر زنان در درون خانواده نشأت می‌گیرد. داده‌های این تحقیق برگرفته از داده های موجود در طرح مرکز آمار ایران تحت عنوان آمارگیری ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار در طی سال‌های ۷۶ تا ۸۱ است. این آمارگیری‌ها درسال‌های ۷۶ تا ۷۹ بصورت سالانه واز سال ۸۰ در چهار نوبت ودر ماههای میانی هر فصل به اجرا درآمده است.

واژگان کلیدی: اشتغال، بیکاری، آنالیز کواریانس، الگوهای لوجیت، متغیرهای مداخله‌گر.

۱ . کارشناسی ارشد آمار اقتصادی و اجتماعی، محقق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
ruhollah_heidari@yahoo.com

بررسی و پیش‌بینی شاخص اشتغال ایجاد شده در فعالیت‌های اصلی بخش صنعت تعاونی‌های کل کشور با استفاده از درخت تصمیم

فاطمه قاسمی[۱]، نیلوفر میرسپاسی[۲]

چکیده

یکی از بزرگترین معضلات و ویژگی مشترک کشورهای در حال توسعه پائین بودن تولید داخلی، سطح پائین اشتغال و وجود بیکاری آشکار و پنهان، توزیع نابرابر درآمدها و کمبود سرمایه است. دلیل این امر نه تنها رشد جمعیت بلکه عدم هماهنگی بخش صنعت با نیازهای اشتغالی جامعه نیز می‌باشد بنابراین پیش‌بینی به عنوان بخشی از فرآیندهای برنامه‌ریزی و مدیریت در ایجاد برآوردها و تخمین‌های صحیح و دقیق برای فرآیندها لازم و ضروری بوده و پیش بینی‌های صحیح و به موقع هر سازمانی را در کسب اهداف استراتژیکی و عملیاتی یاری می‌رساند. ارائه مدل و قوانین تاثیرگذار بر ایجاد تعاونی‌ها به همراه پیش‌بینی میانگین اشتغال ایجاد شده توسط تعاونی‌های صنعتی با استفاده از الگوریتم درخت دسته‌بندی و رگرسیون که از انواع درخت تصمیم در داده‌کاوی می‌باشد هدف این تحقیق است. داده‌های تحقیق مبتنی بر پایگاه داده آمارهای ثبتی بخش تعاون وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی با اطلاعات حدود ۳۰۰۰ تعاونی فعال صنعتی در سال‌های ۱۳۹۰ تا پایان ۱۳۹۳ می‌باشد که تعداد اعضای تعاونی‌ها، سرمایه اولیه، رشته فعالیت اصلی، سال ثبت، نوع تعاونی متغیرهای مستقل و اشتغال ایجاد شده متغیر وابسته درنظر گرفته شده است. براساس نتایج تحقیق میانگین اشتغال در تعاونی‌ها با اعضای کمتر از ۲۶ نفر با توجه به میزان سرمایه اولیه و رشته فعالیت تعاونی ۱۰نفر، ۱۲نفر، ۹ نفر و ۱۵ نفر و برای اعضای بیشتر از ۲۶ نفر میانگین اشتغال ۴۰ نفر پیش بینی می‌شود.

واژگان کلیدی: اشتغال، درخت تصمیم، تعاونی، پیش بینی، صنعت.

---

۱ . کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات- کارشناس وزارت تعاون؛ کار و رفاه اجتماعی
fatemeghasemim@gmail.com
۲ . استادیار گروه مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر nmirsepasi@yahoo.com

کاربرد نمونه‌گیری پاسخگو محور در نمونه‌گیری از کودکان کار

آرزو باقری[۱]، مهسا سعادتی[۲]

چکیده

نمونه‌گیری از کودکان کار معضلی جهانی است. بدست آوردن اطلاعات جزیی و به‌هنگام در مورد میزان شیوع، چگونگی توزیع، انواع و ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی کودکان کار به منظور مشخص نمودن ابعاد این معضل، عوامل مؤثر بر آن، پیامدهای آن، افزایش آگاهی‌های عمومی و اتخاذ سیاست‌هایی جهت مقابله با آن بسیار حائز اهمیت است. برخی از انواع کودکان کار که با خانواده زندگی و در خانه کار می‌کنند، یا با خانواده در ارتباط هستند، با استفاده از طرح‌های نمونه‌گیری خانواری قابل دسترس می‌باشند. روش نمونه‌گیری از این جمعیت‌ها زمانی که پژوهشگر با بدترین شکل کودکان کار که جوامعی گریزان، در حرکت و فاقد چارچوب نمونه‌گیری هستند، روبرو می‌شود، با توجه به این‌که نمونه‌گیری‌های متداول از این جمعیت‌ها با خطای پوشش و یا بی‌پاسخی مواجه است، اهمیت بیشتری می‌یابد. یکی از روش‌های نمونه‌گیری کاربردی برای برآورد تعداد کودکان کار، روش نمونه‌گیری صید باز صید است که موفقیت آن در گرو معلوم بودن اندازه تقریبی جمعیت هدف است که در اکثر مواقع در مورد این کودکان نامعلوم می‌باشد. روش نمونه‌گیری گلوله برفی نیز روش رایج دیگری برای نمونه‌گیری از این جمعیت‌ها است که با وجود کیفیت مطلوب داده‌های جمع‌آوری شده، به دلیل وجود اریبی‌های حاصل از اجرا، استنباط‌های آماری آن دارای اعتبار نیست. هدف اصلی این مقاله بررسی روش نمونه‌گیری پاسخگو محور به عنوان یک روش ارجاع زنجیره‌ای موفق در نفوذ به لایه‌های جمعیت کودکان کار است. یافته‌های حاصل از بررسی طرح کودکان خیابانی در دو شهر آفریقایی در مالی و غنا نشان‌دهنده برتری این روش نمونه‌گیری در دستیابی به مشخصه‌های این کودکان بود. همچنین با استفاده از این روش نمونه‌گیری، امکان برآورد نسبت جمعیت در زیر گروه‌های کودکان کار در صورت دستیابی به اطلاعات صحیح اندازه شبکه‌های اجتماعی این کودکان، وجود دارد.

واژگان کلیدی: جمعیت‌های گریزان، کودکان کار، روش نمونه‌گیری صید باز صید، روش نمونه‌گیری گلوله برفی، روش نمونه‌گیری پاسخگو محور.

---

۱. استادیار پژوهشی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، آمار کاربردی
abagheri_000@yahoo.com
۲. استادیار مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، آمار زیستی
mahsa.saadati@gmail.com

علل اصلی سالهای عمر از دست رفته زودرس جمعیت سنین نیروی‌کار در ایران

محمد ساسانی پور[۱]، مصیب محبی میمندی[۲]، سعیده شهبازین[۳]، سجاد اسعدی[۴]

چکیده

اهمیت اقتصادی- اجتماعی سالهای زندگی افراد در سنین مختلف متفاوت است بطوری که در محاسبه بار بیماری‌ها ارزش سال‌های عمر هدر رفته در سنین نیروی‌کار مخصوصا سنین جوانی بیشتر از سنین کودکی و سالخوردگی وزن‌دهی می‌شود. هدف این مطالعه محاسبه سالهای عمر از دست زودرس (YLL) افراد گروه سنی ۱۵-۶۴ بر اثر سه علت اصلی فوت در کشور در سال ۱۳۹۰ است. داده‌های مورد نیاز از نظام ثبت مرگ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اخذ شده است و YLL با استفاده از روش استاندارد سازمان جهانی بهداشت محاسبه شده است. نتایج نشان می-دهد علل اصلی سالهای عمر از دست رفته زودرس افراد سنین نیروی کار به ترتیب حوادث غیرعمدی (۳۴ درصد) بیماری‌های قلبی عروقی (۲۴ درصد) و سرطان ها (۱۵ درصد) است. همچنین تفاوت‌های قابل توجهی در سنین مختلف وجود دارد، بطوری که در سنین ۱۵-۲۹ سال حدود ۵۰ درصد YLL مربوط به حوادث غیرعمدی است درحالی‌که در سنین میانسالی سهم بیماری‌های قلبی عروقی و سرطان‌ها افزایش می‌یابد. در سطح مردان حوادث غیرعمدی (۴۰درصد) علت مسلط YLL است، اما برای زنان این سهم کمتر از ۲۰ درصد است و بیماری‌های قلبی عروقی علت اول YLL زنان است. با توجه به اینکه سهم عمده‌ای از مرگ افراد واقع در سنین نیروی کار بر اثر سه علت ذکر شده است که قابل انتساب به رفتارهای پرخطر و سبک زندگی افراد افراد می باشد، امیدوارکننده و برعکس، از این دیدگاه که تداوم روند گذشته مرگ ناشی از این علل در اثر تغییر در سبک زندگی را فراوان‌تر و گسترده‌تر خواهد کرد، هشدار دهنده و ناامیدکننده است. مدیریت بخش سلامت چه در سطوح عالی و چه در سطوح میانی مکلف به انتخاب مسیری هستند، که ممکن است عاقبتی امیدوارکننده و یا ناامیدکننده داشته باشد.

واژگان کلیدی: سالهای عمر از دست‌رفته، نیروی‌کار، حوادث غیرعمدی، بیماری‌های قلبی عروقی، سرطان‌ها.

[۱]. دانشجوی دکتری جمعیت شناسی دانشگاه یزد Sasanipourm@gmail.com
[۲]. دانشجوی دکتری جمعیت شناسی دانشگاه تهران mmoheby@ut.ac.ir
[۳]. دانشجوی دکتری جمعیت شناسی دانشگاه یزد saeedehshahbazin2@gmail.com
[۴]. کارشناسی ارشد جمعیت شناسی دانشگاه تهران s_asadi63@yahoo.com

نشست چهارم:آموزش و اشتغال: چالش‌ها و پیامدها

اشتغال دانش‌آموختگان: واقعیت‌ها و رویکردها

معصومه قارون[۱]

چکیده

توسعهٔ کمی آموزش عالی در دهه گذشته منجر به خالی ماندن ظرفیت‌های آموزش دانشگاهی در بسیاری از زیر نظام‌های آموزش عالی شده است، بطوری که برای پنجمین سال متوالی شاهد عدم تکمیل ظرفیت‌های کارشناسی و در دو سال اخیر حتی عدم تکمیل ظرفیت‌های کارشناسی ارشد هستیم. از طرف دیگر برآوردهای جمعیتی نشان می‌دهد که نسبت جمعیت در سنین دانشگاه به کل جمعیت در حال کاهش است. این واقعیت همراه با واقعیت‌های دیگری از بازار کار دانش‌آموختگان در ده سال آینده و پیش‌شرط‌های ایجاد فرصت‌های شغلی کافی برای آنها، تصویر متفاوتی از آنچه تاکنون در مورد آموزش‌های دانشگاهی و ارتباط و نقش آن در بازار کار بوده است را نشان می‌دهد. برآوردهای انجام شده نشان می‌دهد که برای رفع چالش بیکاری دانش‌آموختگان به نرخ رشد بسیار فراتر از وضعیت فعلی نیاز است و علاوه بر آن باید این اطمینان وجود داشته باشد که رشد اقتصادی مذکور با همین نسبت‌های موجود به ایجاد فرصت شغلی منجر شود. اگر چه اولین الزام و سیاست اجرایی منتج از این تصویر، ساماندهی و برنامه‌ریزی مجدد آموزشی و مدیریت ظرفیت‌های موجود است، امّا در طرف دیگر تغییر رویکرد به نظام آموزش عالی و تجدید نظر در پارادایم‌های موجود و توجه به واقعیت‌ها و شرایط خاص و ویژه کشور در کنار تئوری‌های مطرح در سطح دنیا را گوشزد می‌کند. این مقاله با تبیین این مسأله بصورت کمی و آماری، رویکرد جدیدی برای مسیرهای آموزشی در سطوح پس از متوسطه پیشنهاد می‌کند.

۱. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی mgharun@ymail.com

الگوی نهادی همراستایی آموزش و اشتغال کشاورزی در ایران

محسن ابراهیم‌پور[۱]

چکیده

نیروی انسانی هر جامعه‌ای تبلور کرامت انسانی، سرمایه جاودان و فعال تولید، خالق فن‌آوری، موجد تراکم سرمایه و منبع غایی نیل به رفاه مادی و تعالی جامعه است و دیگر عوامل یعنی سرمایه و تکنولوژی مولفه‌ها تبعی هستند. در پژوهشی ملی که این نوشتار حاصل آنست، عمده‌ترین جهت گیری مسأله‌ای همانا ساز و کار تربیت و ایفای نقش‌های کارکردی نیروی انسانی در جامعه کشاورزی در ایران می‌باشد. در دو دهه اخیر آموزش نامتناسب با نیازها و ضرورتهای کارکردی و محیطی، نه تنها بیکاری خیل عظیم نیروی انسان تحصیلکرده را در پی داشته، بلکه باعث هدررفتن هزاران میلیارد ریال از منابع کشور در سطح کلان و خرد شده است. بر اساس تازه‌ترین گزارش بانک مرکزی تعداد دانش‌آموختگان بخش کشاورزی فقط در طول سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ بیش از ۸۸۰ هزار نفر بوده و شگفت آنکه بالغ بر ۴۸۲ هزار نفر از دانشگاه‌ها و مراکز دولتی فارغ‌التحصیل شده‌اند و سپاه عظیم بیکاران جویای کار ۴۶۰ هزار نفر گزارش شده است. بعد مسئله این پژوهش به تحلیل نظری پایین بودن سطح دانش و تخصصی بیش از پنج میلیونی نیروی انسانی شاغل در بخش‌های کشاورزی و روستایی با متوسط سنی حدود ۵۰ سال و همچنین موانع جذب فارغ-التحصیلان پایین بودن تطابق سطح و ماهیت آموزه‌ها با ماهیت شغلی؛ هنجاری‌های اشتغال؛ شرایط احراز شغل و مقتضیات محیطی فعالیت کشاورزی و روستایی است. در این پژوهش تعداد ۳۸۸۱ عنوان شغلی در جامعه روستایی و بخش کشاورزی بر مبنای معیارهای حداکثر تمایز یافتگی، مشروعیت و متغییرهای الگویی در شش بخش و ۱۸۶ گروه شغلی طبقه‌بندی گردیدند تا استانداردها و آستانه‌های آموزش عالی در رشته‌های دانشگاهی بازنگری و در افقی ده ساله هدفمند و کارآمد شوند. بدین منظور با همکاری حدود یکصد نفر از کارشناسان و عاملان و استفاده از روش-های پیمایشی از جمله مصاحبه با زارعین؛ باغداران؛ دامداران؛ آبزی‌پروران ؛ مرتع‌داران؛ صنعت‌گران و خدمات‌دهندگان به تعداد فعالیت‌نمایی و فراوانی‌هایی دارای کفایت نمونه‌ایی به یافت‌هایی انجامید که می‌تواند الگویی پویا و نهادی جهت آموزش و بازتوانی نیروی انسانی فعال در کشاورزی گردد. هماهنگی، همراستایی و هم‌آفزایی بین اشتغال بهره‌ور همراه با تعدیل از خودبیگانگی فزاینده بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و همچنین بهبود هرم، ترکیب و بهره‌وری نیروی شاغل و فرسوده کنونی شاغل در پرتو نتایج طرح پژوهشی مدل‌سازی شده است. شوربختی کنونی پدیداری نوظهور

---

۱. عضو هیأت علمی موسسه پژوهش های برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی

است بدون شک بحرانی‌ترین سطح گذار، انطباق عام و پویای آموزش و اشتغال در بخش کشاورزی و جامعه روستایی کشور است که تصمیم‌گیری‌های شجاعانه و اقداماتی بصیرانه می‌طبد.

واژگان کلیدی: اشتغال، کشاورزی، آموزش وکارآمدی.

رابطه اندازه جمعیت و تحصیلات با نوآوری

سید فرخ مصطفوی[۱]

چکیده

رشد جمعیت مسایل و چالش‌هایی را بوجود آورده است که می‌تواند توسعه پایدار را به خطر انداخته و کیفیت زندگی افراد را کاهش دهد. از مهمترین این چالش‌ها می‌توان به افزایش مصرف و کمبود منابع، آلودگی و تخریب محیط زیست و افزایش بیکاری اشاره نمود. اما با تولید و کاربرد دانش و نوآوری می‌توان بسیاری از مسایل بوجود آمده را حل نمود. برخی صاحبنظران معتقد هستند که اندازه جمعیت با نوآوری و تولید و کاربرد دانش رابطه مثبتی دارد و رشد جمعیت باعث افزایش نوآوری می‌گردد. تحقیقات انجام گرفته نشان می‌دهند که کیفیت تحصیلات رابطه مثبت با رشد نوآوری دارد. این مقاله رابطه اندازه جمعیت و تحصیلات را با نوآوری مورد مطالعه قرار می‌دهد. داده‌های بکار رفته مربوط به اطلاعات ۴۶ کشور است که از منابع مختلف (از جمله بانک جهانی، سازمان مالکیت فکری جهان، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، و سازمان ملل) جمع آوری شده‌اند. برای تحلیل آماری از مدل دو جمله‌ای منفی استفاده می‌گردد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت تحصیلات با نوآوری (تعداد اختراعات) رابطه مثبت و معنی‌داری دارد، اما هیچ شواهدی را برای تایید این نظریه که با افزایش جمعیت نوآوری نیز افزایش خواهد یافت ارایه نمی‌کند. از جنبه سیاستگذاری، تاکید بر سرمایه‌گذاری بر روی کیفیت تحصیلات می‌تواند راهبرد مناسبی جهت افزایش خلاقیت و نوآوری بوده و در حل چالش‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، از جمله چالش‌های رشد جمعیت، موثر باشد.

واژگان کلیدی: نوآوری، اختراعات، اندازه جمعیت، تحصیلات، رگرسیون دوجمله ای منفی.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی fmostafavi@gmail.com

نشست پنجم: **اشتغال زنان**

اشتغال زنان: چالش‌ها و راهکارها

شهیندخت مولاوردی[۱]

چکیده

یکی از مباحث اساسی در زمینه ی توسعه، میزان بهره گیری درست و منطقی از توانایی ها و استعدادهای نیروی انسانی هر جامعه است. بی شک زنان به عنوان نیمی از جمعیت تشکیل دهنده هر جامعه واجد ظرفیت های ذاتی و اکتسابی فراوانی می باشند که نادیده گرفتن آن می تواند علاوه بر چشم پوشی از ارزش آفرینی مادی در نظام اقتصادی هر جامعه, موجبات اختلال در نظام اجتماعی و فرهنگی را نیز به دنبال داشته باشد. یکی از عناصر محوری رشد و توسعه کشورها، جدی گرفتن توانمندی زنان و برنامه ریزی های کلان در این حوزه است. آموزش و اشتغال دو محور اصلی و بنیادین فرایند رشد و توسعه کشورهاست که اختلال و شکاف بین این دو حلقه می تواند موجب عقبگرد و یا تاخیر در شکل گیری اقتصادی پویا و کارآمد باشد. در کشور ما علیرغم گسترش چشمگیر حضور زنان در عرصه آموزش عالی، اتصال بین دو حلقه آموزش و اشتغال زنان به درستی صورت نپذیرفته است و این موضوع سبب گردیده تا نرخ مشارکت زنان در مقایسه با مردان بسیار کمتر، نوع شغل های آنان ناپایدارتر و میزان بیکاری آنان بسیار بیشتر از ارقام مورد انتظار و شایسته توانایی های آنان باشد که خود می تواند موجب شکل گیری انواع مختلفی از عوارض و تبعات نامیمون اقتصادی و اجتماعی باشد. همچنین امروزه برقراری تعادل میان کار و زندگی برای زنانی که به مدارج عالی تحصیلی دست یافته اند یک مسئله جدی است و حتی در گروه زنان شاغل نیز، نقش فرزند آوری و تبعیض کارفرمایان به همین دلیل و دشواری بازگشت به بازار کار سبب می شود تا زنان سختی های بسیاری را برای همزمانی اشتغال و نقش مادری متحمل شوند و این خود حاکی از عدم حساسیت بازار کار نسبت به مسئولیت های زنان و فقدان عدالت جنسیتی در جامعه است.

---

[۱]. معاون رئیس‌جمهور ایران در امور زنان و خانواده

مطالعه جامعه‌شناختی نابرابری جنسیتی در اشتغال و مشارکت اقتصادی
(مطالعه تطبیقی کشورهای خاورمیانه با تاکید بر ایران)

یعقوب فروتن[۱]، مینا شجاعی[۲]

چکیده

در ادبیات نظری و تجربی مطالعات توسعه همواره بر نقش اساسی مشارکت زنان در فرایند توسعه کشورها تاکید شده است. آمارها حاکی از وجود شکافی نسبتاً عمیق بین مشارکت اقتصادی مردان و زنان در کلیه مولفه‌های اقتصادی (مانند مشارکت در بازار کار، میزان دستمزد، میزان اشتغال به مشاغل تمام وقت، حرفه‌ای و فنی، مشاغل مدیریتی و ...) در همه کشورهای جهان است؛ اما یک نکته قابل تأمل، وضعیت مشارکت اقتصادی زنان در کشورهای خاورمیانه است که به وضوح در پایین‌ترین سطح نسبت به سایر کشورهای جهان قرار دارد. این مقاله با مطالعه تطبیقی کشورهای منطقه خاورمیانه بر اساس شاخص‌های بین‌المللی مرتبط با وضعیت زنان شامل شاخص شکاف جنسیتی (GGI)، شاخص نابرابری جنسیتی (GII) و شاخص فرصت‌های اقتصادی زنان (WEO)، الگوهای شباهت و تفاوت در مشارکت اقتصادی و اشتغال زنان در این کشورها را آشکار می‌کند. نتایج نشان می‌دهد علیرغم اینکه در یک دیدگاه کل‌نگر، همه کشورهای خاورمیانه از نظر الگوی اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان در مقایسه با سایر کشورهای جهان در یک دسته قرار می‌گیرند؛ اما در بررسی‌های تطبیقی دقیق‌تر این کشورها، تفاوت‌هایی در الگوی موجود و روند تغییرات الگوی مشارکت اقتصادی زنان در ۵ ساله اخیر در این کشورها مشاهده می‌شود. وجود الگوهای متفاوت، نشان می‌دهد که در تبیین علل وضعیت موجود و برنامه‌ریزی‌های آتی برای کاهش شکاف جنسیتی در بازار کار در جهت نیل به اهداف توسعه در این منطقه، توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی این کشورها در کنار مولفه های اقتصادی، ضروری است.

واژگان کلیدی: نابرابری جنسیتی، اشتغال زنان، شاخص‌های بین‌المللی، خاورمیانه.

۱. دانشیار علوم اجتماعی دانشگاه مازنداران y.foroutan@umz.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه مازندران shojaeemina@hotmail.com

آیا اشتغال زنان در ایران عامل محدودکنندهٔ باروری و رشد جمعیت است؟

وحید مهربانی[۱]

چکیده

وضعیت باروری و رشد جمعیت در ایران به دغدغه‌ای تبدیل شده است که لزوم تحقیق و تدقیق در این زمینه از زوایای مختلف را می‌طلبد. اما سیاست‌گذاری مناسب در زمینهٔ رفتار باروری و رشد جمعیت ایجاب می‌کند که نقش زنان به خصوص اشتغال آنها به خوبی شناسایی شود. این موضوع محور اصلی بحث در این مقاله را تشکیل می‌دهد. بدین منظور، از نظریهٔ تقاضا به عنوان مبنای اصلی تحلیل نظری مسأله استفاده می‌شود که مبهم و دو پهلو بودن اثر اشتغال زنان را نمایان می‌سازد. از این رو، این فرضیه که اشتغال زنان در ایران تأثیر منفی بر باروری و جمعیت دارد به بوتهٔ آزمون گذارده می‌شود. آزمون فرضیه به روش تحلیل رگرسیونی و مبتنی بر داده‌های استنادی به دست آمده از بانک جهانی برای سالهای ۱۳۹۳-۱۳۳۹ انجام می‌شود. نتایج حکایت از این دارد که مشارکت زنان (در فاصلهٔ سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله و ۱۵ تا ۶۵ ساله) در نیروی کار اثر منفی بر باروری دارد اما عامل کاهندهٔ رشد جمعیت نیست. این یافته دلالت بر این دارد که هر چند اشتغال زنان از باروری آنها کم می‌کند اما از سوی دیگر احتمالاً با کاهش نرخ مرگ و میر مانع از اُفت رشد جمعیت می‌شود. بنابراین، هدف‌گذاری باروری و رشد جمعیت مستلزم برخورد متمایز در رابطه با حضور زنان در بازارکار است. این در حالی است که سهم زنان در مشاغل دستمزدی غیرکشاورزی بر هر دوی باروری و رشد جمعیت اثر مثبت را نشان می‌دهد. از این رو، فعالیت زنان در مشاغل غیر کشاورزی که با کسب مزد همراه است، مانعی برای بزرگتر شدن بعد خانوار و تأمین نیازهای جمعیتی کشور نخواهد بود.

واژگان کلیدی: زنان، اشتغال، درآمد، آموزش، باروری، جمعیت.

۱. استادیار دانشگاه تهران، دانشکدهٔ اقتصاد. vmehrbani@ut.ac.ir

عوامل موثر بر کار مزدی زنان و تاثیرپذیری آن از سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی در استان‌های ایران (یک تحلیل چندسطحی)

احمد دراهکی[۱]، محمد ترکاشوند[۲]

چکیده

در جامعه ایرانی در چند دهه اخیر پیشرفت‌های چشمگیری در خصوص عوامل زمینه‌ساز افزایش حضور و مشارکت زنان در بازار کار صورت پذیرفته است، ولی کماکان میزان اشتغال در بین زنان پایین است. این سوال اساسی مطرح است که وضعیت زنان ایرانی از جهت میزان کار مزدی چگونه است و چه عواملی بر روی آن تاثیر می‌گذارد؟ ماهیت اکثر داده‌ها در تحقیقات اجتماعی از یک ساختار سلسله مراتبی برخوردار است و داده‌ها در واحدهای گوناگون آشیانه شده‌اند و بر روی هم تاثیر می‌گذارند. بنابراین در این پژوهش از یک تحلیل چندسطحی با استفاده از نرم افزار HLM استفاده گردیده است. مطالعه حاضر از داده‌های پیمایش گذاران وقت که توسط مرکز آمار ایران در سالهای ۸۸-۱۳۷۸ انجام گرفته است، بهره گرفته است. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۲۰۰۰ خانوار در مناطق شهری کشور می‌باشند که از این میان ۱۷۱۳۹ زن بالای ۱۵ سال انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته است. متغیرهای سطح یک، سطح فرد، شامل میانگین کار مزدی زنان به عنوان متغیر تابع و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی در سطح فردی از جمله تحصیلات زنان و همچنین متغیرهای مربوط به ویژگی خانوار از جمله تعداد افراد خانوار به عنوان متغیرهای پیش‌بین و متغیر سطح دو، سطح استان، شامل متغیرهای مربوط به سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی استان‌ها می‌باشد. نتایج پژوهش نشان دهنده آن است که میانگین کار مزدی زنان مورد مطالعه ۸۳ دقیقه در روز می‌باشد که نشان‌دهنده میانگین کار مزدی بسیار پایین زنان ایرانی می‌باشد. همچنین نتایج حاکی از آن است ۹ درصد از تغییرپذیری میانگین کار مزدی زنان در سطح دو یا استان قابل تبیین است در حالی که ۹۱ درصد تغییرپذیری در سطح یک یا فرد می‌باشد. از میان متغیرهای پیش‌بین سطح یک میزان تحصیلات به صورت مثبت و معنادار بر میانگین کار مزدی زنان تاثیرگذار می‌باشد. بنابراین نتایج این تحقیق نشان‌دهنده آن است که تفاوت میزان کار مزدی زنان مورد مطالعه بیشتر تحت تاثیر ویژگی‌های فردی است تا متغیرهای ساختاری در سطح استان.

واژگان کلیدی: کار مزدی، زنان، استان‌های ایران، توسعه اقتصادی و اجتماعی، تحلیل چندسطحی

---

۱. دانشجوی دکتری جمعیت شناسی دانشگاه تهران Adorahaki@ut.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران m.torkashvand@ut.ac.ir

ب: مقاله‌های پذیرفته شده در بخش پوستر

پیامدهای سالمندی جمعیت بر سرمایه انسانی و بازار کار در ایران
(با استفاده از رویکرد تعادل عمومی پایا)

حسین راغفر[۱]، زهرا اردلان[۲]

چکیده

براساس مطالعات جمعیتی در ایران، پیش‌بینی می‌شود افزایش امید به زندگی و کاهش در نرخ باروری طی دو دهه اخیر، موجب ایجاد تغییر ساختار سنی جمعیت ایران به یک جمعیت سالمند تا سال ۱۴۲۰ شود. سالمندی جمعیت از طریق تغییر در ترکیب سرمایه انسانی به عنوان عامل کلیدی در اقتصاد، بر بازارهای کار و سرمایه تاثیرات عمیقی خواهد داشت. بنابراین لازم است قبل از اقدام به هرگونه سیاست‌گذاری در حوزه‌های خرد و کلان اقتصادی در کشور، آثار پدیده سالمندی جمعیت بر متغیرهای کلیدی اقتصادی کشور مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. از این رو، مطالعه حاضر به بررسی تاثیر بلندمدت سالمندی جمعیت بر عرضه نیروی کار و سرمایه انسانی درایران پرداخته است. محاسبات با استفاده از مدل تعادل عمومی نسل‌های همپوش (OLG) و فرض درونزا بودن عرضه نیروی‌کار طی یک شوک جمعیتی انجام شده و نقش سرمایه انسانی در این مطالعه براساس چارچوب استفاده شده توسط منکیو، رومر و ویل (۱۹۹۲) است. نتایج حاکی از آن است که سالمندی جمعیت اگرچه موجب کاهش عرضه نیروی کار در آینده خواهد شد و کاهش ظرفیت تولید و تشدید هزینه‌های اقتصادی ناشی از سالمندی جمعیت را در پی دارد، اما فرصت بیشتری برای نسل جوان جهت سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی را فراهم خواهد نموده و موجب عرضه بالاتر نیروی کار ماهرتر در میانسالی می‌شود. در نهایت شرکت عرضه نیروی کار نسل مسن-تر بطور قابل ملاحظه‌ای نرخ مشارکت و ظرفیت تولید را افزایش می‌دهد و کاهش هزینه سالمندی جمعیت را در دهه‌های آتی به دنبال دارد.

واژگان کلیدی: سالمندی، مدل نسل‌های همپوش، عرضه نیروی کار، سرمایه انسانی، اقتصاد کلان.

۱. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه الزهرا raghhg@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه الزهرا ardalan.zahra@yahoo.com

بررسی وضع فعالیّت و اشتغال استان آذربایجان شرقی با تاکید بر سرشماری ۱۳۹۰

محمدعلی آرمند[۱]، حامد کریمی[۲]، رضا جلیلیان[۳]

چکیده

موضوع اشتغال و دستیابی افراد به شغل مورد نظر از اساسی‌ترین نیازهای جامعه محسوب می‌شود. بیکاری به عنوان یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مطرح بوده و رفع آن همواره از جمله دغدغه‌های برنامه‌ریزان بوده است. اشتغال و بیکاری از جمله موضوعات مهم اقتصادی هر کشوری است، به گونه‌ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی جوامع تلقی می‌شود. لذا هدف از این پژوهش بررسی وضع فعالیّت و اشتغال در استان آذربایجان‌شرقی با تأکید بر سرشماری ۱۳۹۰ می‌باشد. روش بکار رفته، تحلیل ثانویه داده‌های حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان‌شرقی در سال ۱۳۹۰ می‌باشد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که ۳۹/۵۹ درصد از جمعیّت استان آذربایجان‌شرقی را جمعیّت فعال (جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر) تشکیل می‌دهد که از این نسبت برای مردان۶۷/۳۷ درصد و برای زنان ۱۱/۴۰ درصد بوده است. نرخ فعالیت در نقاط شهری ۳۷/۷۰ و در نقاط روستایی ۴۳/۹۹ درصد است. از جمعیّت شاغل استان ۲۱/۲۸ درصد در بخش کشاورزی، ۳۳/۷۲ درصد در بخش صنعت و ۳۸/۴۵ درصد در بخش خدمات به کار اشتغال داشته‌اند. از لحاظ وضع شغلی ۷۸/۰۵ درصد از جمعیت استان در بخش خصوصی ۱۶/۷۸ درصد در بخش عمومی فعالیت می‌کردند. این نسبت‌ها در نقاط شهری به ترتیب ۷۳/۲۰ و ۲۲/۱۴ درصد و در نقاط روستایی نیز ۷۸/۰۲ و ۶/۸۷ درصد بوده است.

واژگان کلیدی: جمعیّت فعال، اشتغال، بیکاری، وضع فعالیّت، استان آذربایجان‌شرقی.

۱. کارشناس ارشد جمعیت شناسی دانشگاه یزد armand.ma2012@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد جمعیت شناسی دانشگاه یزد h.karimi1368@yahoo.com
۳. کارشناس ارشد جمعیت شناسی دانشگاه یزد ja.ardeshir@yahoo.com

تفاوت‌های جنسی و سنی نیروی کار در ایران: با تاکید بر پیش‌بینی وضعیت اشتغال و بیکاری دو جنس بر اساس سرشماری سال ۱۳۶۵-۱۳۹۰

زهرا قربانی[۱]

چکیده

از محورهای بسیار مهم در مطالعات اجتماعی و اقتصادی، بحث نیروی کار است و از آنجایی که ساختار نیروی‌کار در ایران بسیار مرتبط با ساختار جمعیتی آن است، لذا بررسی این موضوع با دیدگاه‌ها و تکنیک‌های جمعیت‌شناختی می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مسائل در این حوزه باشد. در این راستا این تحقیق با روش جداول عمر چندکاهشی به برآورد و پیش‌بینی متوسط سال‌های توام با اشتغال و بیکاری در میان زنان و مردان ۱۰ تا ۶۴ ساله با داده‌های سرشماری سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ در ایران می‌پردازد. هدف این بررسی پیش‌بینی و برآورد امید به اشتغال، طول عمر بیکاری و سن بازنشستگی مورد انتظار جمعیت فعال کشور و تحلیل روندها و تغییرات آن بین دو جنس در ایران می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد بیشترین نرخ مشارکت اقتصادی در میان مردان ۲۵ تا ۵۴ ساله می‌باشد و زنان در هر وضعیت زناشویی پایین‌ترین میزان مشارکت در نیروی کار را دارند. متوسط تعداد سال‌های خارج از نیروی‌کار یا بیکاری زنان در سال ۱۳۹۰ تا اواسط دهه ۴۰ زندگی همواره بالای ۲۰ سال بوده در حالی که این رقم برای مردان دهه ۴۰ زندگی در همین سال در حدود ۷ سال می‌باشد؛ این بدان معنی است که ما از پتانسیل و ظرفیت حدود نیمی از جمعیت فعال خود که زنان هستند تقریبا بی‌بهره هستیم. متوسط سال‌های اشتغال زنان در طی ۲۵ سال گذشته هیچ گاه بالاتر از ۵ سال نبوده است، اما در مردان بالاترین حد مشاهده شده ۳۵ سال بوده که البته در طی این سال‌ها روندی کاهشی داشته است. بنابراین نتایج گویای اوضاع نابسامان وضعیت نیروی کار کشور است و چنانچه تدابیر لازم برای بهره‌مندی از فرصت جمعیتی که باید اولویت نخست سیاست‌های جمعیتی و اقتصادی کشور باشد اندیشیده نشود، شاهد مشکلات عدیده‌ای در ابعاد جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خواهیم بود.

واژگان کلیدی: جداول عمر اشتغال، نیروی کار، بیکاری، نرخ مشارکت نیروی‌کار، فرصت جمعیتی.

۱. دانشجوی دکترای جمعیت شناسی دانشگاه تهران z_1404.ghorbani@yahoo.com

بررسی تحولات جمعیتی و اشتغال در شهرستان یزد تا افق ۱۴۰۰ با تاکید بر مناطق شهری و روستایی

سعیده مویدفر[۱]

چکیده

تعیین اندازه جمعیت و ویژگی‌های مهم آن، شناخت کمبودها و نیازها و نیز امکانات بالقوه و استعدادها و توانهای جمعیت و استفاده از این شناخت در تهیه و ارزیابی برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی برای توسعه آینده امری الزامی است. آگاهی مداوم از تغییرات و تحولات جمعیتی در محدوده‌ای مانند شهرستان یزد که در سالهای اخیر از نظر وجود کارخانجات صنعتی در کشور خود را به خوبی نشان داده است و در حال تحول سریع در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می باشد دارای اهمیت زیادی است چرا که تحولات جمعیتی شهرها و روستاهای واقع در محدوده شهرستان، خود می‌تواند در مشخص نمودن نقش روستاها و اشتغال آنها و میزان کشش جمعیت شهرهای محدوده نقش بسزایی داشته باشد. این مقاله با هدف بررسی تحولات جمعیتی و اشتغال در محدوده شهرستان یزد تا افق سال ۱۴۰۰ تدوین یافته است. روش به‌کار گرفته‌شده در این پژوهش توصیفی- تحلیلی و کمی است. نتایج حاکی از آن است که روند تحولات جمعیتی در این محدوده دائماً درحال افزایش بوده، در حالی که جمعیت روستاها با نرخ رشد منفی مواجه بوده است. به گونه‌ای که شهرهای محدوده با وجود داشتن بسترهای مناسب برای اشتغال به کار، محل مناسبی برای مهاجرپذیری روستاییان و حتی ساکنین شهرستانهای اطراف بوده است. از آنجا که شهر یزد شهری صنعتی – معدنی است که با وجود کمبود منابع آب توانسته است در سالهای اخیر از نقش کشاورزی خود دور شده و به سمت صنعتی شدن پیش برود، به نظر می‌رسد که این شهر در محدوده شهرستان یزد بیشترین ضریب کشش‌پذیری را در دوره زمانی مورد نظر داشته که این امر باعث بهم خوردن تعادل فضایی و خالی شدن روستاهای محدوده و سرازیر شدن نیروی اشتغال به سمت این شهر گردیده است.

واژگان کلیدی: تحولات جمعیتی، اشتغال، شهرستان یزد، مناطق شهری و روستایی، ضریب کشش پذیری.

۱. دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، استادیار دانشگاه آیت ا... حائری میبد، دانشکده علوم انسانی.
smoayedfar@yahoo.com

روند گذار شغلی در ایران: آینده‌نگری فرصت‌های جدید شغلی با تأکید بر فناوری اطلاعات

نادر مطیع حق شناس[۱]، نوشین متصدی زاده بافقی [۲]

چکیده

تغییـرات اقتصـادی، جمعیتی، جهانی شدن، تسهیل درارتباطات، تحولات شگرف در فناوری و ظهور مشاغل جدید، موجب پیـدایش بـازار کـار تازه‌ای شده است که نیروی کار آن نیاز به مهارت و آموزشهای جدیدی دارد. تغییرات چشمگیر در وضعیت جمعیتی، پدیده مهاجرت، ظهور فناوری-های نو، تولد سازمانهای جدید اجتماعی و طرح دیدگاه‌های نوین در مدیریت و سازمان، افق‌های تازه‌ای را فراروی برنامه‌ریزان و مدیران امور اشتغال قرار داده است. یکی از فناوری‌هایی که طی چند دهه گذشته، اساس و بستر تحول در زندگی بشر بوده است، فناوری اطلاعات است. فناوری اطلاعات نه تنها خود موجب تولید موقعیت‌های جدید شغلی شده، بلکه زمینه‌ساز تغییرات بنیادی در بسیاری از مشاغل دیگر هم بوده است. تجربه ایران درخصوص تحولات جمعیتی نشان می‌دهد که علیرغم کندشدن آهنگ میزان رشد جمعیت به دلیل تأثیر تحولات متغیرهای جمعیتی از یک سو، کاهش باروری، میزان رشد قابل توجه جمعیت فعال کشور به دلیل تغییر درساختار سنی جمعیت و عدم تغییر در ساختار شغلی مورد نیاز در بازار کار کشور از سوی دیگر، شکاف موجود میان جمعیت فعال و جمعیت شاغل در اقتصاد ایران را آشکار و این مسئله از ابعاد گوناگونی، حیات اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با گسترش تکنولوژی و فناوری درسطح جهانی، برهه جدیدی از فرصت‌های شغلی مبتنی بر اشتغال دانش‌بنیان و نو درکشور (مشاغل نوظهور) را ایجاد کرده است. بررسی علمی و درک تغییرات مشاغل در گروه‌های عمده شغلی و بخش‌های مختلف اقتصادی کشور در گذشته، حال و آینده‌نگری مشاغل جدید از طریق فناوری اطلاعات با طرح رویکرد تئوریک و تجربی گذار شغلی در ایران (گذار از اشتغال کلاسیک به اشتغال دانش بنیان) از حیث علمی و نیز از لحاظ سیاستی حائز اهمیت است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی روند گذار شغلی و آینده‌نگری فرصت‌های جدید شغلی با تأکید بر فناوری اطلاعات در ایران است. شناخت زمینه‌ها و تحولات تاریخی مشاغل و حرف قدیم درکشور از دوره قاجاریه تا به امروز؛ شناخت تغییرات درطبقه‌بندی گروه‌های عمده شغلی در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور از

۱. عضو هیأت علمی گروه جمعیت ، منابع ، اشتغال و بهره وری موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور و دانشجوی دکتری تخصصی جمعیت شناسی دانشگاه تهران nmhaghshenas@ut.ac.ir

۲. پژوهشگر و دانش آموخته رشته برنامه ریزی اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی

سرشماری عمومی سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ (الگوی گذار شغلی)؛ شناخت مشاغلی که از طریق فناوری اطلاعات انجام می‌شود و امکان سنجی طرح آنها درطبقه‌بندی گروه‌های عمده شغلی در آمارگیری-های عمومی کشور؛ پیش‌نگری آینده مشاغل دانش‌بنیان متکی بر مشاغل نوظهور در صنعت فناوری اطلاعات در ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای قشر جوان تحصیلکرده کشور، اهداف فرعی مطالعه را تشکیل می‌دهند. روش تحقیق این پژوهش، مبتنی برروی‌کرد ترکیبی بوده و از روش‌های اسنادی، تجزیه و تحلیل داده‌های موجود و مصاحبه کیفی با صاحبنظران و اساتید دانشگاهی مرتبط با موضوع بهره گرفته خواهد شد. بررسی فرم پرسشنامه سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن کشور در زمینه طبقه‌بندی گروه‌های عمده شغلی در بخش‌های مختلف اقتصادی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰، مطالعه مقالات چاپ شده در نشریات معتبر علمی پژوهشی داخلی و بین المللی و کارهای ارزشمند مرتبط با موضوع برای بررسی مبانی نظری و زمینه‌های تجربی گذار شغلی، مهمترین مراحل تجزیه و تحلیل اطلاعات این مطالعه را تشکیل داده است. این مطالعه تلاش کرده با یک رویکرد جدید به موضوع الگوی گذار شغلی در ایران بپردازد.

واژگان کلیدی: گذار شغلی، آینده‌نگری و اشتغال دانش بنیان.

وضعیّت اشتغال و بیکاری استان لرستان، علل و پیامدهای آن

حامد کریمی[۱]، فیروزه فرهادی‌نیا[۲]

چکیده

رفع بیکاری به عنوان یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از جمله دغدغه‌های اساسی برنامه‌ریزان بوده است. بدین روی موضوع اشتغال و بهره‌وری کامل و مناسب از نیروی انسانی باید به عنوان یکی از اهداف راهبردی توسعه کشور در نظر گرفته شود. امروزه در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، بیکاری از مهم‌ترین مسائل اجتماعی و یکی از نامطلوب‌ترین پدیده‌های اقتصادی ـ اجتماعی است که پیامدهای مختلفی دارد. پژوهش حاضر به دنبال شناخت وضع موجود و مسائل اشتغال و بیکاری در استان لرستان می‌باشد. روش تحقیق ترکیبی از تحلیل‌ثانوی و روش اسنادی است. داده‌های مورد مطالعه نیز از آماره‌های موجود در سایت مرکز آمار جمع‌آوری شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نرخ مشارکت اقتصادی درکل استان ۳۶/۹ درصد می‌باشد. این شاخص در بین مردان ۷۰/۹ درصد و در بین زنان ۱۱/۹ درصد، در نقاط شهری ۳۸/۵ درصد و در نقاط روستایی ۴۴/۵ درصد می‌باشد. نرخ بیکاری جمعیّت ۱۵ ساله و بیش‌تر در کل استان ۱۳/۴ درصد می‌باشد. این شاخص در بین مردان ۱۱/۱ درصد و در بین زنان ۲۶ درصد می‌باشد. همچنین نرخ بیکاری در نقاط شهری (۱۶/۲ درصد) بیش از نقاط روستایی (۸/۹ درصد) است. بیش‌ترین نرخ بیکاری در گروه سنی ۲۴-۱۵ ساله (۳۸/۷ درصد) می‌باشد این شاخص در بین مردان ۳۴/۸ درصد و در بین زنان ۵۹/۵ درصد، در نقاط شهری ۴۶ درصد و در نقاط روستایی ۲۸/۹ درصد است. نسبت اشتغال جمعیّت ۱۵ساله و بیشتر ۳۵/۱ درصد می‌باشد این نسبت برای مردان (۶۳ درصد) بیش از زنان (۸/۸ درصد) بوده است همچنین این نسبت در نقاط روستایی (۴۰/۵ درصد) بیش ازنقاط شهری (۳۲/۲درصد) بوده است. بیشترین درصد شاغلان در بخش خدمات (۴۳/۶ درصد) و کمترین درصد شاغلان در بخش کشاورزی (۲۷/۱ درصد) مشغول به کار بودند. درصد شاغلان در بخش خصوصی (۸۵/۵ درصد) بیش از درصد شاغلان در بخش عمومی (۱۴/۵درصد) می‌باشد، همین وضعیّت در بین مردان و زنان و نقاط شهری و روستایی نیز وجود دارد.

واژگان کلیدی: اشتغال، بیکاری، نرخ بیکاری، نیروی انسانی، لرستان.

---

۱. کارشناس ارشد جمعیّت‌شناسی
۲. کارشناس ارشد جمعیّت‌شناسی

تغییر وضع فعالیت و اشتغال در مقصد و رضایت از مهاجرت
(مطالعه موردی بین مهاجرین وارد شده به شهر گچساران)

ملیحه علی مندگاری[۱]، سیده مهرالنساء بشتامیان[۲]

چکیده

عمده تحقیقات صورت گرفته در مورد مهاجرت با تمرکز بر پیامدهای منفی آن، به دنبال راه‌حلی برای کاهش آن بوده است. اما مهاجرت به علت کارکردهای مختلفی (از جمله دستیابی به موقعیت شغلی بهتر) که برای مهاجران داشته همچنان ادامه یافته است. میزان رضایت‌مندی یا عدم رضایت مهاجران از مهاجرت می‌تواند نشانه‌ای از کارکرد مثبت یا منفی آن برای مهاجران تلقی شود. شهر گچساران از جمله شهرهای نفت خیز در جنوب غربی کشور است که به خاطر موقعیت ژئوپولوتیک آن به مکانی برای جذب مهاجران تبدیل شده است. پژوهش حاضر با هدف سنجش میزان رضایت از مهاجرت و رابطه آن با تغییر وضع فعالیت و اشتغال مهاجران در مقصد (شهر گچساران) در سال ۱۳۹۴ انجام شد. روش تحقیق از نوع پیمایش و ابزار مورد استفاده پرسشنامه محقق‌ساخته است. یافته‌ها بیانگر آنست که نسبت بیکاری ۱۸/۵درصدی پاسخگویان قبل از مهاجرت به ۶/۹ درصد بعد از مهاجرت به گچساران کاهش پیدا کرده است. از طرفی با توجه به نفتی بودن شهر گچساران، مهاجران بیشتری در این شهر نسبت به قبل از مهاجرت در مشاغل آزاد، دولتی و کارگری مشغول به کار شده اند و فعالیت کشاورزی مهاجران نیز بعد از اقامت در این شهر کاهش یافته است. رابطه متغیرهای تحصیلات، هزینه مهاجرتی، رضایت از وضع اقتصادی در مقصد با رضایت از مهاجرت معنی‌دار بوده است. در تحلیل چندمتغیره نیز دو متغیر رضایت از وضع اقتصادی در مقصد و هزینه مهاجرتی بیشترین تأثیر را بر متغیر رضایت از مهاجرت داشته اند و توانستند ۴۲/۵ درصد از واریانس آنرا تبیین کنند. مهاجرتهای شغلی اگر با رضایت از میزان درآمد و رضایت شغلی در مقصد همراه باشد، نشانه‌ای از کارکرد مثبت آن برای فرد مهاجر است و مسلماً رضایت فرد مهاجر از اقدام به مهاجرت را هم در پی خواهد داشت. از اینرو می‌توان به این نوع از مهاجرتهای شغلی به مثابه یک انتخاب زیرکانه و غالباً، ناگزیر برای ارتقا و بهبود شرایط زندگی فرد مهاجر توجه کرد، نکته مهمی که یافته‌های این تحقیق نیز آنرا تأیید می‌کند.

واژگان کلیدی: مهاجرت، اشتغال، رضایت از وضع اقتصادی در مقصد، رضایت از مهاجرت.

---

۱ . استادیار جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، m.alimondegari@yazd.ac.ir
۲ . کارشناسی ارشد جمعیت شناسی دانشگاه یزد s.m.bashtameyan@gmail.com

تحلیل تحولات جمعیتی نیروی کار کشاورزی نقاط روستایی ایران

علی قاسمی اردهایی[۱]، قربان حسینی[۲]، ولی الله رستمعلی زاده[۳]

چکیده

کشاورزی به‌عنوان یکی از سه بخش اقتصادی هر کشور، نقش مهمی در استقلال معیشتی و حتی استقلال امنیتی آن کشور دارد. کشور ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و تاریخ اجتماعی و اقتصادی، وابستگی عمده‌ای به این بخش اقتصادی دارد. یافته‌های به‌دست آمده از تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری‌های ۹۰-۱۳۶۵ نشان می‌دهد سهم جمعیت شاغل در بخش کشاورزی مناطق روستایی از ۵۸ درصد در سال ۱۳۶۵ به‌ترتیب به ۴۸ و ۵۱ درصد در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ کاهش یافته است. این روند کاهشی محسوس، توأم با تغییراتی در نسبت جنسی و ساختار سنی نیروی کار کشاورزی بوده است. در سال‌های مورد مطالعه، به سهم زنان روستایی به‌ویژه زنان سالمند در مشارکت در بخش کشاورزی به‌شدت افزوده شده، به‌طوری‌که نسبت جنسی نیروی کار کشاورزی روستائیان از ۱۰۶۲ در سال ۱۳۶۵ به ۶۴۲ در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است. درصد سالخوردگی جمعیت مورد مطالعه نیز در مدت زمان مشابه از حدود ۷ به ۱۶ افزایش داشته است. از مهمترین دلایل این تغییرات می‌توان به تحولات مهاجرتی در مناطق روستایی و سهم عمده جوانان و مردان از مهاجران خارج شده، عدم تمایل جوانان روستایی به انجام فعالیت‌های کشاورزی و هژمونی شهر و سبک زندگی شهری اشاره کرد. ادامه روند این ترکیب جمعیتی در نیروی کار کشاورزی و نیز وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستاها، می‌تواند منجر به ضعف ساختاری این بخش در آینده گردد. با توجه به برآورد مقوله‌های نیروی کار کشاورزی برای همه نقاط روستایی استان‌ها، پیشنهاداتی ارائه شده است تا بتوان زنجیره فقر نیروی‌کار کشاورزی مناطق روستایی را از بین برد و گام‌هایی برای توسعه پایدار روستایی برداشت.

واژگان کلیدی: نقاط روستایی، بخش کشاورزی، نیروی‌کار کشاورزی، جوانان روستایی، زنان سالمند کشاورز، توسعه پایدار روستا.

---

۱. دکتری جمعیت‌شناسی، عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
ghasemi33@yahoo.com
۲. کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی و کارشناس پژوهشی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، ghorban.hosseni@gmail.com
۳. دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور،
v.rostamalizadeh@gmail.com

مطالعه انسان‌شناختی نقش اشتغال در مهاجرت‌های شغلی جدید در یزد و ایران

سید محسن سعیدی مدنی[۱]

چکیده

اشتغال یکی از مهمترین عوامل مهاجرت در ایران و جهان است. به دنبال افزایش جمعیت و همچنین گسترش و توسعه دانشگاه‌ها در ایران و بالا رفتن سطح تحصیلات عالیه و تخصص‌های علمی در میان جوانان، رقابت در بدست آوردن شغل در میان آنان را افزایش داده است. این درحالی است که به دلیل عدم توسعه شهرهای کوچک و عقب‌ماندگی صنعتی در آن‌ها میزان مشاغل را در بخش دولتی و خصوصی بسیار کم کرده است و میزان کاریابی در میان جوانان متخصص را گسترش داده است. عدم وجود مشاغل در شهرهای کوچک و همچنین رقابت شدید در کسب مشاغل دولتی و غیردولتی در شهرهای بزرگ عامل مهاجرت افراد به شهرهای گوناگون شده است به صورتی که اشکال گوناگونی از مهاجرت را در ایران بوجود آورده است. شکل مهاجرت در ایران به دو گروه مهاجرت متحرک که به صورت مهاجرت‌های روزانه، هفتگی، دو هفتگی یا پانزده روزه، ماهانه و یا دائم است و مهاجرت‌های بدون تحرک است که این نوع مهاجرت که تنها برای مردم روستاهای حاشیه شهرهای بزرگ و یا شهرهای درحال توسعه و همچنین برای استان‌های جدید همانند قم، ارومیه، خراسان شمالی، خراسان جنوبی وغیره در یک برنامه مطالعاتی جهت گسترش شهرهای بزرگ و استان‌های جدید از سوی دولت به دنبال طرح‌های تفضیلی شهرهای بزرگ که به دنبال کمبود زمین و به دلیل افزایش جمعیت صورت می‌گیرد، خواهان گسترش فضای شهری در شهرهای بزرگ و یا مراکز استان‌ها هستند، که عامل بوجود آمدن این نوع مهاجرت می‌شود. این مهاجرت یکی از مهاجرت‌های جدید در ایران است که مهاجرین به دلیل افزایش قیمت زمین‌های مزروعی بیشتر به مشاغل آزاد روی می‌آورند.

واژگان کلیدی: مهاجرت، توسعه، روستا، شهر، مهاجرت متحرک، مهاجرت بدون تحرک.

---

۱. دانشیار گروه مردم شناسی دانشگاه یزد

بررسی سیاست‌گذاری‌های بخش آموزش عالی و اشتغال و پیامدهای آن
(بررسی موردی دانشگاه شهید بهشتی)

داود پرچمی[۱]، یکتا آشوری[۲]

چکیده

سیاست‌گذاری تصمیم‌گیری‌های حکومت در چگونگی توزیع منابع و تسهیلات برای دستیابی به اهدافی خاص در یک دوره زمانی مشخص است. این تصمیم‌گیری‌ها با هدف افزایش رفاه اعضای جامعه و یا حل یک مسئله اجتماعی انجام می‌شود. وجود هماهنگی در سیاست‌گذاری‌های بخشی و بین‌بخشی نظم اجتماعی را به عنوان زمینه تحقق اهداف نظام اجتماعی فراهم می‌کند. نهاد علم و به ویژه آموزش عالی درصدد تربیت نیروی انسانی دارای مهارتی است که متناسب با شرایط حال و آینده کشور، برخوردار از دانش و توانایی بکارگیری آن باشد. یکی از معرف‌های مهم کارآمدی نظام آموزش عالی میزان انطباق‌پذیری آن با بازار کار و اشتغال است. در واقع آموزش عالی و اشتغال دوبخشی از نظام اجتماعی محسوب می‌شوند که سیاست‌گذاری در این دو حوزه بایستی با هماهنگی و عنایت به سطح و اندازه نیازهای آنها صورت گیرد. صرف‌نظر از وجود مشکلات اقتصادی خاص که در شرایط فعلی موجب رشد بیکاری در جامعه شده است، نرخ قابل توجه بیکاری نیروی کار تحصیل‌کرده در کشور گواهی بر عدم انطباق‌پذیری سیاست‌های این دو بخش می‌باشد. به عبارت دیگر مسئله مورد بررسی این مقاله عدم هماهنگی سیاست‌گذاری بین بخش آموزش عالی و بخش اشتغال و پیامدهای ناشی از آن با توجه به اهداف منبعث از سیاست گذاری اجتماعی که نظم اجتماعی و رفاه است می‌باشد. در این مطالعه، به سوالات تحقیق در دو سطح تحلیل خرد و کلان پاسخ داده شده است. در سطح کلان از روش تحقیق اسنادی استفاده شده است. ابتدا با شیوه تحلیل محتوا اسناد بالا دستی و برنامه‌های پنج سال کشور به بررسی هماهنگی میان دو بخش اشتغال و آموزش عالی در برنامه‌های پنج ساله توسعه پرداخته شده و سپس به کمک تحلیل ثانویه با استفاده از آمارهای موجود در دو بخش اشتغال و آموزش عالی این هماهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. در سطح خرد نیز این هماهنگی بین بخشی به کمک روش تحقیق پیمایش از فارغ التحصیلان دانشگاه شهید بهشتی مورد سنجش واقع شده است. یافته‌های این پژوهش موید این مهم است که به هر میزان در برنامه‌های توسعه، سیاست‌های اشتغال و آموزش متناسب با یکدیگر تدوین بشود، در سال‌های پس از اجرایی شدن آن، هماهنگی آماری و در نتیجه انطباق بیشتری در

---

۱. استادیار جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی

۲. کارشناس ارشد پژوهشگری دانشگاه شهید بهشتی

بین خروجی‌های این دو بخش قابل مشاهده می‌باشد. در سطح کلان یافته‌های این پژوهش ناهماهنگی در بین سیاست‌گذاری‌های اشتغال و آموزش عالی در برنامه‌های توسعه پنج ساله را نشان داد، که این میزان ناهماهنگی در سیاست‌گذاری با شکاف در بین تعداد فارغ التحصیلان آموزش عالی و فرصت‌های شغلی همراه است. یافته‌های در سطح خرد نیز از این ناهماهنگی بین بخشی حکایت دارد. حدود ۴۰ درصد از فارغ التحصیلان دانشگاه شهید بهشتی بیکار بوده‌اند. از بین فارغ التحصیلان شاغل حدود ۱۲ درصد تناسب بین رشته و شغل خود را اصلا و خیلی کم ارزیابی کرده‌اند. بیکاری فارغ التحصیلان یا عدم تناسب شغل آنان با رشته و مقطع تحصیلی محصول ناهماهنگی در بین دو بخش اشتغال و آموزش عالی در سطح خرد می‌باشد. این بی نظمی به مسائلی چون بیکاری تحصیلکردگان، مهاجرت متخصصین و در نتیجه اتلاف سرمایه منجر می‌شود.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری اشتغال، آموزش عالی، فارغ التحصیلان.

بررسی ویژگی‌های فارغ‌التحصیلان غیرفعال آموزش عالی بر اساس داده‌های آمارگیری نیروی کار طی سال‌های اخیر

روشنک علی اکبری صبا[۱]، زهره فلاح محسن‌خانی[۲]، نرگس‌السادات موسی کاظمی[۳]

چکیده

افراد پس از تحصیل با توانمندی بیشتری وارد بازار کار می‌شوند، اما گاهی فارغ‌التحصیلان آموزش عالی علی‌رغم اتمام تحصیل تا مقطع مورد نظر، به‌سرعت وارد بازار کار نمی‌شوند. این افراد به‌عنوان فارغ‌التحصیلان غیرفعال آموزش عالی از جمله زیرگروه‌های آسیب‌پذیر جامعه هستند که لازم است در کنار فارغ‌التحصیلان بیکار آموزش عالی مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران قرار گیرند. بررسی این موضوع از آن‌جایی اهمیت دارد که بخشی از ذخیره پنهان نیروی کار فارغ‌التحصیل آموزش عالی، غیرفعالانی هستند که بعضاً حتی باوجود تمایل یا آمادگی برای انجام کار به منظور کسب درامد، به دلیل فراهم نبودن شرایط مناسب، وارد بازار کار نشده و غیرفعال مانده‌اند. بر اساس داده‌های آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران، جمعیت فارغ‌التحصیلان غیرفعال آموزش عالی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ افزایش داشته و حدوداً چهار برابر شده است. این افزایش در گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ سال خصوصاً در گروه زنان، بیشترین تعداد غیرفعالان را به خود اختصاص داده است. توزیع فارغ‌التحصیلان غیرفعال دارای تحصیلات عالی بر حسب گروه‌های عمده‌ی رشته تحصیلی نیز از اهمیت به‌سزایی برای برنامه‌ریزان برخوردار است که در این مطالعه به تفکیک جنس ارائه می‌شود. فارغ‌التحصیلان غیرفعال آموزش عالی، به‌دلیل عدم اشتغال به کار یا تحصیل، در مقایسه با سایر همسالان خود بیشتر در معرض آسیب‌های فردی و اجتماعی هستند. لذا بررسی روند این شاخص در طول زمان و مقایسه‌ی آن در زیرگروه‌های خاص مثل جنس از اهمیت خاصی برخوردار است. بنابراین در این مقاله سهم فارغ‌التحصیلان آسیب‌پذیر به تفکیک جنس و بر اساس وضع زناشویی نیز محاسبه می‌شود.

واژگان کلیدی: فارغ‌التحصیلان آموزش عالی، آمارگیری نیروی کار، جمعیت غیر فعال، مدرک تحصیلی.

۱. استادیار، هیئت علمی پژوهشکده‌ی آمار r_saba@srtc.ac.ir
۲. مربی، هیئت علمی پژوهشکده‌ی آمار zohrehf@yahoo.com
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد آمار، بانک مرکزی kazemi_ms@yahoo.com

نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه منابع انسانی

فرحناز مهدی آزاد[۱]

چکیده

پژوهش حاضر در سال ۹۴ انجام و به بررسی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه‌ی منابع انسانی و اقتصادی و ایجاد زمینه‌های شغلی مناسب از دید هنرجویان و هنرآموزان و کارشناسان فنی‌وحرفه‌ای پرداخته است. هدفهای تحقیق شامل بررسی میزان موفقیت فارغ التحصیلان رشته-های مختلف هنرستانهای فنی و حرفه ای در دستیابی به شغل مناسب و بررسی میزان موفقیت ایشان در راهیابی به مراکز آموزش عالی و ادامه تحصیل و بررسی توانایی فارغ التحصیلان به دستیابی به شغل مناسب و تامین نیازهای بازارکار بوده است. این تحقیق به دلیل ماهیت و موضوع آن از نوع کاربردی و پیمایشی بوده و پژوهش با کمک اسناد و مدارک موجود و پرسشنامه‌های محقق ساخته در دو حوزه‌ی کارشناسان و هنرآموزان به تعداد ۲۷۵ نفر و حوزه‌ی هنرجویان به تعداد۱۱۱۴نفر انجام گردید، نتایج تحاصل از پژوهش نشان داد که آموزشهای فنی و حرفه ای تا حدود زیادی قادر بودند برای فراگیران اشتغال ایجاد کرده و در ایجاد فرصتهای شغلی و تامین نیروی انسانی متخصص موفق بوده و نیز نرخ پذیرش فارغ التحصیلان رشته های مختلف فنی و حرفه‌ای در مراکز آموزش عالی تقریبا مناسب بوده است. همچنین آموزش‌های فنی و حرفه ای تا حد زیادی توانسته است در تأمین نیازهای سالانه اشتغال نیروی انسانی ماهر در مناطق مورد بررسی مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، توسعه اقتصادی، توسعه منابع انسانی، هنرجو، هنرآموز.

۱. مدرس دانشگاه آزاد، دانشکده سما و دانشگاه فرهنگیان ورامین Fmahdiazad@gmail.com

بررسی عوامل موثر بر بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

مهناز فرهمند[۱]، حمیده قائدرحمت[۲]

چکیده

سرمایه‌گذاری در منابع انسانی به عنوان عامل اصلی توسعه ملت‌ها تلقی شده است؛ چراکه هیچ کشوری بدون انباشت قابل‌توجه سرمایه انسانی به سطح پایداری از توسعه اقتصادی دست نخواهد یافت. از طرف دیگر، شواهد تجربی بیانگر آن است که آموزش به خودی خود دستیابی به توسعه را محقق نمی‌سازد. کشورهای بسیاری از جمله ایران، میزان قابل‌توجهی از منابع را به منظور توسعه توانمندی‌های انسانی اختصاص داده‌اند که در نتیجه آن، نه تنها به اهداف توسعه‌شان نرسیده‌اند بلکه نرخ بیکاری بالایی برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را نیز ایجاد کرده‌اند. می‌توان گفت انسان بیکار دو رابطه اصلی با جهان ندارد. اول رابطه انسانی و معنوی و دیگر رابطه اقتصادی پس کار تنها عامل تبلور شخصیت انسانی در جامعه می‌باشد. طی دهه ۱۳۷۰ به بعد، با توجه به تحوّلات بازار کار ایران و سیاست‌های گسترش کمی آموزش‌عالی، موضوع بیکاری به یک‌چالش مهم در اقتصاد ایران تبدیل شده است. اگر در دهه ۷۰، موضوع بیکاری یک‌چالش عمده بود، اکنون گسترش بیکاری فزاینده نیروهای انسانی متخصّص تربیت‌شده توسط نظام آموزش عالی کشور، به یک مشکل جدیدتر تبدیل شده است و از آنجا که یکی از معضلات اصلی و اساسی در کشورهای در حال رشد، بیکاری فارغ التحصیلان و مسایل مربوط به اشتغال آنها می‌باشد و همچنین امروزه اشتغال نیروی انسانی مهم‌ترین و اساسی‌ترین هدف برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی هر کشوری را تشکیل داده است. بنابراین هدف اصلی این مقاله بررسی عوامل موثر بر بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی می‌باشد. با توجه به موضوع پژوهش در این مقاله از روش توصیفی استفاده گردیده است. مطالعه حاضر در راستای مسأله فوق و با استفاده از داده‌ها و اطلاعات آماری مرکز آمار ایران، به بررسی عوامل موثر بر بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی پرداخته است. یافته‌ها حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و آموزشی و بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی رابطه وجود دارد. در پایان، سعی شده است باتوجه به نتایج حاصل از تحقیق، راهکارهایی جهت برون رفت از این معضل ارائه شود.

واژگان کلیدی: بیکاری، کار، فارغ التحصیلان، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، آموزش.

---

۱. استادیار جامعه شناسی، دانشگاه یزد farahmandm@yazd.ac.ir
۲. کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد hghaedrahmat@yahoo.com

مقایسه وضعیت بیکاران دارای تحصیلات عالی در دو استان فارس و تهران
(براساس اطلاعات و داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰)

نجمه بخشی[۱]، مریم مرادی[۲]

چکیده

بیکاری را می‌توان یکی از هراس‌آورترین مشکلات اقتصادی یک جامعه دانست و ریشه بسیاری از معضلات اجتماعی و حتی سیاسی را نیز، باید در همین عارضه جست و جو کرد. بیکاری بر ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی هر جامعه‌ای تاثیر گذاشته و باعث ناکارآمدی و اختلال در آن جامعه می‌شود. نگاه به پدیده بیکاری، ملاک مناسبی برای سنجش وضعیت ساز و کار یک جامعه است. در این بین بیکاری افراد دارای تحصیلات عالی در مقایسه با سرمایه‌گذاری‌هایی که هر جامعه برای این قشر در نظر می‌گیرد، مسئله‌ای قابل توجه است. در این راستا، در این پژوهش به مقایسه وضعیت بیکاری در افراد دارای تحصیلات عالی در دو استان کشور خواهیم پرداخت. هدف مقاله حاضر، مقایسه وضعیت بیکاران با تحصیلات عالی در استان‌های فارس و تهران می‌باشد. اطلاعات و داده‌ها از سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ گرفته شده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و برای محاسبه داده‌ها از نرم افزار Exel استفاده شده است. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که درصد بیکاری افراد با تحصیلات عالی در استان فارس بیشتر از استان تهران می‌باشد. بدین‌صورت که درصد بیکاری این قشر در تهران ۸ درصد می‌باشد در حالی که در استان فارس به ۲۱ درصد می‌رسد. این یافته نشان دهنده فاصله سطح توسعه در ایجاد اشتغال برای افراد با تحصیلات عالی در استان فارس در مقایسه با تهران با مرکزیت پایتخت است. همچنین در بین گروه‌های عمده رشته تحصیلی، گروه مهندسی تولید و ساخت در هر دو استان بیشترین تعداد بیکار را به خود اختصاص داده است و گروه‌های علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق و علوم انسانی و هنر در ردیف های دوم و سوم قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: بیکاری، تحصیلات عالی، رشته تحصیلی، فارس، تهران.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت شناسی دانشگاه یزد Bakhshi.najmeh98@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای دانشگاه شیراز
moradi93regional@gmail.com

توسعه نگرش‌های مرتبط با اشتغال در کتاب‌های درسی

مهدی کیخسرو کیانی[۱]، پریسا جعفری[۲]

چکیده

بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، از جمله موضوعاتی است که دهه‌های اخیر همواره مورد انتقاد بوده است. در تحلیل علل بیکاری تحصیل‌کردگان، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، برخی عدم شایستگی و فقدان مهارت دانش‌آموختگان را به عنوان عامل اصلی معرفی می‌کنند، برخی بازار کار ناسالم را مقصر می‌دانند، و برخی معتقدند تحولات دانش و فناوری موجب شده است مهارت‌ها به سرعت بی‌ارزش گردد. بنابراین ضرورت آموزش مهارت‌های مرتبط با اشتغال، ترویج فرهنگ کار و پرورش مجموعه‌ای از صلاحیت‌ها برای ورود به بازار کار می‌بایست از سنین کودکی آغاز گردد. کتاب‌های درسی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال مفاهیم نگرشی و تقویت نگرش‌های مرتبط با اشتغال در دانش‌آموزان می‌باشد. در این مقاله ضمن بررسی و نقد برنامه‌های درسی کنونی آموزش و پرورش، بر آن تاکید شده است که محتوای برنامه‌های درسی بر مهارت‌های مورد نیاز بازار کار از قبیل خلاقیت، توانایی حل مسئله، استقلال، خودآگاهی و همچنین ترویج مولفه‌های فرهنگ کار نظیر انعطاف‌پذیری، سخت‌کوشی، وظیفه‌شناسی، هدفمندی، مسئولیت‌پذیری و غیره بپردازد. مسئولان آموزش و پرورش باید بکوشند با اتخاذ تدابیری، برنامه‌های درسی را با مقتضیات جامعه و دنیای کار پیوند بزنند تا از این طریق ضمن ممانعت از بیکاری دانش‌آموختگان به تقاضای بخش-های مختلف اقتصادی کشور به نیروی انسانی متخصص پاسخ دهند.

واژگان کلیدی: اشتغال، کتاب‌های درسی، برنامه‌های درسی، ترویج فرهنگ کار.

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی، مدیر واحد تحقیق و توسعه موسسه نذر اشتغال امام حسین (ع)، Mahdi_Keikhosrokiani@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، پژوهشگر واحد تحقیق و توسعه موسسه نذر اشتغال امام حسین (ع)، jafari.p1369@gmail.com

بررسی طول مدت بیکاری زنان و ماندگاری آنان در بازارکار

سید نعمت اله میرفلاح نصیری[۱]، فریده دل‌عظیمی[۲]، هما طاهری پور[۳]

چکیده

با توجه به ساختار سنی جمعیت کشور مقوله اشتغال به یکی از اولویت‌ها و چالش‌های مهم در سیاست‌گذاری‌ها تبدیل‌شده است. همچنین بررسی وضعیت نیروی‌کار کشور از نظر طول مدت - بیکاری و اشتغال می‌تواند در برنامه‌ریزی منابع انسانی نقشی اساسی ایفا نماید. در طول تاریخ وضعیت اشتغال دارای ابعاد جنسیتی گسترده بوده که در این میان زنان در معرض آسیب‌های بیشتری قرار داشته‌اند. مقاله حاضر براساس داده‌های نتایج طرح آمارگیری نیروی‌کار طی سال-های۱۳۸۴ الی ۱۳۹۳مرکز آمار ایران بوده که به بررسی وضعیت زنان به جهت مدت زمان انتظار برای یافتن شغل، طول مدت اشتغال و علت ترک شغل آنان در مقایسه با مردان می‌پردازد. یافته‌ها بیانگر آن است که علی‌رغم کاهش نرخ مشارکت زنان، میزان عرضه نیروی‌کار آنان طی سال‌های مذکور افزایش داشته که می‌تواند حاکی از گرایش زنان تحصیل‌کرده در ورود به بازارکار و ایفای نقش‌های اجتماعی باشد. انباشتگی زنان با بیکاری بلند مدت در ده ساله مذکور روندی افزایشی داشته به‌طوریکه این میزان نسبت به کل زنان بیکار از ۴۶,۶ درصد در سال ۱۳۸۴به ۵۶,۱ درصد در سال ۱۳۹۳رسیده که حکایت از تغییر ۱۰ درصدی دارد در حالیکه این افزایش برای مردان درحدود ۴ درصد می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد هرچه طول مدت اشتغال زنان افزایش می‌یابد نقش آنان در بازار کار کمرنگ‌تر می‌شود. به‌عبارت دیگر زنان با اشتیاق زیادی وارد عرصه فعالیت اقتصادی شده ولی بسیار زودتر از مردان، از بازارکار خارج می‌گردند که دلایل آن را می‌توان به عواملی از جمله پایین بودن درآمد، موقتی بودن کار، تعدیل نیرو و... مرتبط دانست. بنابراین، می-توان گفت در دوره ده ساله فوق علی‌رغم اینکه زنان بیش از یکسال و نیم در جستجوی کار هستند اما ماندگاری آنان در بازارکار، کمتر از ۳ سال است. به عبارتی اشتغال زنان بی‌ثبات‌تر از مردان است. از این رو به نظر می‌رسد طول مدت اشتغال زنان با زمان صرف شده برای یافتن شغل متناسب نبوده و انتظارات شغلی آنان را برآورده نمی‌نماید.

واژگان کلیدی: اشتغال، بیکاری بلندمدت، طول مدت بیکاری، طول مدت اشتغال، علت ترک شغل

---

۱. رئیس مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی nassiriamar@gmail.com
۲. کارشناس طرح‌های فنی و روش‌های آماری، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی delazimi@yahoo.com
۳. رئیس گروه گردآوری و انتشار آمار و اطلاعات، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
Homa.taheripour@gmail.com

چرا زنان کارشان را ترک می‌کنند؟

مریم اله یاری[۱]، محمد رضایی[۲]

چکیده

این سخن بسیار رایج است که زنان اهل کار کردن نیستند و به‌محض ازدواج کردن یا بچه‌دار شدن کار را رها می‌کنند. همین ادله‌ای اصلی است که بیشتر کاستی‌های تحصیلی و شغلی یا کمبود موقعیت‌های شغلی را برای زنان توضیح می‌دهد. این مقاله به دنبال یافتن دلایلی است که مشخص کند، چرا زنان به‌راستی بعد از گذشتن از تمام مراحل تحصیلی، آموزش عالی، یافتن شغل و کار کردن، کار را رها می‌کنند. پژوهش پیش‌رو در چهارچوب روش کیفی انجام شده است و در آن با ۲۱ زن ساکن ایران طی سال های ۹۲-۹۳ که قبلاً شاغل بودند و بعد خودخواسته سازمان شان را ترک کردند، مصاحبه شد. مصاحبه‌شوندگان با روش گلوله برفی و فراخوان در فضای مجازی انتخاب شدند. متن مصاحبه‌ها کدگذاری و به روش شماتیک تحلیل گردید. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که دلایل آن‌ها مختلف و البته مکمل، شبیه قطعه‌های پازلی است که به هم متصل‌اند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. اشکالات کاری و سازمانی و فشار نقش‌های خانوادگی پررنگ‌ترین دلایلی هستند که در زیر سایه مناسبات مردانه‌ی فضای‌کار و البته همراه با فشار مضاعف خشونت نمادین نقش‌های زنانه بر شاغلان، ماندن در محیط کار را برای زنان تحمل‌ناپذیر می‌کند و باعث ترک کردن کارشان می‌شود.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، ترک کردن کار، مناسبات مردانه، مسئولیت‌های خانوادگی، اشکالات کاری و سازمانی.

۱. کارشناس مهندسی کامپیوتر Parastoo.a@gmail.com

۲. دکترای جامعه شناسی، استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه علم و فرهنگ velashedi@gmail.com

کار مزدی بیرون از خانه مادر و پیامدهای تربیتی آن برای فرزندان

محمد ترکاشوند[۱]، زهرا ترکاشوند[۲]

چکیده

دوران کودکی و نوجوانی دوران شکل‌گیری شخصیت فرزندان محسوب می‌شوند. فعالیت‌هایی که آنها در این دوران انجام می‌دهند و مهارت‌هایی که یاد می‌گیرند تعیین‌کننده موفقیت آنها در آینده خواهد بود. خانواده و به ویژه مادر مهمترین عامل در فعالیت‌های فرزندان در این دوره می‌باشد. سوالی که مطرح می‌شود این است که اشتغال مادر در بیرون از منزل چه اثرات تربیتی را برای فرزندان او به همراه خواهد داشت؟ آیا اشتغال مادر در بیرون از منزل به فعالیت‌های مثبت فرزندان منجر می‌شود با بالعکس؟ جمعیت مورد مطالعه شامل همه فرزندان ۱۵ تا ۲۰ ساله موجود در ۱۲هزار خانوار نمونه‌گیری شده در مناطق شهری کشور که در پیمایش گذران وقتِ انجام‌شده در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ شرکت کرده‌اند می‌باشد. ابتدا به اندازه‌گیری مقدار زمان پرداختن فرزندان به فعالیت‌های آموزشی، مطالعه، فعالیت‌های ورزشی و فعالیت‌های فرهنگی در روز (تحت عنوان فعالیت‌های مفید) پرداخته شد. پس از آن این زمان‌ها بر حسب مقدار زمان کار مزدی مادر در بیرون از خانه مقایسه شدند. اشتغال مادر به دلیل بالا رفتن درآمد خانواده تاثیر مثبتی بر فعالیت‌های فرزندان دارد. نتایج حاکی از این است که مادران شاغل باسوادتر نیز می‌باشند. تعامل سواد و اشتغال در مادران باعث شده که آنها از نیازهای تربیتی فرزندان خود آگاه بوده، و اهمیت بیشتری به تربیت آنها بدهند و همچنین منبع مالی مورد نیاز برای رفع نیازهای تربیتی فرزندان را نیز در دسترس داشته باشند. فرزندان مادران شاغل مدت زمان بیشتری را به کسب مهارت می‌پردازند، آنها بیشتر مطالعه می‌کنند و فعالیت‌های ورزشی بیشتری انجام می‌دهند. تبیین اثر اشتغال مادر بر فعالیت‌های فرزندان ترکیبی از تئوری‌های اقتصادی و اجتماعی را می‌طلبد. اشتغال و سواد در تعامل با هم بر فعالیت‌های فرزندان اثر می‌گذارند، سواد به مادر آگاهی می‌بخشد و اشتغال هزینه‌های مورد نیاز برای فعالیت‌های مفید فرزندانش را تامین می‌کند.

واژگان کلیدی: اشتغال مادر، تربیت فرزندان، سواد مادر، کار مزدی مادر در بیرون از خانه، گذران-وقت فرزندان، مناطق شهری ایران.

---

۱. دانشجوی دکتری جمعیت شناسی دانشگاه تهران m.torkashvand@ut.ac.ir
۲. دانشجوی کارشناسی پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان

بررسی عوامل مؤثر بر ساعات کار مزدی زنان در مناطق شهری کشور- سال ۱۳۸۷-۸۸

آرمان مجیدی[۱]

چکیده

زنان که نیمی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می‌دهند، به عنوان نیروی بالقوه در فعالیت‌های اقتصادی، رونق اقتصادی و پیشرفت یک جامعه مورد توجه هستند. اما در اکثر جوامعِ در حال توسعه و از جمله در ایران، این قشر از جامعه کمترین مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال را دارند. این در حالی است که دو مانع اصلی بر سر راه اشتغال زنان، یعنی تحصیلات پایین و باروری بالا، تا حدودی مرتفع شده‌اند به شکلی که آموزش و تحصیلات عالی زنان در حد قابل توجهی بهبود یافته و باروری نیز به زیر سطح جانشینی رسیده است. جدایِ از اشتغال پایین زنان، در بین افراد شاغل، ساعات کار مزدی زنان به مقدار قابل‌توجهی پایین‌تر از ساعات کار مزدی مردان است. حال سوال تحقیق حاضر این است که چرا میانگین ساعات کارِ مزدی در بین زنان شاغل پایین‌تر از میانگین ساعات کار مزدی در بین مردان شاغل است؟ روش تحقیق مورد استفاده در مقاله حاضر تحلیل ثانویه می‌باشد و برای پاسخ دادن به سوال فوق از داده‌های گذران وقت که در سال ۸۸-۱۳۸۷ توسط مرکز آمار ایران در بین خانوارهای شهری جمع‌آوری شده، استفاده شد. ساعات کار مزدی زنان شهری کل کشور متغیر وابسته است و متغیرهای وضعیت تأهل، تعداد بچه، تحصیلات، ساعات کار زن در خانه، ساعات کار شوهر در خانه و وجود فرد ناتوان یا معلول در خانه متغیرهای مستقل می‌باشند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که متغیر ساعات کار زن در خانه (خانه‌داری) بیشترین اثر را بر ساعات کار مزدی زن داشته است. متغیرهای تعداد بچه و تحصیلات نیز اثر ضعیفی را داشته‌اند. بر اساس نتایج بدست آمده به نظر می‌رسد که خانه‌داری و انجام امور مربوط به حیطه‌ی خانه و خانواده، و اهمیت و ضرورت آن در فرهنگ ما، هنوز از مهمترین عوامل پایین بودن اشتغال زنان می‌باشد.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، ساعات کار مزدی، ساعات کار در خانه، تعداد بچه، تحصیلات.

۱ . کارشناس ارشد جمعیت شناسی a_majidi@ut.ac.ir

بررسی مشارکت اقتصادی زنان بر اساس داده‌های آمارگیری نیروی کار

محدثه صفاکیش[۱]، زهره فلاح محسن‌خانی[۲]، لیدا کلهری ندرآبادی[۳]

چکیده

عموماً مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی به اندازه پتانسیل‌شان نیست. مطالعات انجام‌شده توسط صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد چنان‌چه زنان بتوانند با تمامی پتانسیل خود وارد بازار کار شوند وضعیت اقتصاد کلان کشور بهبود قابل توجهی می‌یابد. بررسی‌ها نشان می‌دهد عموماً کشورهای در حال توسعه تفاوت قابل‌ملاحظه‌ی سطح مشارکت اقتصادی زنان نسبت به مردان را تجربه می‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد اختلاف بین مشارکت زنان و مردان در فعالیت‌های اقتصادی عامل اصلی کاهش نرخ رشد اقتصادی در بسیاری از کشورها بوده است. دیدگاه جامعه‌شناسی این فرضیه را بیان می‌کند که تفاوت مشارکت اقتصادی زنان در کشورهای مختلف بیش از آنکه ناشی از عوامل اقتصادی باشد، از عوامل مربوط به نظام‌های ارزشی و سنتی و نهادهای فرهنگی و اجتماعی آن کشور ناشی می‌شود. همچنین یأس و ناامیدی زنان برای جستجوی کار نیز می‌تواند عامل دیگری در این رابطه باشد. به این معنا که بالا بودن نرخ بیکاری در این گروه خود دلیلی برای ناامیدی و خروج از جمعیت فعال آنان به‌شمار می‌رود. با بررسی داده‌های آمارگیری نیروی‌کار مرکز آمار ایران در خصوص علت‌های عدم جستجوی کار در بین زنان غیر فعال، بیش از ۷۰ درصد آن‌ها مسئولیت‌های شخصی یا خانوادگی، در حدود ۲ درصد آنان بی‌نیازی از انجام کار و حدود ۱ درصدشان نیز دلسردی از یافتن کار را به‌عنوان دلیلی برای در جستجوی کار نبودنشان بیان نموده‌اند؛ که این اطلاعات می‌تواند مؤید تأثیر نگرش‌های ارزشی و فرهنگی در مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی باشد. یافته‌های طرح آمارگیری گذران وقت نقاط - شهری تابستان ۱۳۹۴ مرکز آمار ایران نیز نشان می‌دهد متوسط زمان سپری‌شده برای فعالیت‌های خانه‌داری در مردان نسبت به زنان ناچیز است که این دلیل نیز به نوبه‌ی خود رغبت زنان به فعالیت‌های اقتصادی را کم می‌کند. بنابراین می‌توان این‌گونه بیان کرد که پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران بیش از عوامل اقتصادی معلول نگرش‌های فرهنگی و سنتی موجود در جامعه است.

واژگان کلیدی: نرخ مشارکت اقتصادی، جمعیت غیر فعال، شاغل، اشتغال ناقص.

---

۱. کارشناس ارشد آمار، پژوهشکده آمار m.safakish_atu@yahoo.com
۲. کارشناسی‌ارشد آمار، پژوهشکده‌ی آمار zohrehf@yahoo.com
۳. کارشناسی‌ارشد آمار، پژوهشکده‌ی آمار lidakalhori@yahoo.com

شناخت و بررسی وضعیت اشتغال زنان سرپرست خانوار با رویکرد آسیب‌شناسی

محمد میرزائی[۱]، جعفر کردزنگنه[۲]

چکیده

مقاله حاضر وضعیت اشتغال زنان سرپرست خانوار و ضرورت آن را با رویکردی آسیب‌شناسانه مورد بررسی قرار می‌دهد. در ایران وضعیت اشتغال زنان دو ویژگی مهم دارد. اول آنکه در مقایسه با سایر کشورهای درحال توسعه زنان فرصت‌های شغلی کمتری دارند و دوم آنکه اغلب در بخش‌های غیر رسمی با دستمزد پایین مشغولند. اشتغال زنان "سرپرست خانوار" حکایت دیگری است که در پی مشکلاتی مثل فوت شوهر، طلاق، از کارافتادگی شوهر، مفقود الاثر بودن سرپرست و ... شکل می-گیرد. طبق نتایج حاصله از سرشماری‌های سه دهه اخیر کشور نسبت زنان سرپرست خانوار از ۸/۴ درصد در سال۱۳۷۵ به ۹/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ و با افزایش ۲/۶ رقمی به ۱۲/۱ درصد در سال ۱۳۹۰رسیده است. بر اساس نتایج آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۹۰ در حدود ۲۵۴۸۰۷۲ زن هستند که سرپرستی خانوارهای خود را بر عهده دارند. این بدین معنی است که به سادگی نمی‌توان از کنار مساله زنان سرپرست خانوار و اهمیت اشتغال این قشر از زنان آسیب پذیر گذشت، چرا که آنان سرپرستی ۷/۶ درصد از جمعیت کل کشور و حدود دو نیم میلیون خانوار را عهده‌دار هستند. اگر چه عرف جامعه ایران و سنت دینی ما مخالفت چندانی با اشتغال زنان در بیرون از خانه ندارد اما معمولا در جامعه ما مردان نان‌آور خانه بوده و زنان به کار خانه‌داری مشغول هستند و همین امر مشکل زنان خانه‌دار را به عنوان نان‌آور خانواده دو چندان می‌کند. نتایج حاصله نشان داد که به طور میانگین ۱۸ درصد زنان سرپرست خانواده شاغل و حدود ۸۲ درصد بیکارند. بیش از ۳۶ درصد این زنان خانه‌دارند (۳۲/۵ درصد روستایی در مقابل ۳۸ درصد از زنان سرپرست خانوار شهری) و شغل دیگری ندارند. تقریبا ۳۲ درصد این زنان بدون داشتن کار دارای درآمدهایی هستند (۲۴/۶ درصد زنان سرپرست روستایی در مقابل ۳۴/۳ درصد زنان سرپرست خانوار شهری) و تنها ۱۸درصد این زنان در زمان سرشماری مشغول کار ثابتی (۱۴/۵ درصد از زنان سرپرست خانوار شهری در برابر ۲۸/۱ درصد زنان سرپرست خانوار روستایی) بوده‌اند. این در حالی است که در حدود ۴۲ درصد این زنان سرپرست خانوارهای دو یا سه نفره و ۱۷ درصد نیز سرپرست خانوارهایی

۱. استاد گروه جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران mmirzaie@ut.ac.ir
۲. استادیار و عضو هیات علمی، گروه علوم اجتماعی ، دانشگاه پیام نور، تهران. jkzanganeh@ut.ac.ir

با تعداد جمعیت بیش از سه نفر هستند و مابقی در حدود ۴۱درصد زنان سرپرست خانوار به تنهایی زندگی می‌کنند و فقط بار اقتصادی زندگی شخصی خود را بر دوش می‌کشند. نکته جالب توجه اینکه در حدود ۳۷ درصد زنانی که سرپرستی خانوارهای ایرانی را بر عهده دارند در گروههای سنی ۶۵ سال و بیشتر قرار دارند و در واقع در دوران کهولت خود بسر می‌برند. که این امر به لحاظ اقتصادی مشکل این قشر از زنان را دوچندان می‌کند. نتیجه این که این زنان و خانواده‌هایشان اکثرا جزء حاشیه‌نشینان اقتصادی محسوب می‌شوند و شرایط سختی را می‌گذرانند.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان سرپرست خانوار، رویکرد آسیب شناسانه، زنان آسیب پذیر، حاشیه نشینان اقتصادی.

مقایسه زمان بقای مطلوب بی‌فرزندی زنان در آستانه ازدواج برحسب وضع فعالیت

مهسا سعادتی[۱]، آرزو باقری[۲]

چکیده

امروزه افزایش فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند، به عنوان یکی از ویژگی‌های جوامع با باروری زیر سطح جانشینی مطرح می‌شود که دلایل مختلفی برای افزایش آن در مطالعات گوناگون ذکر شده است. یکی از دلایل این افزایش در کشور را می‌توان عدم دستیابی زنان به شغل مناسب با وجود داشتن تحصیلات دانشگاهی در نظر گرفت. بدین منظور و با در نظر گرفتن این مسئله که زنان جوان در سن باروری تأثیر بسزایی در موالید آینده کشور دارند، در این مقاله به تحلیل داده‌های فاصله مطلوب فرزندآوری در میان زنان ۱۵-۴۵ ساله در آستانه ازدواج پرداخته شد. داده‌های این مطالعه مقطعی، براساس یک پرسشنامه ساختاریافته از ۶۳۶۰ زن در آستانه ازدواج کل کشور و با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌بندی چندمرحله‌ای جمع‌آوری گردید. فاصله مطلوب ازدواج تا فرزندآوری میان زنان با وضعیت‌های شغلی مختلف و برحسب طبقات استانی، محل سکونت، سطوح تحصیلی و گروه‌های سنی با استفاده از تحلیل بقای ناپارامتری بررسی شد. میانگین زمان بقای مطلوب بی‌فرزندی ۲/۶۳ سال با میانه بقای ۲ سال بدست آمد. بقای مطلوب بی‌فرزندی در میان زنان با وضعیت‌های شغلی مختلف حاکی از تفاوت معنی‌دار میان آن‌ها بود؛ زنان دانشجو (دانش‌آموز)، در جستجوی کار، شاغل و خانه‌دار به ترتیب بیشترین بقای مطلوب بی‌فرزندی را داشتند. با وجود تفاوت این الگو در استان‌ها، سطوح تحصیلی و سنین مختلف، کلیه زنان دانشجو (دانش‌آموز)، دارای بقای مطلوب بی‌فرزندی بیشتری نسبت به سایر وضعیت‌های شغلی بودند. به نظر می‌رسد که با ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان تحصیلکرده می‌توان انتظار فاصله بی‌فرزندی کوتاهتری داشت.

واژگان کلیدی: بقای مطلوب بی‌فرزندی، وضع فعالیت، زنان، تحلیل بقا.

---

۱. استادیار آمار زیستی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
mahsa.saadati@gmail.com
۲. استادیار آمار کاربردی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
abagheri_000@yahoo.com

هجوم زنان به اشتغال در بخش غیررسمی
(مورد مطالعه فضاهای خدماتی و تجاری شهر همدان)

اسدالله نقدی[۱]، محبوبه رویین تن[۲]

چکیده

همسو با جریان جهانی در ایران نیز در سالیان گذشته شاهد حضور و مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی و شهری بوده‌ایم. یکی از این حوزه‌ها افزایش نسبت اشتغال زنان می‌باشد. اما بخش رسمی و ساختار حاکمیتی در ایران تمایل چندانی به افزایش حضور زنان در بیرون از نظام خانوادگی و دیوانسالاری و عرصه‌های فعالیت به دلیل تاکید بر وظایف و کارکردهای زن در درون نهاد خانوده ندارد. با این حال به دلایل بسیار دیگر جامعه زنان ایران در حال تسخیر بازارهای نوپدید اقتصادی و اشتغال است. گسترش محسوس زنان تحصیل‌کرده و نیاز شدید خانوارها به داشتن "بیش از یک نان‌آور" به سبب شرایط نامساعد اقتصادی، افزایش هزینه‌های زندگی و تغییرات اجتماعی دیگر از جمله این تحولات بشمار می‌روند. یکی از مصادیق این حضور افزایش تعداد زنان شاغل در بخش غیررسمی بوِیژه در بازارهای مدرن و فضاهای تجاری و پاساژ هاست. اغلب این زنان به دلیل کمبود یا محدودیت فرصت اشتغال در بخش رسمی و یا نیاز و اضطرارهای شخصی وارد بخش غیررسمی می‌شوند. تحقیق حاضر به بررسی وضعیت زنان شاغل در بخش غیررسمی در سه زمینه، الف- چگونگی ورود زنان به اشتغال، ب- فرصت‌ها و پ- فضای فعالیت در شهر همدان پرداخته است. روش این بررسی پیمایش و جامعه آماری زنان شاغل در بخش اشتغال غیر رسمی (منشی‌های پزشکان) بوده و ابزار گردآوری پرسشنامه محقق ساخته بوده است. روش نمونه‌گیری، علاوه بر تمام‌شماری منشی‌های شاغل در خیابان بوعلی به سایر نقاط ساختمان‌های مهم پزشکی مانند پاستور، فدک و معلم نیز مراجعه و تمام شماری انجام گرفت. بر اساس یافته‌های تحقیق تأثیرگذارترین عامل بر میزان حضور زنان در عرصه اشتغال، تجربه امنیت عینی و احساس امنیت ذهنی زنان شاغل است. میزان کلی احساس امنیت در نمونه مورد بررسی در سطح متوسط رو به پایین بوده و امنیت عینی نیز در حد پایین تجربه شده است و مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر احساس امنیت را "متغییر زن بودن" فارغ از تفاوت‌ها در سن، جنس، تاهل و طبقه تشکیل می‌دهد. به نظر می‌رسد با کم سو شدن " فضاهای شهری صرفا مردانه" و افزایش حضور زنان در محیط‌های مدرن شهری و افزایش فعالیت‌های سازگار با روح و نیازهای خاص زنان در اماکن شهری و مهمتر از

۱. دانشیار جامعه شناسی شهری دانشگاه بوعلی سینا همدان naghdi@basu.ac.ir
۲. کارشناس ارشد پژوهش در علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان termeh_mr@yahoo.com

آن فراهم کردن تسهیلات خاص زنان مانند نظارت بیشتر صنف، تامین حقوق قانونی شاغلین توسط کارفرمایان، بیمه، تعبیه سرویس‌های بهداشتی مخصوص بانوان، مراکز نگهداری از کودکان و خردسالان ضرورت دارد و لازم است مقوله «جنسیت» به برنامه‌های توسعه شهری لحاظ شده و امر زنان شاغل و مسائل آنان صدر لوایح، دستورالعمل‌ها، سیاست‌ها، طرح‌های جامع و تفصیلی شهرها و نظام تامین خدمات بخش‌های گوناگون مدیریت شهری منظور گردد تا از این طریق شرایط و ملزومات «حضور مفید، موثر و ایمن‌تر زنان» در عرصه‌های شهری را تسهیل بخشید.

واژگان کلیدی: فضاهای شهری، زنان، احساس امنیت، اشتغال غیر رسمی، چیرگی جنسیتی.

تحلیل رابطه مهاجرت نیروی کار و پدیده زنانه شدن فقر و اشتغال در ایران وکشورهای منتخب

شیوا نادری دل پاک[۱]، نادر مطیع حق شناس[۲]

چکیده

در سه دهه گذشته، افزایش مهاجرت‌های برون‌مرزی در سراسر دنیا چشمگیر بوده است. مهاجرت گسترده نیروی انسانی به ویژه نیروی کار ماهر و متخصص یکی از مسائلی است که طی سالهای اخیر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را به نگرانی واداشته است. تمامی کشورها بر اساس اصل رقابت، در پی دست‌یابی به حجم گسترده‌ای از بازار کار جهانی مبتنی بر مدیریت نوین مهاجرت نیروی‌کار و اشتغال می‌باشند. مهاجرت نیروی‌کار متخصص بر توسعه اقتصادی و بازار کار کشورهای در حال رشد، دارای آثار متعدد می باشد. صاحبنظران معتقدند روند زنانه شدن فقر از جمله عللی است که به روند زنانه‌شدن مهاجرت برای کار منجر می‌شود. فشار فقر بر زنان به علت تبعیض جنسیتی، به طور نامتناسبی حاکم می‌شود؛ بنابراین، زنان نسبت به مردان ناامنی بیشتری را در زمینه امرار معاش تجربه می‌کنند. هنگامی که زنان، گزینه‌های اشتغال در بازار جهانی را پیدا می-کنند ترجیح می‌دهند که انتخاب کنند؛ حال از طریق کانال‌های قانونی و یا غیرقانونی باشند. طبق گزارش سال ۲۰۱۴ دفتر بین المللی کار، مهاجران بین‌المللی حدود ۲۳۲ میلیون نفر در جهان برآورد شده‌اند (کسانی که ۱۲ ماه یا بیشتر بیرون از کشور خود بودند) و حدود نیمی از آنها به لحاظ اقتصادی فعال ارزیابی شده‌اند (شاغل یا جویندگان کار). بر پایه برآوردهای منتشر شده توسط بانک جهانی، در این بین ۴۸/۴ درصد از این مهاجران، زنان هستند. زنان به دلایلی درگیر مهاجرت برای کار می‌شوند، یکی از این دلایل عامل اقتصاد است بیشتر این زنان از کشورهای درحال توسعه مهاجرت می‌کنند و از مهارت کمی برخوردارند، به علاوه زنانی که بیوه یا مطلقه هستند فرصت‌های اقتصادی کمتری در کشور خود داشته‌اند و جهت رفع نیاز اقتصادی مجبور به مهاجرت شده‌اند. درحالی که کشورهای توسعه‌یافته تقاضای کار، به ویژه برای کارگران غیرماهر را

---

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی shiva_delpak@yahoo.com

۲. عضو هیأت علمی گروه جمعیت ، منابع ، اشتغال و بهره وری موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور و دانشجوی دکتری تخصصی جمعیت شناسی دانشگاه تهران

افزایش داده‌اند، از کارگران کشورهای درحال توسعه استفاده می‌کنند. از لحاظ اقتصادی، زنان وارد شده به بازارکار برای حمایت از خانه و خانواده رها شده در کشور خود، اقدام می‌کنند. تأثیر اقتصادی کارگران مهاجر بر اشکال اقتصاد داخلی و خارجی غیرقابل تردید است، اما داده‌های بسیار کم تحلیل شده در این زمینه وجود دارد که دال بر این موضوع باشد. با این حال، این تأثیر می‌تواند از طریق تداوم جهانی شدن و مبادلات پولی و وجوه ارسالی دیده شود. لذا بررسی ابعاد علمی و پیامدهای این مسئله از حیث سیاستی حائز اهمیت است. هدف اصلی مطالعه تحلیل رابطه جابجایی‌های نیروی‌کار و مسئله زنانه شدن فقر و اشتغال در ایران و مقایسه آن با کشورهای آذربایجان، ارمنستان، ترکیه، قزاقستان، مالزی، سریلانکا در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳ می-باشد. روش تحقیق اسنادی- تحلیلی بوده و از داده های دفتر بین المللی کار (ILO) سازمان بین المللی مهاجرت (IMO) و گزارش توسعه انسانی بخش عمران و توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) در این بازه زمانی استفاده شده است. نتایج اولیه نشان می‌دهد که تغییرات چشمگیری در سهم نیروی کار مهاجران زن طی سال‌های مورد بررسی رخ داده و این سهم درکشورهای مالزی و ترکیه رو به افزایش بوده است. عدم آمادگی و پذیرش جامعه در عرصه فعالیت اقتصادی زنان و وجود تبعیض جنسیتی، از مهمترین دغدغه‌های فراروی زنان دراین کشورها است که به نوبه خود پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جبران ناپذیری برجای گذاشته است.

واژگان کلیدی: جمعیت، مهاجرت نیروی کار، زنان شدن فقر.

اشتغال زنان، نشاط زناشویی و گرایش به طلاق
(مورد مطالعه: متأهلین شهر تهران)*

فاطمه مدیری[۱]، علی رحیمی [۲]

چکیده

این مقاله با هدف بررسی تاثیر اشتغال زنان بر پایداری خانواده به مقایسه خانواده‌های تک شاغل و خانواده‌های هر دو شاغل پرداخته است. جامعه آماری این پیمایش کمی، زنان و مردان متأهل شهر تهران بوده و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۱۷۳۶ نمونه از ۵۰ حوزه شهر تهران انتخاب شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد: نشاط زناشویی در مردان خانواده‌های هر دو شاغل بیش از مردان خانواده‌های تک شاغل است. درآمد و منزلت شغلی بالا در مردان خانواده‌های تک شاغل با کاهش نشاط زناشویی و در زنان خانواده‌های تک شاغل افزایش درآمد با افزایش نشاط زناشویی در ایشان همراه است. همبستگی نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در زنان خانواده‌های هر دو شاغل بیش از زنان خانواده‌های تک شاغل و در مردان خانواده‌های تک شاغل بیش از مردان خانواده‌های هر دو شاغل است. هزینه‌کرد مالی اشتراکی در خانواده‌های هر دو شاغل بیش از خانواده‌های تک شاغل و تضاد میان کار و خانواده در آنها کمتر است. به طور کلی می‌توان گفت یافته‌هایی که نشان دهد اشتغال زنان پایداری خانواده را تضعیف می‌کند مشاهده نشد اما اشتغال زنان منابعی را برایشان فراهم می‌کند که از آن می‌توانند در انحلال زندگی زناشویی ناخوشایند استفاده نمایند. با توجه به اینکه نشاط زناشویی و گرایش به طلاق متاثر از شرایط شغلی است، به کارگیری سیاست‌های مناسب اشتغال می‌تواند در پایداری خانواده کمک کننده باشد. یافته‌های تحقیق تاییدکننده تئوری‌های مبادله، فرصت اقتصادی و اقتصاد جدید خانه می‌باشد.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، پایداری خانواده، نشاط زناشویی، گرایش به طلاق، خانواده‌های هر دو شاغل، خانواده‌های تک شاغل.

---

* این مقاله مستخرج از طرح مصوب مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور با عنوان سبک زندگی زوجین و تعیین‌کننده‌های آن (مورد مطالعه: شهر تهران) می‌باشد که با مشارکت معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری اجرا شده است.

۱. استادیار جامعه‌شناسی، گروه مطالعات خانواده، ازدواج و طلاق، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور. fateme.modiri@gmail.com

۲. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، گروه مطالعات خانواده، ازدواج و طلاق، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور. a_rahimi77@yahoo.com

مهاجرت‌های اقتصادی- تحصیلی زنان و عوامل موثر بر آن در ایران در دوره ۱۳۸۵-۹۰

نصیبه اسماعیلی[۱]

چکیده

جنسیت عامل تعیین‌کننده اساسی در ارتباط با مهاجرت و سایر رفتارهای جمعیتی محسوب می‌شود. تا میانه دهه ۱۹۷۰ مهاجرت پدیده‌ای مردانه محسوب می‌شد، حال آنکه امروزه تقریبا نیمی از جمعیت مهاجران را زنان تشکیل می‌دهند. زنان مولفه مهمی در فرآیند مهاجرت محسوب می‌شوند، که می‌توانند در تمامی مراحل مهاجرت نقش تاثیرگذاری داشته باشند. تغییرات در نگرش و دگرگونی در باورهای نسل جوان در رابطه با تعاریف‌شان از نقش زن در جامعه، باعث افزایش توقعات، آرزوها و تمایلات اقتصادی و اجتماعی شده است، زنان برای دسترسی به موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی بالاتر، دست به مهاجرت می‌زنند. با توجه به افزایش نقش زنان در فرآیندهای مهاجرتی در ایران و همچنین وجود خلاهای تحقیقاتی در این زمینه، این مقاله به بررسی مهاجرتهای اقتصادی و تحصیلی زنان و عوامل موثر بر آن می‌پردازد. روش این تحقیق، تحلیل ثانویه داده‌های دودرصدی سرشماری ۱۳۹۰ است. در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵ حدود ۵,۵ میلیون نفر در کشور مهاجرت داشته اند که ۵۲ درصد آنها مرد و ۴۸ درصد زن بوده‌اند. در میان زنان حدود ۹ درصد به دلایل اقتصادی و ۱۴ درصد به دلایل تحصیلی مهاجرت و جابجایی داشته‌اند. نتایج تحلیل چندمتغییره نشان می‌داد که وضعیت تاهل (مجرد بودن زنان) سرپرست خانوار بودن زنان، تحصیلات دانشگاهی و همچنین شاغل بودن آنان از مهمترین عوامل اثرگذار بر مهاجرتهای اقتصادی و تحصیلی زنان در سال‌های اخیر می‌باشد. از این رو، افزایش سطح تحصیلات زنان در ایران و به تبع آن میل به تحرک اجتماعی زنان منجر به تحرکات مکانی و مهاجرتی بیشتر آنها خواهد شد و سهم جمعیت زنان هم در مهاجرت‌های داخلی و هم در مهاجرت‌های بین‌المللی افزایش چشمگیری خواهد یافت.

واژگان کلیدی: مهاجرت اقتصادی، مهاجرت تحصیلی، تحلیل ثانویه، سرشماری، زنان.

---

۱. کارشناسی ارشد جمعیت شناسی

ارزیابی موانع فقهی_حقوقی اشتغال زنان در حقوق ایران

علی اکبر جعفری ندوشن[۱]، علی تولایی[۲]

چکیده

با وجود پیش‌بینی اصول و مواد متعدد قانونی در خصوص اشتغال زنان و تصویب سیاست‌های مربوط به آن، نحوه استیفا و اعمال حق اشتغال برای زنان و ضمانت اجرای آن با موانع جدی روبروست. در یک نگاه کلی، عدم مغایرت اشتغال با موازین شرع، مصالح عمومی و حقوق دیگران، از مهم‌ترین موانع اجرایی‌شدن حق اشتغال است. از منظر علم فقه، اشتغال زنان اگر چه فی نفسه، حرام نبوده، اما در تزاحم با مصالح اهم خانواده از جمله حق استمتاع شوهر و ریاست وی بر خانواده، محدود می‌شود. پذیرش نظریه استقلال مالی زن در فقه امامیه و حقوق ایران و اصل قطعی امساک و معاشرت به معروف، در کنار تحدید اختیار مرد از طرق شروط بنایی یا ضمن عقد، می‌تواند اجرایی‌شدن حق قانونی اشتغال زن را تسهیل کند. مقاله حاضر با رویکرد تحلیلی به پی‌جویی از زمینه‌های فقهی و حقوقی موانع اجرایی شدن حق اشتغال زن در حقوق ایران می‌پردازد. حق شوهر در ممانعت از اشتغال زن بر پایه ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی و لزوم تحدید قلمرو اختیارات برای دفع سوءاستفاده‌های محتمل، تزاحم حق فردی زن با حقوق خانواده یا اجتماع (حق جمعی) از موضوعاتی است که در این مقاله در یک مطالعه کتابخانه ای مورد مداقه قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: حق اشتغال زنان، مصالح خانواده، استقلال مالی، حق منع اشتغال، اشتغال غیرمجاز.

۱. استادیارگروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه یزد Jafarinadoushan@yazd.ac.ir
۲. دانشیارگروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه یزد tavallaei@yazd.ac.ir

روند تحولات اشتغال زنان و شاخص‌های عمده نیروی کار زنان در ایران طی سال‌های ۹۴-۱۳۸۴

محبوبه پیروز[۱]، مریم پیری‌محمدی[۲]، عباس عسکری‌ندوشن[۳]

چکیده

نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکارناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباطات انسانی و اجتماعی تلقی کرد. در جهت این پویایی بی‌تردید زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت، تأثیر مستقیمی در توسعه جامعه دارند؛ زیرا هدف هر جامعه‌ای، به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی است و رفاه اجتماعی تابعی از درآمد سرانه، توزیع عادلانه درآمد، بهبود امکانات آموزشی، بهداشتی، رفاهی و میزان مشارکت اجتماعی- اقتصادی مردان و زنان است. در مطالعه حاضر با توجه به اهمیت و لزوم فعالیت، اشتغال و شرکت زنان در جامعه و در فعالیت‌های اقتصادی با استفاده از تحلیل ثانوی داده‌های موجود در نشریات آمارگیری نیروی کار در سال‌های ۹۴-۱۳۸۴، روند تحولات فعالیت و اشتغال زنان در جامعه‌ی ایرانی بررسی می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود پیشرفت‌های نسبی طی دهه‌های گذشته، زنان در مقایسه با مردان نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ اشتغال و نسبت اشتغال پایین و نرخ بیکاری بالایی دارند. بررسی نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت) و نرخ اشتغال زنان طی سال‌های ۹۳-۱۳۸۴ نشان می‌دهد نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۳/۷ و نرخ اشتغال آنان ۲/۶ درصد کاهش یافته است؛ به‌گونه‌ای که نرخ فعالیت زنان از ۱۷ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۱۳/۳ درصد در سال ۱۳۹۳ و نرخ اشتغال آنان از ۸۲/۹ درصد به ۸۰/۳ درصد رسیده است. همچنین بررسی نسبت بیکاری زنان مطابق با آخرین برآوردهای مرکز آمار ایران، نشان می‌دهد نسبت بیکاری در جمعیت فعال ۲۹-۱۵ ساله، برای زنان از ۲۹/۹ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۴۰/۲ درصد در سال ۱۳۹۴ و برای مردان از ۱۷/۸ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۱۹/۱ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. همچنین، بیکاران دارای تحصیلات دانشگاهی بیش از ۴۲ درصد از کل بیکاران را در کشور تشکیل می‌دهند. بررسی اشتغال زنان در دو بخش خصوصی و عمومی طی سال‌های ۹۴-۱۳۸۴ نشان می‌دهد سهم اشتغال زنان در بخش خصوصی بسیار بیش‌تر از بخش عمومی است؛ هرچند اشتغال زنان طی سال‌های موردبررسی با ۴ درصد کاهش در بخش خصوصی از ۷۶/۴ درصد در سال ۱۳۸۴، به ۷۲/۴ درصد در سال ۱۳۹۴، و اشتغال آنان در بخش عمومی با ۴/۸ درصد افزایش

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه یزد mahboub.pirooz1989@gmail.com
۲ . کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد m.piri.m69@gmail.com
۳ . عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد aaskarin@yazd.ac.ir

از ۲۲/۸ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۲۷/۶ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. همچنین بررسی اشتغال زنان در بخش‌های عمده اقتصادی نشان می‌دهد که بخش خدمات با ۵۳/۴ درصد بیش‌ترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. در مراتب بعدی بخش‌های صنعت با ۲۳/۸ درصد و کشاورزی با ۲۲/۸ درصد قرار دارند. بررسی تغییرات میزان اشتغال زنان در سه بخش عمده اقتصادی بین سال‌های ۹۴-۱۳۸۴ حاکی از این مطلب است که طی این سال‌ها از سهم اشتغال زنان در دو بخش صنعت و کشاورزی کاسته شده است و به سهم آنان در بخش خدمات افزوده شده است؛ به‌گونه‌ای که اشتغال زنان در بخش خدمات از ۳۸ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۵۳/۴ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. یافته‌های مطالعه در خصوص بررسی شاخص‌های عمده نیروی کار به تفکیک استان‌ها نشان داد کمترین نرخ مشارکت اقتصادی و درنتیجه‌ی آن بیش‌ترین نرخ بیکاری و کمترین نرخ اشتغال و نسبت اشتغال زنان در سال‌های اخیر مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد، کمترین نرخ بیکاری و بالاترین نرخ اشتغال مربوط به استان همدان و بیش‌ترین نرخ مشارکت اقتصادی و نسبت اشتغال مربوط به استان‌های خراسان جنوبی و خراسان شمالی است.

واژگان کلیدی: زنان، نیروی کار، مشارکت اقتصادی، اشتغال، بیکاری.

بررسی وضعیت اشتغال و شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی استان لرستان در سال ۱۳۹۴

مریم پیری محمدی[۱]، عباس عسکری‌ندوشن[۲]

چکیده

داده‌های آماری حاکی از روند رو به افزایش تعداد و نسبت زنان سرپرست خانوار در دهه‌های اخیر است؛ این درحالی است که براساس گزارش مرکز آمار ایران، تنها ۱۸ درصد زنان سرپرست خانوار کشور شاغل و ۸۲ درصد آن‌ها بیکار هستند. ازآنجا که زنان سرپرست خانوار جزو اقشار آسیب‌پذیر به حساب می‌آیند و نسبت اشتغال و سطح درآمد متوسط آن‌ها به طور قابل توجهی پایین است و بر توانمندسازی آنان در برنامه‌ی توسعه جمهوری اسلامی ایران تأکید شده است، پژوهش حاضر به بررسی وضعیت اشتغال و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان حمایتی بهزیستی می‌پردازد. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل کلیه‌ی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی استان لرستان در سال ۱۳۹۴ می‌باشد. از تعداد کل زنان سرپرست خانوار استان لرستان (۴۰۸۲۰ خانوار)، ۵۶۳۸ خانوار تحت پوشش بهزیستی استان قرار دارند که همه‌ی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی به‌عنوان نمونه‌ی نهایی انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. تحلیل یافته‌ها نشان داد اولین علتی که زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی استان لرستان قرار می‌گیرند مربوط به از کارافتادگی همسر (۴۹/۲ درصد)، دومین علت با فراوانی ۲۰۶۱ خانوار، فوت همسر و سومین علت با فراوانی ۶۴۵ خانوار، مربوط به طلاق است. همچنین تحلیل یافته‌ها در زمینه‌ی اشتغال زنان سرپرست خانوار نشان داد ۹۰ درصد آن‌ها بیکار و تنها ۱۰ درصد آن‌ها شاغل بودند که عمدتاً در بخش خدماتی و با درآمدی کمتر از یک سوم حداقل حقوق مشغول به کار بودند. یافته‌ها در زمینه‌ی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی نشان داد ۷/۰۲ درصد این زنان از طریق گروه‌های همیار، وام خوداشتغالی و معرفی به مراکز کار شاغل شده‌اند که بیش‌تر آن‌ها در بخش خدماتی و در مشاغلی نظیر خیاطی، قالی‌بافی، آرایشگری و... با درآمدی کمتر از ۳۵۰۰۰۰ تومان مشغول به کار شده‌اند.

واژگان کلیدی زنان سرپرست خانوار، اشتغال، بیکاری، توانمندسازی، لرستان.

---

۱. کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد m.piri.m69@gmail.com
۲. عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد aaskarin@yazd.ac.ir

ازدواج یا اشتغال؟ مطالعه دیدگاه زنان سرپرست خانوار

محمدعلی فیض‌پور[۱]، حمیده رامتین[۲]

چکیده

جوامع در حال توسعه که از آن‌ها به جوامع در حال گذار نیز تعبیر می‌شود با پدیده‌های متعددی روبرو می‌شوند که اگرچه این پدیده‌ها در جوامع توسعه یافته نیز قابل مشاهده است، اما در جوامع مذکور به نحو بارزتری خودنمایی می‌نماید. کودکان کار، کار در سنین بازنشستگی و چند شغلی بودن نیروی کار نمودی از این پدیده‌ها است. در این میان زنان سرپرست خانوار نیز از پدیده‌های است که در جوامع در حال‌گذار نسبت به جوامع توسعه یافته دارای نمودی دوچندان بوده که این موضوع در اقتصاد ایران نیز از موضوعیتی مضاعف برخوردار است. شواهد موجود نشان دهنده آن است که تعداد زنان سرپرست خانوار در فواصل سرشماری ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به نحوه بارزی درحال افزایش است. از این رو سیاست‌های حمایتی برای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار نیز در سال‌های اخیر مورد توجه دو چندان قرار گرفته و این در حالی است که بخش عمده‌ی زنان سرپرست خانوار، آن دسته از زنانی تشکیل می‌دهند که تحت حمایت و پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) بوده و در زمینه نحوه حمایت نیز دیدگاه واحدی در این زمینه وجود ندارد. در حالی که گروهی بر این باورند که سیاست‌های ایجاد اشتغال عمده‌ترین سیاست‌های حمایتی از زنان سرپرست خانوار است، اما گروه دیگر بر این باورند که سیاست‌های حمایت از خانواده، که ازدواج مهم‌ترین رکن آن از نگاه آن‌ها محسوب می‌شود، کارآمدترین سیاست حمایتی از زنان سرپرست خانوار است. با چنین نگرش و تفاوت دیدگاه‌ها، این مقاله می‌کوشد تا نحوه حمایت از زنان سرپرست خانوار با توجه به دو دیدگاه مذکور و از نگاه ذی‌نفعان آن (زنان سرپرست خانوار) مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. این بررسی نیز از دیدگاه زنان سرپرست خانوار شهرستان اشکذر (استان یزد) صورت گرفته است. با تدوین پرسشنامه‌ای محقق ساخته و انتخاب نمونه آماری مناسب از جامعه آماری مورد بررسی، نتایج این پژوهش نشان داده است اگرچه ایجاد اشتغال از نگاه زنان سرپرست نسبت به زمینه سازی ازدواج در مجموع از اهمیت بیشتری برخوردار بوده، اما این یافته به شدت متناسب با ویژگی‌های سنی وخانوادگی، آموزشی، مکان زندگی و سطح درآمدی متمایز

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه یزد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری feizpour@yazd.ac.ir
۲. کارشناس ارشد دانشگاه یزد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری hamideh.ramtin@yahoo.com

است. بر این اساس لازم است تا سیاست‌های حمایتی از زنان سرپرست خانوار با در نظر داشتن هر دوگزینه اشتغال و ازدواج و نیز متناسب با ویژگی‌های مذکور برنامه‌ریزی شود.

واژگان کلیدی: زنان سرپرست خانوار، اشتغال، ازدواج، شهرستان اشکذر، استان یزد.

تأثیر اشتغال و تحصیلات زنان بر باروری در ایران

فاطمه ترابی[۱]، محمد حدادی[۲]

چکیده

طی سه دهه اخیر، در اثر تغییرات فرهنگی- اجتماعی به‌ویژه تحت تأثیر تحولات پدید آمده در خانواده، حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی افزایش‌یافته است. با افزایش تحصیلات و توانمندهای زنان و از طرفی تقاضای آنان برای اشتغال و با توجه به تعداد نقش‌هایی که زنان در این رابطه پیدا می‌کنند، این سؤال مطرح می‌گردد که آیا باروری نیز کاهش خواهد یافت، یا خیر؟ در اذهان عمومی این‌گونه استدلال می‌گردد که مشارکت زنان در نیروی کار و افزایش میزان اشتغال آن‌ها به‌صورت منفی بر میزان باروری تأثیر دارد، بااین‌حال به نظر می‌رسد که رابطه میان اشتغال زنان و فرزندآوری یک رابطه‌ی متقابل و دوسویه است. در این مقاله با استفاده از متوسط باروری ۵ سال گذشته و داده‌های سرشماری ۱۳۹۰ در ۳۹۶ شهرستان ایران با استفاده از رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر (لیزرل) به بررسی تأثیر تحصیلات و امنیت شغلی زنان بر باروری پرداخته‌شده است. نتایج حاکی از آن است که میانگین سن در اولین ازدواج، تحصیلات و اشتغال زنان تأثیر منفی بر باروری دارد. که این امر از عدم فرصت‌های کافی ازدواج برای پسران و دختران و همچنین نابرابری زنان و مردان در نهادی‌های خانواده محور حکایت دارد. شهرستان‌هایی که صنعتی‌تر هستند. صنعتی شدن از طریق میانگین سن ازدواج تأثیر مثبتی بر باروری دارد.

واژگان کلیدی: اشتغال، باروری، تحصیلات، نهادهای خانواده محور، تحلیل مسیر.

۱. استادیار جمعیت شناسی، دانشگاه تهران fatemeh_torabi@ut.ac.ir
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت شناسی دانشگاه تهران haddadi1741@ut.ac.ir

شناسایی و تحلیل زمینه‌های پژوهشی حوزه اشتغال زنان در ایران با روش دیدارسازی

فاطمه مکی زاده[۱]، مریم هدایتی[۲]

چکیده

هدف این مطالعه شناسایی و تحلیل زمینه‌های پژوهشی فعال حوزه اشتغال زنان و نیز کشف موضوعات مورد علاقه و مفاهیم غالب در آثار پژوهشگران به روش خوشه‌بندی سلسله مراتبی است. روش‌کار پژوهش، توصیفی و از لحاظ نوع کاربردی است که به تحلیل محتوای متون با رویکرد خوشه‌بندی سلسله مراتبی می‌پردازد. کلیدواژه‌های مقالات مرتبط با جستجوی عبارت‌هایی مانند «زنان شاغل، اشتغال زنان، شغل و زنان و...» در عنوان مقاله و کلیدواژه های آن، از پایگاه مگ ایران در تاریخ (۹۵/۲/۲) بدون محدودیت زمانی، به صورت دستی استخراج شدند. تحلیل داده‌ها و خوشه‌بندی با استفاده از نرم افزارهای Ravar premap و SPSS 20 انجام شد. از ۴۵۰ رکورد بازیابی شده در پایگاه مگ ایران، ۴۷ کلید واژه هسته شناسایی شدند که مبنای تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. مفاهیمی از قبیل: خانواده، رضایت زناشویی و تحصیلات از پرکاربردترین موضوعات این حوزه به شمار می‌روند. با توجه به خوشه بندی سلسله مراتبی، ۱۱ خوشه موضوعی (روانشناسی: مسائل خلقی (اضطراب و افسردگی)، خستگی شغلی، رضایت شغلی، وضعیت زناشویی با محوریت مشارکت اقتصادی و ...) تشکیل شد. موضوع خانواده در این حوزه دارای بیشترین بسامد است. به عبارتی، جامعه شناسی خانواده بیش از دیگر حوزه‌های علمی به بحث دربارۀ اشتغال زنان توجه کرده است .از نتایج دیگری که از این پژوهش استنباط می‌شود اینکه برخی موضوعاتی مانند خلأ بنیادین نظری در حوزۀ اشتغال، غلبه نگاه سیاسی بر موضوع اشتغال و نبود رویکرد آینده پژوهی در حوزه اشتغال زنان کمتر به ان پرداخته شده وجود دارد.

واژگان کلیدی: اشتغال، زنان، هم‌رخدادی واژگان، خوشه‌بندی، مگ ایران.

۱. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه یزد makkizadeh@yahoo.com
۲ . دانشجوی کارشناسی ارشد علم سنجی، دانشگاه یزد

بررسی مقایسه‌ای عوامل روانی اشتغال بین زنان شاغل و غیرشاغل شهر یزد

سمیه جسمانی[۱]

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی عوامل روانی اشتغال زنان در شهر یزد صورت گرفته است. به همین جهت به بررسی تفاوت بانوان شاغل و غیرشاغل ۲۲ تا ۵۵ ساله شهر یزد از نظر عوامل روانی اشتغال پرداخته شده است. مطالعه حاضر با روش پس‌رویدادی و به صورت مقطعی انجام شده است. داده‌های این پژوهش از ۳۸۴ نفر که بصورت نمونه‌گیری خوشه‌ای از سه منطقه شهر یزد انتخاب شده بودند، جمع‌آوری گردید. ابزار گردآوری داده‌ها عبارت بودند از پرسشنامه‌های مقیاس خود کارآمدی عمومی (بوسچر و اسمیت ۱۹۹۸)، مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ (۱۹۷۹، ۱۹۶۵)، انگیزش پیشرفت هرمنس (۱۹۷۰). داده‌ها به کمک آزمون تی و رگرسیون سلسله‌مراتبی چندگانه تحلیل شدند. نتایج تحقیق نشان داده است که زنان شاغل از نظر عزت نفس ($P < ۰/۰۱$) خودکارآمدی ($P < ۰/۰۱$)، انگیزه موفقیت ($P < ۰/۰۰۱$) با زنان غیرشاغل تفاوت دارند. همچنین تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که تحصیلات و درآمد توانسته‌اند ۱۷/۹ درصد از واریانس متغیر عوامل روانی اشتغال بانوان را تبیین نمایند.

واژگان کلیدی: اشتغال، عزت‌نفس، خودکارآمدی، انگیزه موفقیت، زنان.

۱. کارشناسی ارشد جامعه شناسی somayyajesmani@gmail.com

بررسی عوامل مؤثر بر نگرش جامعه در خصوص دلایل گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی

عادل عبدالهی[۱]، مهسا سعادتی[۲]، آرزو باقری[۳]

چکیده

تفسیر گرایش گروه‌های مختلف، از جمله زنان، به فعالیت‌های اقتصادی و پیامدهای آن متأثر از بسترهای اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه و همچنین جهان‌بینی افراد نسبت به جایگاه زنان در آن است. از این‌رو، بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی از دیدگاه جامعه می‌تواند حائز اهمیت باشد. جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش، شامل زنان و مردان ۱۵ ساله و بیشتر هَوارمانی است که در سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت این گروه سنی ۷۲۷۵ نفر (حدوداً ۷۶ درصد) بود. ۳۸۷ نمونه با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب و ابزار پرسشنامه ساختاریافته گردآوری شد، ۵۰/۶ درصد نمونه را مردان، ۵۷/۴ درصد را متأهلین و ۴۵/۷ درصد را شاغلان تشکیل دادند. گویه‌های سنجش دلایل زنان به فعالیت‌های اقتصادی شامل رسیدن به استقلال مالی، کسب وجهه اجتماعی، مشارکت در تأمین هزینه‌های زندگی به دلیل افزایش این هزینه‌ها طی سال‌های اخیر، پیروی از آداب و رسوم خانوادگی، نداشتن شغلی دیگر و گذران اوقات فراغت بودند. هدف اصلی مقاله حاضر بررسی تأثیر متغیرهای سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، وضع فعالیت و جنس بر روی دلایل گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی بود که سطوح مختلف وضع فعالیت (p= ۰/۰۰۳- مقدار) و وضعیت تأهل برای هر دو جنس (p= ۰/۰۰۱- مقدار) از نظر آماری معنی‌دار بود. نتایج نشان داد که زنان به نسبت مردان شاغل، دانش‌آموز و مجرد، میانگین نگرش جامعه در خصوص دلایل گرایش زنان به فعالیت‌های اقتصادی بزرگتری داشتند.

واژگان کلیدی: زنان، کنش‌های اقتصادی، استقلال مالی، کسب وجهه اجتماعی، هورامان.

---

۱. دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه و استادیار پژوهشی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، Abdolahi1980@gmail.com

۲. دکترای آمار زیستی و استادیار پژوهشی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور mahsa.saadati@gmail.com

۳. دکترای آمار کاربردی و استادیار پژوهشی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور abagheri_000@yahoo.com

بررسی نیروی کار ایران در نیم قرن اخیر با رویکرد جنسیتی

الهام فتحی[۱]

چکیده

جهان درحالی که در نیم قرن اخیر، تحولات شگرفی را در حوزه‌های مختلف علمی و اجتماعی و فرهنگی پشت سرگذاشته، اما شکاف جنسیتی در سطح بین‌المللی به چشم می‌خورد. زنان نزدیک به نیمی از جمعیت جهان را تشکیل داده‌اند، لیکن هنوز حضور آنان در بازار کار کمرنگ است. در دهه‌های اخیر سازمان‌های بین‌المللی به نابرابری زن و مرد در بازار کار بیش از پیش توجه نموده و آمارهای مختلف نیز این شکاف جنسیتی را در سطح جهانی آشکار می‌نماید. هدف از مقاله‌ی حاضر ارائه تصویر و تحلیلی از تحولات روند نیروی کار زنان و مردان ایران طی نیم قرن اخیر می‌باشد. روش تحقیق مطالعه‌ی اکتشافی و توصیفی است. این تحقیق ابتدا دیدگاه آمارهای جنسیت و سپس مفاهیم و شاخص‌های نیروی کار را معرفی نموده و در ادامه روند تحولات نیروی کار ایران را در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ با تاکید بر آمارهای جنسیتی ارائه می‌نماید. منابع این بررسی عمدتا نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ می‌باشد. بررسی حاضر نشان می-دهد هرچند که در بستر تاریخ همواره بالاترین نرخ بیکاری به زنان تعلق داشته اما زنان شاغل از توانایی‌های تحصیلی و تخصصی بالاتری نسبت به مردان شاغل برخوردار بوده‌اند. شکاف جنسیتی در مشاغل دستمزدی بیش از مشاغل بدون دستمزد بوده و در سال‌های اخیر همواره در حال کاهش می‌باشد. شکاف جنسیتی در نیروی کار ایران وجود دارد، گرچه در سال‌های اخیر تمهیداتی در خصوص کاهش این فاصله صورت گرفته اما لازم است که سرعت این تمهیدات و تصمیم‌گیری‌ها شتاب بیشتری به خود گیرد. بدیهی است کاهش این شکاف از جمله عوامل موثر در توسعه منابع انسانی و توسعه‌ی پایدار می‌باشد.

واژگان کلیدی: نیروی کار، آمار جنسیت، منابع انسانی، بازار کار، نرخ بیکاری.

۱. کارشناس ارشد جمعیت شناسی، کارشناس مرکز آمار ایران Fathiel@yahoo.com

نگرش زنان کُرد شهرستان‌های ایلام و کامیاران نسبت به اشتغال زن در فعّالیت‌های خارج از منزل

حاتم حسینی[۱]، عبّاس عسکری ندوشن[۲]، فرشته نوروزی[۳]، ناهید مرادی[۴]

چکیده

واقعیّت‌های جهان معاصر حکایت از ورود زنان به حوزه‌ی دانش، پژوهش و فناوری، دست‌یابی به توانایی‌های بالای علمی و تحصیل هنرها و مهارت‌های مهمّ صنعتی و فنّی دارد. در پی این تحوّلات، دگرگونی‌های بسیاری در گستره‌ی زندگی اجتماعی و نگرش و رفتار زنان نسبت به مشارکت در بازار کار و اشتغال در فعّالیت‌های خارج از منزل به وجود آمده است. هدف از این مقاله، بررسی و تبیین نگرش زنان کُرد شهرستان‌های ایلام و کامیاران نسبت به اشتغال زن در فعّالیت‌های خارج از منزل است. داده‌ها از طریق پیمایشی که در تیر و مرداد ماه ۱۳۹۳ در شهرستان‌های ایلام و کامیاران و در میان نمونه‌ای بالغ بر ۱۲۲۴ خانوار انجام شد، گردآوری شده است. نتایج نشان می‌دهد که زنان کُرد شهرستان کامیاران در مقایسه با همتایان خود در شهرستان ایلام بیش‌تر موافق اشتغال زن در فعّالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خارج از منزل می‌باشند (۶۶ درصد در مقابل ۳۹/۱ درصد). نتایج تحلیل‌های چند متغیّره نشان داد که در شهرستان ایلام استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و سنّ زن به هنگام بررسی و در کامیاران تحصیلات زن، وضعیّت اشتغال زن، بُعد خانوار و سنّ زن به هنگام بررسی به ترتیب تأثیر تعیین‌کننده‌ای در تبیین نگرش زنان نسبت به اشتغال زن در فعّالیت‌های خارج از منزل دارند. از آنجا که زنان نیمی از جمعیّت واقع در سنین کار و فعّالیت اقتصادی را تشکیل می‌دهند، بهره‌مندی از فرصت‌های برآمده از دریچه‌ی جمعیّتی و دستیابی به سود جمعیّتی اوّل از طرفی، و از سوی دیگر، کاهش مسائل مبتلا به زنان در دوران پیری و سالمندی، مستلزم افزایش آگاهی‌های عمومی از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی، ارتقاء کیفیّت نیروی انسانی زن از طریق توسعه‌ی آموزش و توانمندسازی زنان، و نیز فراهم‌کردن شرایطی برای ایجاد توازن بین کار و فرزندآوری به منظور توسعه‌ی مشارکت زنان در بازار کار است.

واژگان کلیدی: اشتغال، زنان کُرد، استقلال زنان، نگرش، رسانه‌ها، ایلام، کامیاران.

---

۱. دانشیار جمعیّت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا h-hosseini@basu.ac.ir
۲. استادیار جمعیّت‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه یزد aaskarin@yazduni.ac.ir
۳. کارشناسی ارشد جمعیّت‌شناسی دانشگاه یزد f_noruzi1391@yahoo.com
۴. کارشناسی ارشد جمعیّت‌شناسی دانشگاه یزد nahid.moradi64@yahoo.com

بررسی موانع اشتغال و پیامدهای بیکاری از دیدگاه جوانان استان خوزستان

حسین ملتفت[۱]، عزیز حزباوی[۲]

چکیده

امروزه یکی از نیازها و دغدغه‌های اساسی جوانان یافتن شغل است. داشتن شغل برای جوانان نه فقط برای کسب درآمد است، بلکه از این طریق نقش‌های اجتماعی آنها شکل گرفته و باعث هویت-یابی آنها می‌شود. حال آمارهای رسمی کشور حاکی از بالا بودن میزان بیکاری در بین جوانان می-باشد؛ بر این اساس مقاله حاضر به دنبال بررسی موانع اشتغال و پیامدهای بیکاری از دیدگاه جوانان استان خوزستان می‌باشد. این پژوهش در سال ۱۳۹۳ و در پنج شهر اهواز، ماهشهر، هویزه، باغملک و دزفول در میان جوانان ۳۰- ۱۹ ساله با حجم نمونه ۹۳۳ نفر اجرا گردید. روش پژوهش از نوع پیمایشی و گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه بوده است. اهم یافته‌های پژوهش به قرار ذیل است. تفاوت معناداری بین پاسخگویان مجرد و متأهل به لحاظ موانع اشتغال وجود ندارد و هر دو گروه بطور مشابه درگیر این مسأله هستند. بین میزان تحصیلات پاسخگویان و موانع اشتغال رابطه معناداری وجود دارد و هر چه میزان تحصیلات افزایش می یابد موانع بیکاری کاهش می‌یابد. بین موانع اشتغال و شهرستان محل زندگی تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، موانع اشتغال به سه دسته فردی، اجتماعی و اقتصادی می‌توان تقسیم نمود و در همین راستا نتایج نشان می‌دهد که تفاوت بین زنان و مردان معنادار است و در بین زنان موانع بیشتر است. بیکاری جوانان پیامدهایی از جمله پایین بودن احساس ارزشمندی در جامعه، پایین بودن مشارکت اجتماعی - سیاسی، تمایل به مهاجرت خارج از کشور، پایین بودن احساس تعلق به جامعه و ... داشته است که مقایسه بین پاسخگویان مجرد و متأهل از نظر اثرات این پیامدها نشان از بالاتر بودن اثرات این پیامدها در بین افراد مجرد است.

واژگان کلیدی: بیکاری، پیامدهای بیکاری، جوانان، موانع اشتغال.

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز Moltafet_h@scu.ac.ir
۲. مربی گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز Ahazbavi@gmail.com

مرور نظام‌مند مطالعات انجام شده در حوزه جمعیت، نیروی کار و اشتغال در نشریه‌های ملی و بین‌المللی: شکاف‌ها، اولویت‌ها و سیاست‌ها

نادر مطیع حق‌شناس[۱]، قربان حسینی[۲]، علی رحیمی[۳]

چکیده

تردیدی نیست که یکی از مسایل اساسی جوامع جهان معاصر، اشتغال و مسایل مرتبط با آن می‌باشد. در اکثر کشورهای جهان، علی‌رغم پیشرفت شاخص‌های توسعه انسانی، اما به دلیل عدم وجود تعادل در ساختارهای جغرافیایی، اقتصادی – اجتماعی، سیاسی و جمعیتی، اشتغال و توسعه سرمایه انسانی با مشکلات اساسی مواجه شده است. هدف اصلی این مقاله، مرور نظام‌مند و پیشینه پژوهی مطالعات انجام شده در بخش منابع داخلی و خارجی در حوزهٔ جمعیت و نیروی کار با تأکید بر ایران می‌باشد. به عبارت دیگر، ارزیابی و تشخیص کم وکسری مطالعات انجام شده در حوزه پویایی های جمعیت و تحولات نیروی کار درجهان و ایران می باشد. روش پژوهش به شیوه اسنادی بوده و تعداد ۶۱۱ سند علمی مورد ارزیابی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل اسناد در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول، چکیده موضوعات مرتبط و ارایه شده در مجلات و مجموعه مقالات کنفرانس های بین‌المللی و نیز پانل‌های تخصصی مرتبط مورد بررسی قرار گرفت، سپس در مرحله دوم، آنها بر حسب طبقه‌بندی موضوعی در پنج طبقه و سه یا چهار زیرشاخه قرار داده شد. مزیت این کار، شناسایی خلاءهای تحقیقاتی با رویکرد مسأله‌محور و در راستای تعیین اولویت‌های تحقیقاتی برای محققان و مؤسسات پژوهشی است. نتایج نشان دادکه بیشترین تعداد مطالعات تجربی مربوط به محور اول شامل جمعیت، ویژگی‌های جمعیتی و تغییرات نیروی کار می‌باشد که با ۳۴۷ سند بیش از ۷۰ درصد تحقیقات را به خود اختصاص داده است. در مقابل، کمترین تحقیقات تجربی مربوط به محور پنجم شامل جمعیت، چالش‌ها و مسائل اشتغال فرامرزی بوده که ۲۲ سند تحقیقاتی را به خود اختصاص داده بودند. این امر، نیاز به رصد و انجام مطالعات کاربردی با رویکرد مسأله‌محور در کشور ایران را ایجاب می‌کند.

واژگان کلیدی: جمعیت، نیروی کار، اشتغال، مرور نظام‌مند.

---

۱. عضو هیأت علمی گروه جمعیت ، منابع ، اشتغال و بهره‌وری، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور و دانشجوی دکتری جمعیت شناسی دانشگاه تهران nmhaghshenas@ut.ac.ir

۲. کارشناس پژوهشی، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور

۳. کارشناس پژوهشی، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور

تأثیر سیاست‌های سمت تقاضا بر تقاضای نیروی کار در ایران

ابوالفضل شاه آبادی[۱]، راضیه داوری کیش[۲]، فریبا مهری[۳]

چکیده

کاهش بیکاری، به عنوان شاخص‌های رشد اقتصادی جوامع تلقی می‌شود چرا که رشد اقتصادی نیازمند استفاده حداکثری از منابع تولید است. علاوه بر آن، نیروی انسانی نقشی دوگانه در برنامه-ریزی‌های اقتصادی ایفا می‌کند؛ زیرا از یک‌سو، به عنوان عامل توسعه و از سوی دیگر، به عنوان هدف توسعه مطرح است، بنابراین در برنامه‌ریزی‌های کلان اهمیت چشم‌گیری یافت. با توجه به شکاف موجود بین عرضه و تقاضای نیروی کار به میزان ۲ میلیون و ۷۲۹ هزار بیکار، در سال ۱۳۹۴ یعنی انتهای برنامه پنجم توسعه و همچنین، اهمیت سیاست‌های سمت تقاضا (پولی، مالی، ارزی و تجاری) در کاهش نرخ بیکاری، تاکنون سیاست‌های اتخاذ شده نتوانسته مؤثر و کارآمد باشد، لذا در این پژوهش به برررسی تأثیر سیاست‌های سمت تقاضا بر تقاضای نیروی کار در ایران پرداخته و تلاش گردیده با تجزیه و تحلیل آماری سال‌های بعد از انقلاب اسلامی طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۶۸ در قالب برنامه‌های توسعه و محاسبه ضریب همبستگی به بررسی علت موضوع بپردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در دوره مورد مطالعه سیاست‌های سمت تقاضا نه تنها در ایجاد اشتغال موفق نبوده بلکه به پشتوانه درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت موجب اشتغال‌زایی برای شرکای تجاری گردیده است و به بیان دیگر این سیاست‌ها با انحراف جدی در قیمت نسبی عوامل تولید و انحراف در قیمت نسبی تولیدات داخلی به کالاهای وارداتی موجب انحراف رفتار فعالین اقتصادی و همراستا نبودن منافع شخصی فعالین اقتصادی با منافع اجتماعی گردیده است. به بیان دیگر سیاست‌های سمت تقاضا نه تنها در قالب تحقق رشد درون‌زا و بسترساز اقتصاد دانش‌بنیان و اشتغال نبوده است. بلکه در اکثر مواقع مانع ایجاد اشتغال بوده است. لذا براساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌گردد برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کلان اقتصادی، سیاست‌های سمت تقاضا را در جهت ایجاد بسترهای لازم شکل گیری و تقویت اقتصاد دانش‌بنیان در راستای افزایش قدرت رقابت‌پذیری تولیدات داخلی در بازارهای داخلی و بین‌المللی و گسترش زمینه‌های اشتغال به کار گیرند.

واژگان کلیدی: سیاست‌های سمت تقاضا، تقاضای نیروی کار، اشتغال، بیکاری، ایران.

---

۱. دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا همدان ab.shahabadi@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا همدان
۳. کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا همدان

مطالعه تطبیقی سیاستهای بازار کار در کشورهای منتخب

محمدرضا کارگر شورکی[۱]، ربابه سادات رازقی نصرآباد[۲]، طیبه چگینی[۳]

چکیده

بیکاری و عدم تعادل میان عرضه و تقاضای بازار کار دارای انواع مختلفی است. نظر به پیامدهای اقتصادی اجتماعی و سیاسی زیادی که بیکاری به دنبال دارد، در بسیاری از کشورها سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای ایجاد اشتعال و ایجاد تعادل در بازار کار در اولویت دولتها قرار دارد. مقابله با هر یک از انواع بیکاری، مستلزم طراحی و اجرای سیاستهای خاص و متناسب است. بسیاری از کشورها برای کاهش بیکاری و در مقابل افزایش اشتغال، انواعی از سیاستها شامل سیاستهای کلان اقتصادی، سیاستهای فعال بازار کار، سیاستهای تنظیمی بازار کار و سیاستهای حمایتی را بکار می-گیرند. در این مقاله تلاش شد ضمن بررسی انواع سیاستها تجربه سایر کشورها در زمینه سیاست-گذاری و مدیریت بازارکار بررسی شود. بررسی سیاست‌های مؤثر بر بازار کار در کشورهای منتخب در این مقاله نشان داد سیاست‌های فعال به طور خاص برای کاهش بیکاری و افزایش اشتغال در مقایسه با سیاست‌های دیگر بیشتر مورد تاکید بوده به گونه‌ای که در بسیاری از کشورهای پیشرفته بیش از یک درصد تولید ناخالص داخلی صرف سیاست‌های فعال از جمله آموزشهای مهارتی، مشوق‌های شغلی، ایجاد اشتغال مستقیم و حمایت از خود اشتغالی می‌شود.

واژگان کلیدی: بیکاری، اشتغال، سیاست‌گذاری، بازار کار.

۱. مدیر کل سیاستگذاری و توسعه اشتغال، وزارت تعاون کار و رفاه karegar@mcls.gov.ir
۲. کارشناس ارشد علوم اقتصادی razeghi1989@gmail.com
۳. کارشناس بازار کار و کارشناس ارشد آمار tcheginist@gmail.com

انقلاب صنعتی چهارم و تحولات بازار کار و اشتغال

حسین ضرغامی[۱]

چکیده

نشست جهانی اقتصاد در آخرین مورد خود به بحث در مورد مفهوم جدیدی به نام انقلاب صنعتی چهارم توسط کلاوس شواب پرداخته است. این انقلاب مبتنی بر سیستم‌های فیزیکی سایبری است و در آن نقش مواردی همچون هوش مصنوعی، اینترنت اشیاء و مواردی مثل آن بسیار پررنگ خواهد بود. این تغییرات بسیاری از جنبه‌های زندگی بشر را تغییر خواهد داد. یکی از مهمترین آنها، وضعیت بازار کار و اشتغال است. سوالی که مطرح می‌شود این است که تاثیرات این انقلاب صنعتی در حال وقوع بر نیازهای بازار کار و اشتغال تا چه حد و چگونه است؟ روندها تا کنون چگونه بوده و در آینده به کدام سمت خواهد رفت. روش انجام مطالعه به صورت توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر اسناد مکتوب می‌باشد. مبنای مقاله کار کلاوس شواب و مفاهیم مرتبط با انقلاب صنعتی چهارم است. سه مقاله دیگر در این زمینه نیز مورد بررسی قرار گرفته و به عنوان منبع اصلی مطالب به کار گرفته شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که طی سالهای آینده باید شاهد تغییرات اساسی در بازار کار و نیازهای مرتبط با نیروی انسانی و اشتغال باشیم. انتظار می‌رود که در سال‌های آینده بخشی از نیروی کار به واسطه خودکاری بیشتر در صنایع و اقتصاد بیکار شده و در مقابل بخشی از نیروی کار در مشاغل جدید و نوظهور جذب گردند. در ترکیب نیروی کار نیز تحولات معناداری رخ خواهد داد. قطبی شدن مهارت‌ها یعنی در یک قسمت بخش زیادی از نیروی کار با مهارت‌های پایین و در مقابل بخش کمی با مهارت بسیار بالا پدید خواهد آمد. پیش‌بینی می‌شود که اقتصاد و انجام فعالیت‌های مربوطه بیش از هر زمانی دیگری مبتنی بر شبکه‌های اینترنتی، هوش مصنوعی و روباتیک گردد که خود این چالش‌ها و فرصت‌های بیشماری را برای افراد پدید خواهد آورد. در ایران روند تغییرات نیز سریع خواهد بود. کشور ما در حوزه‌های مرتبط با انقلاب صنعتی چهارم جزو کشورهای پیشرو منطقه به حساب می‌آید. تغییراتی که هم‌اکنون در بازار اشتغال رخ داده است را می‌توان در راستای انقلاب صنعتی چهارم دانست. مشاغل در حوزه اینترنت و ارتباطات رشد چشمگیری یافته و به نظر می‌رسد باید منتظر یک جابجایی بزرگ در مشاغل باشیم.

واژگان کلیدی: انقلاب چهارم صنعتی، هوش مصنوعی، رباتیک، تغییر مشاغل.

---

۱. دکتری جمعیت‌شناسی از دانشگاه تهران ho.zarghami@gmail.com

توجه: مقاله حاضر عمدتا ترجمه بخش‌هایی از چهار مقاله (به جز گیدنز) انتهای این نوشته می‌باشد، به همین خاطر از ذکر منابع در متن اصلی خودداری شده و تنها به معرفی آنها در انتهای مقاله بسنده شده است.

بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات با تأکید بر ثبات سیاسی در ایران

دکتر حبیب انصاری سامانی[۱]، ربابه خیل کردی[۲]

چکیده

هدف این مقاله تعیین اثر مهمترین عوامل تعیین کننده اشتغال بخشی و ثبات سیاسی براشتغال بخش‌های مختلف اقتصاد ایران از جمله کشاورزی، صنعت و خدمات است. برای این منظور از داده‌های سالانه طی دوره (۱۳۹۲-۱۳۶۴) برای ایران و تکنیک اقتصادسنجی رگرسیون به ظاهر نامرتبط (Sur) استفاده شده است. نتایج نشان داده است که شاخص ثبات سیاسی در ایران در دوره مورد مطالعه رابطه مستقیم و معناداری با اشتغال بخش‌های مختلف داشته است. به این ترتیب که در بخش کشاورزی زمانی که شاخص ثبات سیاسی یک درصد بهبود می‌یابد اشتغال این بخش افزایش ۰,۲۳ درصدی را تجربه می‌کند. اشتغال بخش صنعت به میزان ۰,۳۶ درصد افزایش یافته و بخش خدمات نیز با افزایش ۰,۲۶ درصدی در اشتغال مواجه می‌شود و این علاوه بر تاثیر قابل‌توجه ثبات سیاسی بر اشتغال بخش‌ها، نشان دهنده‌ی این است که اشتغال بخش صنعت بیشتر از سایر بخش‌ها (کشاورزی و خدمات) از شاخص ثبات سیاسی تأثیر می‌پذیرد.

واژگان کلیدی: شاخص ثبات سیاسی، اشتغال بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات، رگرسیون به ظاهر نامرتبط.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه یزد ha.ansarisa@gmail.com
۲. کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه ولیعصر(ع) رفسنجان r.khilkordi@gmail.com

بررسی اثر سالخوردگی جمعیت بر رشد اقتصادی در ایران طی دوره ۱۳۹۱-۱۳۶۲

فاطمه کرمپور[۱]، علی دهقانی[۲]

چکیده

سالخوردگی جمعیت و پیامدهای ناشی از آن در بسیاری از کشورهای جهان به یک چالش کلیدی تبدیل شده است و جنبه‌های مختلف این پدیده مورد توجه محققان حوزه‌های مختلف قرار گرفته است. کشور ما در حال حاضر در مرحله انتقال ساختار سنی جمعیت از جوانی به سمت سالخوردگی است، این تغییر ساختار سنی می‌تواند اثرات مهم و تعیین‌کننده‌ای بر متغیرهای اقتصادی از جمله رشد اقتصادی، درآمد سرانه و اشتغال داشته باشد؛ از طرفی یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرپذیر از جمعیت، رشد اقتصادی است. بدلیل ارتباط تنگاتنگ این دو عامل اجتماعی و اقتصادی در بررسی و تجزیه و تحلیل بسیاری از فعالیت ها باید به تغییرات و ساختار این عوامل توجه ویژه شود. هدف پژوهش حاضر نشان دادن تأثیر سالخوردگی جمعیت بر رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های سری زمانی دوره ۱۳۹۱-۱۳۶۲ می‌باشد. نتایج حاصل از تخمین مدل با روش VAR نشان از اثر منفی سالخوردگی بر رشد اقتصادی طی دوره مورد مطالعه دارد بطوریکه یک درصد افزایش در جمعیت سالخورده، تولید ناخالص داخلی ۱,۰۴ درصد کاهش می‌دهد. نتیجه بدست آمده با توجه به روند رو به افزایش شمار سالمندان و کاهش نرخ رشد جمعیت کشور در سال‌های گذشته، هشداری در جهت توجه و برنامه‌ریزی برای کنترل این پدیده جمعیتی است.

واژگان کلیدی: سالخوردگی جمعیت ، تولید ناخالص داخلی ، روش VAR[۳].

طبقه بندی JEL : C32,E20,J11,O40

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی سیستم‌های اقتصادی، دانشگاه صنعتی شاهرود.

۲. دانشیار اقتصاد دانشکده صنایع و مدیریت، دانشگاه صنعتی شاهرود Dehghani30@gmail.com

3 .Vector Auto Regression

بررسی رابطه کیفیت زندگی با میزان فرسودگی شغلی
(مطالعه موردی زنان شاغل در دانشگاه علوم پزشکی بابل)

ابوالقاسم حیدرآبادی[۱]، سیده سمیه مجتبوی[۲]

چکیده

موضوع تحلیل قوای کارکنان یا فرسودگی شغلی در حال حاضر یک مشکل شایع در مشاغل مخلتف خدماتی است. هدف از این پژوهش شناخت و بررسی رابطه کیفیت زندگی با میزان فرسودگی شغلی (مطالعه موردی زنان شاغل در دانشگاه علوم پزشکی بابل) می‌باشد. روش تحقیق، پیمایشی و واحد تحلیل فرد پاسخگو است. شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی ساده است و حجم نمونه طبق فرمول کوکران ۲۵۰ نفر می‌باشد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه استاندارد و محقق ساخته است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، ضریب همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی اسپیرمن و تحلیل رگرسیون چندمتغیره با استفاده از نرم‌افزار SPSS است. از اعتبار صوری جهت سنجش اعتبار (روایی) استفاده شد و ضریب آلفای کرونباخ (اعتماد یا پایایی) برای متغیرهای کیفیت زندگی و فرسودگی شغلی برابر با ۰/۹۱۴ و ۰/۸۵۰ است. بین کیفیت زندگی با میزان فرسودگی شغلی رابطه منفی و معکوس وجود دارد. بین مولفه‌های توسعه قابلیتهای انسانی، تامین فرصت رشد و امنیت مداوم، یکپارچگی و انسجام اجتماعی در سازمان، فضای کلی زندگی و قانون‌گرایی در سازمان با فرسودگی شغلی رابطه و همبستگی منفی و معکوس وجود دارد. اما بین مولفه‌های پرداخت منصفانه و کافی، وابستگی اجتماعی زندگی کاری و محیط کاری ایمن و بهداشتی با فرسودگی شغلی همبستگی معنادار وجود ندارد. تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که ۲۸/۸ درصد از تغییرات فرسودگی شغلی به کیفیت زندگی مربوط می‌شود. نتایج نشانگر کیفیت زندگی در حد متوسط به پایین و همچنین میزان متوسط به پایین در متغیر فرسودگی شغلی است. هرچه کیفیت زندگی در بین کارکنان بیشتر شود، میزان فرسودگی شغلی در بین آنان کمتر است و برعکس هرچه کیفیت زندگی پایین‌تر باشد، میزان فرسودگی شغلی افزایش می‌یابد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی کاری، فرسودگی شغلی، زنان شاغل، ابعاد هشت‌گانه کیفیت زندگی و محیط کاری

---

۱. استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل ashahin2000@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، حسابدار دانشگاه علوم پزشکی بابل smkobi@yahoo.com

آسیب‌پذیری کودکان خیابانی در شهر یزد

مرجان صباغچی[۱]، منیره میرجلیلی،[۲] مریم صباغچی

چکیده

یکی از آسیب‌های جدی که جوامع درحال توسعه از جمله جامعه ایران را تهدید می‌کند، گسترش روزافزون کودکان خیابانی است که بدلایل گوناگون، بخشی یا همه اوقات خود را در خیابان‌ها سپری می‌کنند و عمدتاً از طریق تکدی‌گری، بزهکاری، شغل‌های کاذب فصلی و ... امرار معاش می‌کنند. مطالعه حاضر با هدف بررسی آسیب‌پذیری کودکان خیابانی در شهر یزد انجام گرفت. جامعه آماری، کودکان خیابانی در سطح شهر یزد در سال ۱۳۹۴ بودند که به صورت تصادفی ۱۰۰ کودک مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های توصیفی نشان داد که ۸۴ درصد از پاسخگویان را پسران و ۱۶ درصد را دختران تشکیل می‌دهند. میانگین سن پاسخگویان ۱۳/۸۱ سال و میانگین تحصیلات ۴/۱۸ کلاس و بیشترین فراوانی مربوط به ۵ کلاس تحصیلات می‌باشد. با توجه به نتایج حاصل از یافته‌های استنباطی، بین سن و میزان آسیب حضور در خیابان رابطه وجود ندارد. نتیجه دیگر تحقیق، وجود تفاوت معنادار در میزان آسیب‌پذیری در دختران و پسرانی که در خیابان‌ها مشغول به کار هستند می‌باشد و پسران در معرض آسیب بیشتری نسبت به دختران قرار دارند. از دیگر نتایج تحقیق عدم وجود تفاوت معنادار در بین نوع فعالیّت کودک و میزان آسیب‌پذیری آن‌ها می‌باشد؛ درحالی که، بین علل حضور در خیابان و میزان آسیب حضور در خیابان تفاوت وجود دارد.

واژگان کلیدی: آسیب پذیری، کودکان خیابانی، جنس، علل کارکردن، یزد.

۱. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی- دانشگاه یزد marjan_sabaghchi@yahoo.com
۲. کارشناسی خدمات اجتماعی- دانشگاه یزد moniremirjalili@gmail.com

اقتصاد سیاسی جمعیت در ایران با تأکید بر مقولهٔ بیکاری

مهدی رضائی[۱]

چکیده

پدیدهٔ بیکاری امروزه یکی از معضلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران است. این نه یک مسئلهٔ نوظهور بلکه مسئله‌ای است که بیش از سه دهه است که گریبان‌گیر سیاست و اقتصاد در ایران است و تمامی دولت‌های از آن به عنوان اولویت سیاست‌گذاریهای خود یاد کرده‌اند. انتساب این مسئله صرفاً به تحولات ساختار جمعیت نوعی تقلیل‌گرایی است و تقلیل آن به حوزهٔ اقتصاد هم نوعی کوته‌بینی است. در بررسی این مسئله بیش از هر چیز بایستی نگرشی چندبعدی داشته و تلاش کرد نیروهای متفاوت مرتبط به هم در این عرصه را واکاوی نمود. رویکرد اقتصاد سیاسی به عنوان رویکردی میان‌رشته‌ای در بسیاری از حوزه‌ها ازجمله حوزهٔ جمعیت‌شناسی به اشکال گوناگونی مورد استفاده قرار گرفته است. بکارگیری این رویکرد برای تحلیل مسئلهٔ بیکاری (به عنوان یک مسئلهٔ اجتماعی ـ جمعیتی) می‌تواند نگرشی متفاوت از مسئله ارائه نماید. بر اساس بینش اقتصاد سیاسی، مسئلهٔ بیکاری می‌تواند به شدت تحت تأثیر روابط اقتصادی درون نهاد سیاست و روابط سیاسی حاکم بر نهاد اقتصاد و نیروهای اقتصادی باشد. جمعیت چندمیلیونی بیکار اگر از یک جهت حاصل تحول ساختار جمعیت باشد (که آنهم خود متأثر از سیاست/ قدرت در گذشته بوده است) اما در سایر جوانب می‌تواند حاصل رقابت‌های اقتصادی ـ سیاسی در عرصه‌های تعریف مسئلهٔ بیکاری، سیاستگذاری، قانونگذاری، توسعهٔ نابرابر منطقه‌ای، بزرگ‌شدن حجم دولت، رقابت/همسویی دولت و مجلس، رانتجویی نیروهای دولت ـ مجلس بویژه در عرصهٔ بودجه‌ریزی، نیروهای فشار در سطوح مختلف، تضعیف بخش خصوصی، وابستگی به درآمد نفت و استقلال نسبی از مالیات، فاکتورهای قومی ـ مذهبی، اقتصاد سایه، انتخابات و ... باشد. این مقاله خاطرنشان می‌سازد که ماندگاری بیکاری در طول چندین دهه در ایران به عنوان یک معضل، معلول ماهیت اقتصاد سیاسی دولت‌مدار ایران است. این نوع اقتصاد سیاسی به شدت بر ماندگاری این مسئله تأثیرگذار بوده است. بنابراین ماندگاری اقتصاد سیاسی مذکور لاجرم ماندگاری مسئلهٔ بیکاری را در آینده نیز به دنبال خواهد داشت.

واژگان کلیدی: بیکاری، اقتصاد سیاسی، ساختار جمعیت، اقتصاد سایه، توسعهٔ نابرابر.

---

۱. دکتری جمعیت‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور ـ آذربایجان غربی.

تأثیر اندازه دولت بر بیکاری: بررسی منحنی آبرامز در استان‌های ایران

حبیب انصاری سامانی[۱]، ربابه خیل کردی[۲]، راضیه سادات داوودی[۳]

چکیده

بیکاری یکی از مهمترین چالش‌های پیش روی اقتصاد ایران به شمار می‌رود که بر عملکرد اقتصاد و جامعه اثرگذار است. هدف این مطالعه بررسی رابطه بین اندازه دولت و نرخ بیکاری بر اساس منحنی آبرامز است. برای این منظور از داده‌های سالانه ۱۳۹۲-۱۳۸۰برای استان‌های کشور و روش اقتصاد سنجی پویای پانلی و تخمین زننده‌ی Dols برای بررسی سوالات تحقیق استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تورم در بلندمدت و کوتاه مدت رابطه معکوسی با نرخ بیکاری دارد. همچنین نرخ رشد تولید رابطه منفی و معنی داری در بلند مدت با بیکاری دارد. بر خلاف تئوری اقتصاد کلاسیکی، این تحقیق شواهدی را برای تایید نظریه منحنی آبرامز در کوتاه مدت و بلند مدت نمی یابد. در مقابل، اثر بلند مدت و منفی مخارج عمرانی استانی بر بیکاری استانی نشان می دهد که دولت می تواند با افزایش مخارج عمرانی و تامین زیرساخت‌ها در بلند مدت باعث ایجاد اشتغال شود. در عین حال مخارج جاری دولت نه در بلندمدت و نه در کوتاه مدت رابطه معناداری با بیکاری ندارد.

واژگان کلیدی: نرخ بیکاری، اندازه دولت، منحنی آبرامز، داده‌های تابلویی، مدل تصحیح خطا.

طبقه بندی:JEL: C22، C23،H11، E24

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه یزد ha.ansarisa@gmail.com
۲. کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه ولیعصر(ع) رفسنجان r.khilkordi@gmail.com
۳. کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه یزد Razidav@yahoo.com

ارزیابی عوامل موثر بر رشد اشتغال در بخش صنعت ایران

دکتر منصور عسگری[۱]

چکیده

شرایط فعلی حاکم بر اقتصاد ایران که تا حدود زیادی حاصل تشدید تحریم‌های اقتصادی و ضرورت پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی از طریق افزایش حمایت از تولیدات داخلی، تلاش در راستای فراهم کردن زیر ساخت‌های مناسب تولید به‌ویژه در بخش صنعت، سبب شده است که این بخش مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته که یکی از موضوعات مهم آن، مسئله اشتغال و عملکرد متغیرهای مرتبط بر اشتغال در این بخش است. از سوی دیگر، بازار کار در اقتصاد ایران به دلایل مختلف اقتصادی و اجتماعی دارای اهمیت ویژه‌ای است به گونه‌ای در سال‌های اخیر همواره عرضه نیروی کار بر تقاضای آن فزونی داشته است که این مسئله در آینده دارای ابعاد وسیع‌تری نیز خواهد شد که ضرورت ارزیابی و تجزیه و تحلیل عوامل موثر بر اشتغال را بیان می‌کند. هم‌چنین، بازار کار به دلیل تاثیرپذیری از سایر بازارهای اقتصادی و هم‌چنین موثر بودن بر آن‌ها یکی از بازارهای مهم چهارگانه در اقتصاد است که در آن، تعادل و عدم تعادل عرضه و تقاضای نیروی یکی از شاخص‌های مهم عملکردی اقتصاد کلان در هر کشوری است. از سوی دیگر، اشتغال در بنگاه‌های صنعتی و بخش صنعت تابع متغیرهای اقتصاد کلان و متغیرهای عملکردی هر بنگاه است که در تعادل و عدم تعادل بازار کار سهم قابل ملاحظه‌ای دارد. لذا با توجه اهمیت اشتغال در بخش صنعت کشور، این مقاله به ارزیابی عوامل موثر بر رشد اشتغال در بخش‌های ۲۲ گانه صنعتی به تفکیک کدهای چهار رقمی ISIC در طی دوره ۹۲-۱۳۸۳ با استفاده روش اقتصادسنجی پانل دیتا می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای ارزش افزوده و دستمزد از سایر متغیرهای موثر بر اشتغال دارای سهم بیشتری است.

واژگان کلیدی: اشتغال، بخش صنعت، پانل دیتا و ایران.

طبقه بندی,L60 J20, JEL C23

---

۱. استادیار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

تحولات جمعیتی و روند اصلاح سیاست‌های اجتماعی در ایران

رضا امیدی[۱]

چکیده

جمعیت بیکار کشور طی دورهٔ ۹۰-۱۳۳۵ به‌طور قدر مطلق رو به افزایش بوده و تنها در دههٔ منتهی به سرشماری سال ۱۳۷۵، کاهش داشته است. براساس سرشماری سال ۱۳۹۰، بیش از ۳ میلیون و ۵۶۰ هزار نفر از جمعیت فعال کشور بیکارند. همچنین رکود اقتصادی بلندمدت موجب شده است تا حتی در صورت ورود اقتصاد کشور به دورهٔ رشد ابهام‌هایی نسبت به اشتغال‌زایی متناسب به‌وجود آید. علاوه بر این، طی یک دههٔ اخیر، ناپویا بودن بازار کسب‌وکار و ناتوانی در جذب نیروهای ورودی به بازار، سیاست‌گذاران را بر آن داشته تا با توسعهٔ کمّی آموزش عالی و تسهیل ورود به دانشگاه‌ها، ورود جوانان را به بازار کار به‌تعویق اندازند. این رویکرد موجب شده تا جمعیت دانشجویی کشور طی یک دهه تا میزان ۴ برابر افزایش یابد و نظام آموزش عالی را با چالش‌های جدی مواجه کند. طی سال‌های ۹۰-۱۳۷۵ نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از حدود ۴ درصد به حدود ۲۱٫۶ درصد رسیده است؛ از ۵۸ هزار نفر به بیش از ۷۶۸ هزار نفر. نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان در برخی استان‌ها به بیش از ۴۰ درصد می‌رسد. این روند با کالایی‌شدن آموزش عالی در ایران نیز همراه بوده تا جایی‌که از تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌های دولتی حدود ۸۵ درصد شهریه می‌پردازند. ناموزونی عرضه و تقاضای نیروی کار از یک‌سو و به‌هم‌خوردن تعادل ورودی و خروجی صندوق‌های بازنشستگی کشوری طی یک دههٔ اخیر موجب شده تا اصلاح نظام بازنشستگی به یکی از مسائل محوری برنامهٔ ششم توسعهٔ کشور تبدیل شود و انواعی از اصلاحات پارامتری و ساختاری که چه‌بسا در کشورهای دیگر تجربهٔ ناموفقی داشته‌اند، مدنظر سیاست‌گذاران قرار گیرند. در این مقاله با تحلیل ثانویه داده‌های مربوط به سرشماری‌ها و طرح‌های نیروی کار و همچنین سیاست‌پژوهی نشان داده می‌شود که مجموعهٔ روندها و تحولات جمعیتی، چگونه بر تحولات بازار کار و در نتیجه بر سیاست‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

واژگان کلیدی: بیکاری، سیاست‌گذاری اجتماعی، اصلاحات پارامتری، اصلاحات ساختاری.

۱. استادیار گروه رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی rezaomidi79@gmail.com

عوامل موثر بر تصمیم اشتغال زنان متاهل

حبیب حبیبی نیکجو[۱]، محمد حقگو[۲]

چکیده

یکی از چالش‌های سال‌های آتی ایران، افزایش حضور زنان در بازار کار است. این مساله از یک طرف سبب می‌شود که جمعیت فعال در بازار کار به عنوان یک نهاده تولیدی افزایش یابد که یک فرصت به حساب می‌آید. اما از سوی دیگر، زمینه تغییر در ساختار جنسیتی بازارکار می‌تواند تبعات اجتماعی بسیاری به همراه داشته باشد. از این رو، شناسایی عوامل موثر بر حضور زنان در بازار کار از اهمیت بسیاری برخوردار است. این مطالعه با استفاده از داده‌های هزینه و درآمد خانوار در سال ۹۲، به برآورد عوامل موثر بر انتخاب اشتغال زنان متاهل پرداخته است. برآورد مدل به صورت گسسته (لاجیت) است. نتایج نشان می‌دهد که میزان درآمد همسر، تحصیلات و سن از عوامل موثر بر انتخاب تصمیم اشتغال می‌باشد.

واژگان کلیدی: رگرسیون لاجیت، اشتغال زنان، تصمیم اشتغال.

۱. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد habibnikjoo67@gmal.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه پیام نور مشهد

کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر مقوله اشتغال و وضعیت اقتصادی آنان: مطالعه‌ی کیفی در شهر شیراز

ملیحه علی مندگاری[۱]، سمانه اشرف گنجویی[۲]

چکیده

پدیده زنان سرپرست خانوار در جوامع کنونی از جمله ایران به دلایلی همچون طلاق، عوامل محیطی و اجتماعی، مهاجرت ناشی از بحران‌های اقتصادی و سیاسی رو به افزایش است. این زنان با انواع چالش‌ها و مشکلات ناشی از پذیرش مدیریت و سرپرستی خانواده مواجه هستند و در نتیجه کیفیت زندگی آنان و خانواده تحت پوشش آنان از این شرایط تأثیر زیادی می‌پذیرد. علاوه بر این زندگی تحت این شرایط آسیب‌های جسمی و روحی و پیامدهای فردی و اجتماعی متفاوتی برای زنان سرپرست خانوار ایجاد می‌کند. در این مقاله سعی شده با روش کیفی و با رویکرد نظریه زمینه‌ای کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر مقوله اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی آنان مورد توجه قرار گرفته و چگونگی مواجهه آنان با این شرایط تحلیل و بررسی شود. بدین منظور ۴۰ نفر از زنان سرپرست خانوار در مرکز مشاوره سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی(ره) در شهر شیراز با روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند انتخاب شدند. پس از انجام مصاحبه‌های عمیق و تحلیل داده ها، مدل نظری نهایی ارائه شد. مفاهیم استخراج شده در مقوله محدودیت‌های ایجاد شده برای اشتغال شامل مفاهیم؛ بی سوادی و نداشتن مهارت کافی برای احراز شغل درآمدزا، محدودیتهای خانواده برای کار زنان در بیرون از منزل، نداشتن وضعیت جسمی مناسب و یا پرستاری از اعضای ناتوان خانواده، احساس ناتوانی در انجام کار، عدم احساس امنیت در محیط کار، سوء استفاده کاری، عدم اعتماد کار فرما، عدم درآمدزایی شغل در فصل خاص و .... می باشد. مهمترین عامل زمینه‌ساز نیز تنگناهای فرهنگی_جتماعی و ضعف در مهارت‌های زندگی و تحصیلات ناکافی و پایین است که محدودیت‌های زیادی را در زمینه اشتغال برای زنان ایجاد نموده و نهایتاً در تعامل با سایر زمینه ها به عدم بهزیستی آنان منجر شده است. پیامدهای حاصل از عدم بهزیستی زنان سرپرست خانوار نیز ابتلا به انواع بیماری‌های جسمی و روحی، تداوم یکنواختی در زندگی، درهم‌شکستگی روابط اجتماعی و احساس ناامنی روانی و اجتماعی است.

واژگان کلیدی: زنان سرپرست خانوار، اشتغال، کیفیت زندگی، عدم بهزیستی، شهر شیراز.

---

۱. استادیار جمعیت شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه یزد m.alimondegari@yazd.ac.ir
۲. دانش آموخته جمعیت شناسی دانشگاه یزد ashraf.ganjooee25@gmail.com

اشتغال زنان و باروری: مطالعه موردی شهر شیراز

خدیجه اسدی سروستانی[۱]، مریم حسینی[۲]

چکیده

هر چند که در سالیان اخیر نرخ ورود زنان به مدارس و موسسات آموزشی رشد داشته است اما این نرخ، همخوانی چندانی با میزان دسترسی آنها به فرصت‌های شغلی نداشته است. در واقع عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حضور آنها را در عرصه‌های شغلی محدود ساخته است. از سوی دیگر یکی از مسایل مطرح کشور کاهش نرخ باروری می‌باشد به صورتی که سیاست‌گذاران در ارتباط با آن ابراز نگرانی کرده و بدنبال راهکارهایی جهت بهبود آن می‌باشند. در این میان برخی از سیاست‌گذاران، حضور زنان در عرصه های شغلی- تحصیلی را یکی از عوامل کاهش نرخ باروری دانسته و محدود ساختن زنان در این زمینه را یکی از راههای افزایش نرخ باروری می‌دانند. بر این اساس هدف اصلی از این پژوهش بررسی رفتار باروری زنان شاغل و غیرشاغل و عوامل موثر بر آن بود. این پژوهش به روش کمی و تکنیک پیمایش صورت گرفته است. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان متاهل در سن باروری ساکن شهر شیراز بوده و اطلاعات مورد نیاز از ۴۰۰ نفر که با استفاده از نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شده بودند جمع‌آوری گردید. نتایج نشان داد که تعداد فرزندان زنان شاغل از تعداد فرزندان ایده ال آنها پایین‌تر است. به علاوه درصد بالایی از زنان دارای تحصیلات دانشگاهی، جستجو جهت یافتن شغل را از مهمترین عوامل در تاخیر اقدام به بارداری بیان کردند. زنان شاغل مشکلاتی همچون عدم امنیت شغلی، هزینه بالای مراکز نگهداری کودک و کیفیت پایین این مراکز را از مهمترین موانع باروری می‌دانستند. همچنین پژوهش‌هایی که اخیرا در برخی کشورهای اروپایی انجام شده است نشان می‌دهد که در واقع دسترسی زنان به فرصت‌های شغلی، امنیت شغلی زنان و در نظر گرفتن تسهیلات جهت زنان شاغل می‌تواند به بهبود تعداد فرزندان ایده‌آل و نهایتا بهبود نرخ باروری بیانجامد. هر چند برخی سیاست-مداران نگران کاهش نرخ رشد جمعیت می‌باشند اما باید به این نکته توجه داشت که نگاه سنتی و غیرعلمی به حوزه اشتغال زنان می‌تواند به کاهش بیشتر نرخ باروری منجر گردد. بر این اساس حوزه اشتغال زنان نیاز به توجه بیشتر، بررسی دقیق‌تر و جامع‌تری دارد.

واژگان کلیدی: باروری، اشتغال زنان، تعداد فرزندان ایده آل، تعداد فرزندان زنده.

---

[۱]. دکترای جمعیت شناسی Asadi.kh1982@gmail.com
[۲]. دانشجوی دکترای دانشگاه شیراز m.hosseini328@gmail.com

بررسی ظرفیتها وتوانمندی‌های اشتغال‌زایی در مناطق روستایی ایران

محمد آذرپناه [۱]

چکیده

امروزه یکی از مسائل مهم کشور وضعیت اشتغال و بیکاری جوامع روستایی است که به یکی از حوزه‌های چالش‌برانگیز اقتصادی واجتماعی تبدیل شده است، به گونه ای که عدم وجود جایگاه مناسبی برای توسعه اشتغال روستایی در طرحهای توسعه فرادستی به‌طور روز افزونی به مهاجرت روستا به شهر دامن زده و بویژه پس از اصلاحات ارزی پدیده نوظهور و ناخوشایند حاشیه‌نشینی واشتغال کاذب در شهرها را تسریع نموده و از طرفی حوزه‌های تولید در بخش کشاورزی و صنایع روستایی را با افت شدید بهره‌وری نیروی کار و به تبع آن افت بهره‌وری سایر عوامل تولید مواجه نموده است. دراین مقاله تلاش شده ضمن بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در جوامع روستایی به دو سوال اساسی ۱- چه چالش‌هایی اشتغال موجود در روستاها را تهدید میکند؟ ۲- زمینه‌ها و پتانسیل‌های موجود در روستاها برای توسعه اشتغال ورفع بیکاری کدامند؟ پاسخ داده شود. روش بررسی، گردآوری آمار و اطلاعات از منابع اسنادی و روش پیمایشی (مطالعه میدانی) است. با توجه به اینکه جامعه آماری تحقیق روستاهای بالای یکصد خانوار را شامل می‌شود، برای نمونه-گیری از روش چندمرحله‌ای بهره‌گیری شده و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین گردیده است. نتایج بدست آمده از تحقیق نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی و رفاهی، عوامل زیرساختی و فرهنگی و عوامل آموزشی و بازاریابی به ترتیب بیشترین میزان اثرگذاری را برتوسعه اشتغال روستایی دارند و چالشهای عمده پیش روی اشتغال روستایی نیز عبارتند از مهاجرت نیروی کار جوان، پایین بودن درآمد مشاغل، کمبود منابع مالی، عدم آشنایی با نحوه مدیریت طرحهای اقتصادی، و پایین بودن سطح سواد شاغلین روستایی، نهایتا با توجه به پتانسیل موجود برای توسعه اشتغال روستایی حوزه های آموزشی، فناوری اطلاعات وارتباطات، گردشگری، امور ورزشی وتفریحی در بخش خدمات، و باغداری، دام و طیور و مکانیزاسیون در بخش کشاورزی و صنایع غذایی در بخش صنعت و معدن دارای پتانسیل اشتغال زایی در روستاها می‌باشند.

واژگان کلیدی: عوامل توسعه اشتغال، بیکاری، مهاجرت روستایی، عوامل پیش‌برنده، عوامل بازدارنده.

---

۱. کارشناس ارشد جامعه شناسی و کارشناس اشتغال، معاون دفتر سیاستگذاری و توسعه اشتغال وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی – Azarpanah@ mlsa.gov.ir

جایگاه اشتغال نیروی انسانی در سیاست‌گذاری اقتصادی جمهوری اسلامی ایران (برنامه‌های اول تا پنجم توسعه)

زهرا جهانگیر[۱]، محمدکاظم کاوه‌پیشقدم[۲]

چکیده

موضوع اشتغال به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای یک جامعه و از اهداف کلان توسعه‌ی پایدار در اغلب کشورها محسوب می‌گردد. از جمله دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی کاهش نرخ بیکاری به‌عنوان یک پدیده‌ی مخرب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و فراهم نمودن زمینه‌های مناسب در راستای توسعه اشتغال می‌باشد. بدین منظور، بهره‌برداری مناسب از منابع انسانی هر کشور باید به‌عنوان یکی از اهداف اصلی توسعه‌ی پایدار در نظر گرفته شود. در این پژوهش بر آن شدیم که سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌های گوناگون در برنامه‌های متعدد توسعه در ارتباط با مسئله‌ی توسعه اشتغال و کاهش بیکاری را مورد بررسی قرار داده و به این پرسش‌های اساسی پاسخ دهیم که مسئله اشتغال در سیاست‌گذاری برنامه‌های متعدد توسعه جمهوری اسلامی چه جایگاهی داشته و دارد؟ آیا برنامه‌های اول تا پنجم توسعه توانسته‌اند در زمینه توسعه اشتغال مفید واقع شده و منجر به کاهش نرخ بیکاری شوند؟ با بررسی‌های صورت گرفته و نیز شواهد موجود در زمینه نرخ فعلی بیکاری در سطح کشور باید عنوان کرد سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در زمینه اشتغال نتوانسته‌اند بنا به دلایلی نظیر عدم وجود منابع و امکانات لازم و کافی، ناهماهنگی‌های میان منابع و مصارف و همچنین ناهماهنگی‌های میان برنامه‌های توسعه و بودجه‌ها و نیز عدم وجود سازمان و مؤسسه اجرایی کارآمد، ضعف استنباط نادرست مجریان و قوانین و مسایل مربوط به کنترل و نظارت تاکنون موفق عمل کنند. در این پژوهش علاوه بر روش توصیفی و کتابخانه‌ای، از روش تحلیل ثانویه و با کمک داده‌ها و اطلاعات آماری موجود به تحلیل برنامه‌های توسعه پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری عمومی، سیاست‌گذاری اقتصادی، سرمایه انسانی، اشتغال و بیکاری.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا Jahangir.zahra110@yahoo.com
۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز pishghadam@iaushiraz.ac.ir

سرمایه انسانی و بهره‌وری نیروی کار در استان‌های ایران

مجید آقایی[۱]، مهدیه رضاقلی زاده[۲]، سید جابر حسینی خلیلی[۳]

چکیده

با توجه به اهمیت فراوان نقش سرمایه انسانی در تعیین بهره‌وری نیروی کار، مطالعه حاضر به بررسی تاثیر سرمایه انسانی بر بهره‌وری نیروی کار در استان‌های مختلف کشور در قالب الگوی پانل دیتا و تخمین زن اثرات ثابت با بگارگیری تابع تولید ترانسلوگ طی دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ می‌پردازد. نتایج تحقیق بیان می‌دارد که طی دوره مورد بررسی سرمایه انسانی یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار بر بهره‌وری نیروی کار در استان‌های مختلف کشور می‌باشد.

واژگان کلیدی: سرمایه انسانی، بهره‌وری نیروی کار، پانل دیتا.

۱. استادیار اقتصاد و عضو هیات علمی دانشگاه مازندران
۲. استادیار اقتصاد و عضو هیات علمی دانشگاه مازندران
۳. دانشجوی کارشناسی اقتصاد بازرگانی دانشگاه مازندران

چالش‌های ساختاری آموزش عالی و اشتغال در ایران

اصغر میرفردی[۱]

چکیده

در هر جامعه‌ای، انتظار بر این است که آموزش و اشتغال به عنوان بخش‌های مکمل و متجانس عمل نمایند. این مقاله به بررسی چالش‌های ساختاری آموزش عالی و اشتغال در ایران پرداخته است. با توجه به ماهیت موضوع مطالعه، در این بررسی از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. آمارها و داده‌های مربوط به آموزش عالی و اشتغال در دهه‌های گذشته در ایران در کنار منابع پژوهشی مرتبط با این دو حوزه از مهمترین اطلاعاتی است که در این پژوهش مورد بررسی و بهره-برداری قرار گرفته است. بررسی منابع و آمارهای موجود نشان می‌دهد که آموزش عالی در ایران در پیوند و تجانس با حوزه اشتغال توسعه نیافته است. این گسست و نداشتن تجانس خود معلول ویژگی‌ها و چالش‌های گوناگونی از جمله چالش‌های ساختاری و کلان اجتماعی و اقتصادی است. چالش‌های ساختاری در چند دسته قرار می‌گیرند: رویکرد مدیریتی به ویژه مدیریت کلان جامعه که مبتنی بر بهره‌گیری از منابع موجود بوده، رویکرد فرهنگی-اجتماعی «دولت-اتکائی» شهروندان و کم‌توجهی به کارآفرینی و خلاقیت شهروندان به عنوان کنشگران خلاق، کمی‌گرائی و ظاهرگرایی در آموزش، فرهنگ کار مبتنی بر روزمرگی، بی‌توجهی به نیازها و اقتضائات منطقه‌ای در قالب آمایش سرزمین، ضعف پیوند بین دانشگاه و جامعه (به ویژه صنعت)، نگاه منزلتی به دانش به جای رویکرد دانایی‌محورانه به آن و .... نمونه‌هایی از چالش‌های موجود در آموزش عالی و اشتغال در ایران هستند.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، اشتغال، چالشها، ایران.

۱- دانشیار جامعه شناسی دانشگاه یاسوج. As_mirfardi@yu.ac.ir و a.mirfardi@gmail.com

بررسی نقش اشتغال زنان در ساختار زندگی خانوادگی: مطالعه تطبیقی زنان شاغل و غیرشاغل در شهر یزد

سمیه عسکری ندوشن[۱]، دکتر محمد رضا امینی[۲]، فاطمه عسکری ندوشن[۳]

چکیده

با توجه به نقش کلیدی مشارکت زنان در ظرفیت‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، اشتغال زنان امروزه به یکی از موضوعات حائز اهمیت در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و زندگی فردی و خانوادگی مبدل شده است. در دهه‌های اخیر گشوده‌شدن فرصت‌های اشتغال برای زنان موجب شده است بواسطه دست‌یابی زنان به منابع اقتصادی و مشارکت اجتماعی، ساختارهای خانواده نیز دستخوش تغییر گردد. بااین وجود، در ایران تاکنون مطالعات منسجمی که به طور مشخص پیامدهای وضعیت اشتغال زنان را بر ساختار خانواده مورد کنکاش قرار داده باشد، وجود ندارد. مقاله حاضر به بررسی تأثیر اشتغال زنان بر ساختار درونی زندگی خانوادگی می‌پردازد. این تحقیق با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه و با انتخاب نمونه‌ای بالغ بر ۳۳۶ نفر از زنان متاهل شاغل و غیرشاغل ساکن در شهر یزد و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انجام شده و برای آزمون فرضیه‌ها از ازمون t و خی دو بهره گرفته شده است. با استفاده از داده‌های مذکور، تفاوت‌های موجود بین زنان شاغل و غیرشاغل در ابعاد مختلف زندگی خانوادگی آنها، نظیر تربیت فرزند، امور خانه‌داری، ساختار قدرت و تصمیم گیری زوجین در خانواده و نظایر آن مورد بررسی قرار گرفت. به طور کلی نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که اشتغال زنان، ساختارهای درونی خانواده را به شدت تحت تاثیر قرار داده است به طوریکه اشتغال زن منجر به افزایش منابع در دسترس (تحصیلات و درامد) و به تبع آن افزایش قدرت تصمیم‌گیری او در خانواده، کاهش بعد خانوار (تعداد فرزندان) و افزایش سن ازدواج شده است و بر نحوه انتخاب همسر و سازگاری زناشویی بی‌تاثیر بوده است.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، ساختار خانواده، شهر یزد، زنان شاغل، زنان غیرشاغل.

---

۱. کارشناسی ارشد برنامه ریزی توسعه منطقه ای somayehaskari65@gmail.com
۲. عضو هییت علمی دانشگاه پیام نور یزد Mrahaj110@gmail.com
۳. کارشناس امور اقتصادی

مطالعه تطبیقی شاخص‌های اشتغال زنان شهری و روستایی در مقایسه با مردان در شهرستان‌های ایران: تحلیل سطح انبوه از سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

سمیه فرامرزیان[۱]، عباس عسکری ندوشن[۲]

چکیده

یکی از موضوعاتی که همواره در مباحث مربوط به اشتغال مورد بحث و بررسی قرار میگیرد، وضعیت اشتغال زنان در کشور است، به منظور درک عمقیتر وضعیت اشتغال زنان، تحقیق حاضر، با استفاده از داده‌های سطح انبوه سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، به بررسی تطبیقی اشتغال زنان شهری و روستایی در سطح شهرستان‌های کشور از یکسو و از سوی دیگر به بررسی تطبیقی وضعیت شغلی زنان در مقایسه با مردان پرداخته است. واحد تحلیل ۳۹۷ شهرستان کشور در سرشماری ۱۳۹۰ و ۳۳۵ شهرستان در سال ۱۳۸۵ است. یافته‌های تحقیق حاکی از حضور بیشتر زنان شهری در بخش خدمات و نیز در رده شغلی متخصیصن است. زنان روستایی در سرشماری ۱۳۸۵ در بخش کشاورزی و در سرشماری ۱۳۹۰ علاوه بر بخش کشاورزی در بخش خدمات نیز حضورشان بیشتر شده است. در مقایسه تطبیقی سطح اشتغال زنان و مردان نتایج نشان داد هر دو جنسیت بیشترین مشارکت شغلیشان در درجه اول در بخش خدمات و بعد در بخش کشاورزی بوده و اشتغال در رده‌های شغلی قانونگذاری و مدیریت در بین مشاغل دیگر در سطح حداقلی قرار داشت و به علاوه، میانگین اشتغال زنان در مقایسه با مردان در بخش صنعت ناچیز بوده است. پیشنهاد سیاستی مقاله حاضر این است که راهکارهایی برای خروج درصد بیشتری از زنان از جمعیت غیرفعال جامعه و تبدیل آنان به جمعیت بالفعل فعالی که بتواند نقش مؤثری را در فرآیند توسعه اقتصادی اجتماعی کشور ایفا نماید باید دنبال شود. در کنار آن ارتقا سطح دسترسی زنان به مشاغل رده‌های بالاتر به خصوص برای زنان دارای تحصیلات عالیه در برنامه‌های توسعه اشتغال مورد توجه قرار گیرد، با تدوین سیاست‌های مؤثر در جهت ارتقاء مشارکت زنان در نیروی کار، از پتانسیل‌ها و سرمایه انسانی زنان که نیمی از جمعیت کشور را در برمی‌گیرند، در حرکت کشور به سمت توسعه اقتصادی اجتماعی به شکل بهینه‌ای بهره‌برداری شود.

واژگان کلیدی: اشتغال، بخش‌های مختلف شغلی، سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، شاغلین بخش خدمات و کشاورزی، نسبت فعالیت زنان و مردان.

---

۱. کارشناسی ارشد جمعیت شناسی دانشگاه یزد somayehfaramarzian@yahoo.com
۲. استادیار جمعیت شناسی دانشگاه یزد aaskarin@yazd.ac.ir

رشد جمعیت زنان با تحصیلات عالی و تاثیر بر نرخ بیکاری آن‌ها: ۹۳-۱۳۸۸

فاطمه آسایش[۱]، جعفر رحمانی شمسی[۲]

چکیده

با رشد نظام آموزشی عالی کشور و افزایش سطح تحصیلی زنان، پدیده بیکاری زنان دارای تحصیلات عالی در سال‌های اخیر بیش‌تر نمود یافته است. با وجود آنکه بهره‌وری آموزشی و ارتقای سطح تحصیلات افراد می‌تواند مقیاسی برای رشد اقتصادی کشور تلقی گردد و نیز برای توسعه هر جامعه‌ای توجه به میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی اجتناب ناپذیر است اما، تدابیر مناسبی جهت کاهش نرخ بیکاری زنان همگام با افزایش تعداد زنان دارای تحصیلات عالی اندیشیده نشده است. در این راستا از اولویت‌های اصلی دولت جمهوری اسلامی ایران نیز فراهم نمودن زمینه‌های لازم جهت مشارکت فعال زنان در امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد. بنابراین، اهمیت بررسی این موضوع که آیا رابطه‌ای بین رشد جمعیت زنان با تحصیلات عالی و نرخ بیکاری آن‌ها وجود دارد یا خیر؟ کاملاً مشهود است. چرا که امروزه دو رقمی شدن نرخ بیکاری کشور را می‌توان ناشی از تاثیر نرخ بیکاری زنان و عدم ایجاد فرصت شغلی مناسب برای آن‌ها دانست. با چنین رویکردی، این مقاله کوشیده است به بررسی موضوع فوق به تفکیک استان‌های مختلف کشور طی دوره زمانی ۹۳-۱۳۸۸ بپردازد. نتایج به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار Stata نشان می‌دهد که افزایش جمعیت زنان فعال با تحصیلات عالی باعث افزایش نرخ بیکاری آن‌ها شده است. این در حالی است که اگرچه افزایش سطح تحصیلات زنان به ویژه در سطح آموزش عالی، چشم‌انداز افزایش نرخ مشارکت آن‌ها را در پیش رو دارد اما، کسب تجربیات تحصیلی بالاتر، باعث افزایش سطح انتظارات آن‌ها گردیده و در این راستا لازم است سیاست‌های موجود برای ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای این گروه از زنان مورد بازنگری قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تحصیلات عالی، نرخ بیکاری، زنان، نرخ مشارکت، پانل دیتا.

۱. کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کارشناس سازمان برنامه و بودجه استان یزد asayesh_1385@yahoo.com

۲. دانشجوی دکترای آمار، دانشکده ریاضی، دانشگاه یزد و کارشناس سازمان برنامه و بودجه استان یزد، jrahmanishamsi@yahoo.com

فارغ‌التحصیلان: اشتغال یا بیکاری، آثار و تبعات کارکردی و روانشناختی آن

منوچهر علی نژاد[۱]

چکیده

پدیده اشتغال و بیکاری در ایران از دیرباز به عنوان یک واقعیت اجتماعی ذهن برنامه‌ریزان و دولت-مردان را به خود مشغول داشته و تلاش برای ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری از سیاست‌های دولتها در طول دوره‌های مختلف در قبل و بعد انقلاب بوده است. اما این مساله با طرح موضوع اشتغال گروه‌های خاصی نظیر اشتغال زنان، فارغ‌التحصیلان و دانش‌آموخته‌ها وضعیت بسیار حاد و بغرنج به خود گرفته و به یک اپیدمی اجتماعی مبدل شده است. آمارها نشان می‌دهد که سهم بیکاران در جامعه امروز ایران به‌شدت در میان گروه‌های تحصیلکرده شایع شده و به تفکیک نوع رشته تحصیلی، جنس و توانمندی‌ها و روحیه جستجوگری آنها برای کار متفاوت شده است. شواهد نشان از یک نوع یاس اجتماعی در کاریابی و هدررفت منابع انسانی به لحاظ کارکردی در سرمایه‌های انسانی و بهره‌وری نیروی کار در جامعه دارد. نتایج حاصل از این تحقیق ترسیم‌کننده چشم‌اندازی مطلوب به لحاظ نیروی کار آماده و توانمند و نامطلوب به لحاظ پتانسیل‌های کارآفرینی بویژه در بخشهای دولتی و اجرائی دارد. در این تحقیق راه برونرفت از این وضعیت را در تعامل سازنده دولت، مسئولان و نهادهای تصمیم‌ساز در هدایت قابلیت‌های تخصصی و نیروی انسانی بالقوه دانشگاهی به سمت فرصتهای نو متناسب با فناوریهای جدید و بروز هست.

واژگان کلیدی: اشتغال و بیکاری، فارغ التحصیلان، کارکرد و تبعات.

۱. هیات علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه یزد

تفهم جامعه‌شناختی تجارب زنان سرپرست خانوار پیرامون انجام وظایف خانوادگی و شغلی و میزان رضایت از آن "پژوهش کیفی پدیدارشناسی"

(زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر تهران در سال ۱۳۹۳)

ثریا گودرزی[۱]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تجارب زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) در سال ۱۳۹۳ پیرامون انجام وظایف خانوادگی و شغلی و میزان رضایت از آن و با استفاده از روش پدیدارشناسی انجام گرفته است. گردآوری اطلاعات با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت پذیرفته تا در مورد موضوع پژوهش تصویر واضحی از تجارب زنان سرپرست خانوار حاصل شود. مصاحبه با اولین مشارکت کننده آغاز و تا رسیدن به حد اشباع اطلاعات، یعنی ۳۰ نفر به اتمام رسیده است. در طی فرآیند پدیدارشناسی، مشارکت‌کنندگان مقولات اصلی: فقر و درآمد پایین، ناتوانی در تربیت فرزندان، اعتماد به نفس و خطرپذیری پایین، اشتغال‌گریزی، مشارکت‌گریزی، ازدواج مجدد نامطلوب، آسیب‌پذیری اخلاقی، بیماری‌های روحی و روانی را تبیین نمودند. نتایج نشان می‌دهد که عمده‌ترین مشکل این زنان بی پولی است. نداشتن شغل مناسب و درآمد مکفی و مشکلات معیشتی در مواقع زیادی منجر به صدمات روحی در آنها نیز می‌شود. این قشر به دلیل تحمل بار سنگین مسئولیت و تعدد نقش و داشتن مشکلات زیاد و توفیق ناچیز در حل آنها، دچار یأس از زندگی و بی‌انگیزگی شده که باعث عدم مشارکت و گوشه‌گیری آنها در جامعه می‌شود. همچنین به دلیل عدم حضور مرد به عنوان سرپرست در معرض پیشنهادهای غیراخلاقی از سوی مردان قرار می‌گیرند و در بسیاری از مواردی برای فرار از این فشارها تن به ازدواج‌های مجدد اما ناموفق می‌دهند. توانمندسازی این زنان با ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی و کسب مهارت و دسترسی به منابع قدرت مانند مردان، مشکلات مالی و روحی آنها را بهبود بخشیده و زمینه افزایش قدرت تصمیم‌گیری و کنترل بر شرایط زندگی را برای آنها فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: خانواده، خانوار، زنان سرپرست خانوار، اشتغال.

---

۱. کارشناس معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دکتری رشته جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان.

* این مقاله برگرفته شده از پایان نامه دکتری با عنوان " تبیین جامعه شناختی کسب مهارتهای حرفه ای و تأثیر آن بر اشتغال زنان سرپرست خانوار" می باشد.